

۱۳ مقاله‌ی سودمند

تألیف:
جمعی از نویسندگان

تهیه:
اسحاق بن عبد الله العوضی

چاپ اول ۱۴۲۸/۱۳۸۶ هـ

المكتب التعاوني للدعوة وتوعية الجاليات بالربوة بمدينة

الرياض

1428 – 2007

islamhouse.com

شناسنامه کتاب

نام کتاب : 13 رساله‌ی سودمند.
تهیه : إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی.
نویسنده : جمعی از نویسندگان.
ناشر : انتشارات حقیقت.
تیراژ : ۱۰۰۰۰.
سال چاپ : ۱۳۸۶ هـ. ش برابر با ذی حجه ۱۴۲۸ هـ. ق.
نوبت چاپ : اول.
آدرس ایمیل: En_Haghighat@yahoo.com
سایت‌های مفید اسلامی:

www.aqeedeh.com

www.ahlesonnat.net

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

فهرست رساله‌ها

ص	عنوان	م
۴	فرمانبرداری و نیکی به والدین (اطاعت از پدر و مادر)	۱
۱۳	اندرزدهنده خاموش	۲
۱۸	راه بدون بازگشت	۳
۲۶	پاک‌کنندگان گناهان	۴
۵۱	زنان دوزخی	۵
۷۶	قرآن سندی است یا به نفع شما و یا بر علیه شما	۶
۱۰۳	اذکار در برگیرنده (حافظ) مسلمان	۷
۱۲۷	خانواده ناپاکیها	۸
۱۴۶	نزدیکترین راه بسوی بهشت	۹
۱۵۱	غمگین مباش	۱۰
۱۵۷	دروازه بديها	۱۱
۱۷۹	آیا می‌دانی مفلس کیست؟	۱۲
۱۸۸	چرا صحابه را دوست می‌داریم؟	۱۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وحده والصلوة والسلام على من لا نبي بعده نبينا

محمد وعلی آله وصحبه أما بعد

سپاس برای خدای یکتا، درود و سلام بر خاتم پیغمبران محمد
 وآل و اصحاب^{علیهم السلام} او باد.

برادر و خواهر مسلمان بدان که همانا حق پدر و مادر «والدین»
 بسیار بزرگ و شأن و منزلت آنها در دین بسیار مورد توجه است.
 سپاسگزاری از آنان برابر است با سپاسگزاری و شکرگزاری خدای
 «عزوجل» و نیکی کردن به آنها نزد خدا از محبوبترین و بهترین
 کارهاست. هیچ احدی منکر فضل، بزرگی و منزلت والای آنها در
 دلها نیست. چه بسیار عطوفت و رحم و رعایتها که فرزندان از
 پدران و مادرانشان بدست آورده‌اند. شبهای شب بیدار ماندند تا
 فرزندشان بخواب برود.

رنجها را بخاطر آسایش وی متحمل شدند. تلاشها نمودند تا
 وی خوشبخت و سعادت‌مند شود، عمرشان را فدا نمودند تا زیبایی
 و طراوت عمر فرزند زنده بماند.

چه بسیار حقوقی که دارند و چه بسیار نیکی و احترام که

برایشان لازم است!

نیکی و خدمت به پدر و مادر وظیفه‌ایست که فرزندان خوش رفتار، فهمیده و فرزانه آن را بعهد می‌گیرند. آنهائیکه راه فرمانبرداری و اطاعت، جوانمردی و مروت را می‌شناسند، و برای بدست آوردن سعادت در دنیا و آخرت تلاش می‌نمایند، فرزندانانی که ارزش فرمان‌برداری و خدمت را می‌دانند، و نزد آنان تربیتی که از والدین خود گرفته‌اند مثمر ثمر واقع شده، و «هم‌اکنون دوران استفاده پدر و مادر از ثمره آن است».

برادر و خواهر مسلمان: بدانکه فرمانبرداری و نیکی به پدر و مادر نزد خداوند از محبوبترین اعمال است. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: «سألت النبي ﷺ أي العمل أحب الله؟ قال: الصلاة على وقتها. قال: ثم أي؟ قال: بر الوالدین. قال: ثم أي؟ قال: الجهاد في سبيل الله». (البخاری و مسلم).

از پیامبر ﷺ سوال نمودم چه عملی نزد خدا محبوبتر و دوست داشتنی‌تر است. فرمود نماز در وقت، گفت: بعد از آن کدام عمل؟ فرمود: نیکی کردن و فرمانبرداری پدر و مادر. گفت: بعد از آن؟ فرمود: جهاد در راه خدا.

نیکی و فرمانبرداری پدر و مادر راهی است بسوی بهشت:

رسول الله ﷺ فرمودند: «رغم أنف، ثم رغم أنف، ثم رغم أنف، قيل من يا رسول الله؟ قال: من أدرك أبويه عند الكبر أحدهما أو كليهما فلم يدخل الجنة». (مسلم).

دماغش با حالت خواری بر خاک خورد «خاک برسرش» باز خاک بر سرش، باز خاک برسرش، عرض کردند چه کسی یا رسول الله؟ فرمود: کسی که یکی از پدر و مادرش یا هر دوی آنها را در سن پیری درک کند، و کاری نکند که به بهشت برود. «یعنی آنچه لازم است در حق آنان نیکی و خدمتگذاری نکند و در اثر این کاخهای بهشت را از دست بدهد».

پیامبر ﷺ می فرماید: «الوالد أوسط أبواب الجنة فإن شئت فأضع ذلك الباب، أو احفظه». (أحمد، ترمذی، ابن ماجه وألبانی آنرا در صحیح الترغیب صحیح دانسته است). پدر و مادر بهترین و بالاترین، درهای بهشت می باشند پس اگر می خواهی وارد آن شوی مراقب آن در باش «به پدر و مادرت نیکی، و از آنان نافرمانی مکن» و یا آن در را «در اثر آزار و نافرمانی آنان» از دست بده و ضایع گردان. نیکی نسبت به پدر و مادر موجب زیادی عمر و فزونوی و رونقی رزق و روزی می شود.

رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ لَهُ فِي عُمَرِهِ وَيُزَادَ فِي رِزْقِهِ، فَيَبْرَ وَالِدَيْهِ وَلِيَصِلَ رَحْمَهُ». (صحيح الترغيب: 2488).

کسی که دوست دارد در دنیا عمرش طولانی و با برکت، و رزق و روزی‌اش افزون گردد «فزونی یابد» به پدر و مادر خویش نیکی کند، و صله رحم «رفت و آمد فامیل نزدیک» انجام دهد.

و اینک آدابی چند درباره رفتار با پدر و مادر که رعایت آنها لازم و ضروری است تا شاید که اندکی از دین و بدهکاری خود نسبت به آنان ادا کرده. و قسمتی از آنچه که خداوند نسبت به آنان بر ما واجب گردانیده بجا بیاوریم تا که خدایمان را راضی، روحمان را شاد، زندگیمان را شیرین، و کارهایمان را آسان نموده و خداوند عمرمان را پر برکت نماید.

۱- پیروی و فرمانبرداری از آنها و اجتناب و پرهیز از نافرمانی آنان: بر مسلمان فرض و واجب است که از پدر و مادرش فرمانبرداری نموده، و از نافرمانی آنها بپرهیزد، و اطاعت آنها را بجز شوهر که اطاعت و فرمانبرداری او مقدم بر اطاعت از پدر و مادر است بر اطاعت هر فرد دیگری مقدم دارد. مادامیکه بر معصیت و نافرمانی خدا و رسولش دستور ندهند. «یعنی اطاعت از والدین در معصیت خداوند جائز نیست. مثلاً چنانچه پدر و مادر

به کفر و الحاد یا نافرمانی خدا دستور دادند بر فرزند لازم است که به احسان و نیکی خود نسبت به آنان تداوم بخشد، اما در معصیت و نافرمانی از اوامر و دستورات خدا از آنان اطاعت ننماید».

۲- نیکی نمودن به آنها: هم بوسیله گفتار، و هم بوسیله کردار «به قول و عمل و به هر وسیله ممکن».

۳- فروتنی و تواضع: بوسیله فروتنی و تواضع نسبت به آنها و انجام دادن کارهایشان «خم شدن برای کارهایشان».

۴- دوری از داد زدن بر سر آنها: بوسیله کلام ملایم و آرام سخن گفتن با آنها، مهربانی کردن به هنگام صحبت و گفتگو، و پرهیز از هر نوع درشتی و فریاد زدن بر سر آنها.

۵- گوش دادن به آنها: بوسیله رو کردن به آنها هنگام صحبت کردن آنها، و ترک قطع نمودن حرفها و کشمکش با آنها، و پرهیز از هر نوع تکذیب و یا رد نمودن حرفهایشان.

۶- خشنود و شاد شدن بدستورات آنها: ترک اظهار اندوه و بستوه آمدن و دل‌تنگ شدن از دست آنها همانطور که خداوند

می‌فرماید: ﴿فَلَا تَقُلْ لَهُمْ أُفٍّ وَلَا نَهْرَهُمَا﴾ (الإسراء: ۲۳).

«کمترین اهانتی به آنها روا مدار(به آنها اف مگو)! و بر آنها

فریاد مزن».

یعنی کلمه اف «وای و آه» را که علامت اظهار ناراحتی و بیانگر دلتنگی است بر سر زبان نیاورید، تا ثابت شود که به دستورات آنها خوشحال و مسرور هستید.

۷- گشاده روئی در حق آنها: بوسیله روبرو شدن با آنان با فراخی و خوشرویی و دوری و پرهیز از احم کردن و ترشرویی.
۸- اظهار دوستی و محبت به آنها: بوسیله سلام کردن به آنها، دستبوسی و روبوسی آنان و جادادن به آنها در مجلس.

۹- با ادب و احترام نشستن در مقابل آنها: بوسیله درست نشستن و پرهیز از هر چه که آنها فکر کنند اهانت و بی‌احترامی به آنها است. مانند دراز کشیدن، با خنده پر صدا بحضور آنان دراز کشیدن و برهنه شدن. اشتغال به منکرات نزد آنان و غیر اینها که منافی ادب و احترام باشد.

۱۰- پرهیز از منت گذاشتن و به رخ کشیدن بخشش و یا خدمتی که نسبت به آنها انجام می‌دهید: منت گذاردن، احساس و نیکی انسان را به هدر می‌دهد، و از عیبهای اخلاق است، و زشتی آن هنگامی بیشتر می‌شود که در حق پدر و مادر باشد.

۱۱- مقدم داشتن حق مادر «بر پدر به هنگام انتخاب یکی از آن دو»: از مواردی که باز رعایت آن لازم است مقدم داشتن نیکی و

فرمانبرداری در حق مادر بر فرمانبرداری و توجه به پدر است. و آن بخاطر حدیث پیامبر است.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: «أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أُمُّكَ». قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: «ثُمَّ أَبُوكَ». (البخاری: ۵۹۷۱).

ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: شخصی نزد رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: چه کسی برای خوش رفتاری من از دیگران، مستحق تر است؟ فرمود: «مادرت». گفت: سپس چه کسی؟ فرمود: «مادرت». گفت: بعد از او چه کسی؟ فرمود: «باز هم مادرت». پرسید: پس از او چه کسی؟ فرمود: «بعد از او پدرت».

۱۲- عادت دادن فرزندان به نیکی کردن و فرمانبرداری: بطوریکه مرد خانه الگوی آنان شده و در حد امکان برای تقویت و تثبیت علاقه بین فرزندان خود و پدر و مادرش تلاش نماید.

۱۳- اجازه خواستن از آنها و کمک گرفتن از رأی و اندیشه آنان: چه برای سفر با دوستان به صحرا، یا در سفر خارج شهر برای تحصیل و غیر آن، یا برای خارج شدن از منزل و اقامت در بیرون آن، اگر چنانچه اجازه دادند که خوب، و إلاً در صورتیکه

اجازه نداد باید کوتاه آمد و آنچه را می‌خواست انجام دهد ترک کند «که خیر در آن است» بخصوص اگر تدبیر و رأی آنان مستدل و یا از روی دانش و فهم باشد.

برادر و خواهر مسلمان بدانکه نافرمانی و آزردهن پدر و مادر: انکار و تکذیب نیکوئی و فضل، نمک شناسی و دلیل حماقت و نادانی و فرومایگی است.

نافرمانی و آزردهن نشانه‌های متعدد صورتهای گوناگونی دارد که بعضی از آنها بدین شرح است:

* گریاندن و اندوهگین نمودن آنان: داد زدن و درشتی نمودن با آنها، اظهار اندوه و دل‌تنگ شدن و بستوه آمدن از دستورات آنها، نگاه خشمگینانه به آنان، اخم کردن بر رویشان. ترک همکاری و کمک به آنها، کم اهمیت شمردن رأی آنان، طعنه زدن و نکوهش آنان.

* باز از گونه‌های نافرمانیست: بخیل بودن و خست و سختگیری از لحاظ نفقه و مخارج بر آنها، دوری گزیدن و ترک دوستی و نصیحت آنان، مقدم داشتن فرمانبرداری و اطاعت همسر و فرزندان بر اطاعت آنان.

* باز از گونه‌های نافرمانی و آزار آنها است: رها کردن و تنها گذاشتن آنان به هنگام نیاز و پیری و بی‌زاری جستن از آنان، پرهیز

از یاد کردن و نام بردن و نسبت دادن خود به آنها که این از بزرگترین نافرمانیهاست.

* باز از گونه‌های سرپیچی و نافرمانیست: دور شدن و جدایی و ترک آنان در دوران پیری و مراقبت. به هنگام مریضی و فقیر بودنشان آرزوی نابود شدن آنان، و خلاصی یافتن از دستشان.

* باز از گونه‌های نافرمانی و آزار والدین است: دزدی از آنان، تجاوز به حریم شخصیت آنان بوسیله ضرب و شتم، و یا منت گذاردن و به رخ کشیدن چیزی که به آنها تقدیم کرده‌ای، یا اشتغال به کارهای زشت نزد آنان، و یا روی گرداندن با حالت تنفر به هنگام سخن گفتن آنان.

آنچه ذکر شد قسمتی از مظاهر و گونه‌های نافرمانی و آزار والدین است. پس چه دور است خیر و نیکی از کسیکه پدر و مادرش را آزار دهد، و چه عاقبت و کیفر بدی در انتظار اوست. شر و بدی چه زود به سراغش می‌آید، و این «عاقبت بد» امری است محسوس و قابل رؤیت که همه مردم می‌دانند و با چشم سر آن را دیده و داستانهای متعددی را از مردمانی که به سبب نافرمانی و آزار والدین به کیفر اعمال خود رسیده و خوار و ذلیل شده‌اند، شنیده‌اند.

وصلی الله علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.

اندرزدهنده خاموش

ترجمه:

الواعظ الصامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وحده والصلوة والسلام على من لا نبي بعده نبينا

محمد وعلى آله وصحبه، أما بعد:

سپاس و ستایش خدای یکتا را، درود و سلام خدا بر محمد

ﷺ و آل و أصحاب او خاتم پیغمبران اما بعد

قبر

قبر خانه تنهایی، سرای ترس و دلتنگی، زادگاه و موطن تاریکی است، ملازم آن در بین خوابی، و ساکن آن در خاموشی. یار و همدم وی، ناله و فریاد، خونا به کرم است. خانه مردگان، جای حسرت و افسوس و غصه‌هاست.

قبر: پیامبر درباره‌اش فرمودند: «إِنَّ الْقَبْرَ أَوْلُ مَنَازِلِ الْآخِرَةِ فَإِنَّ

نَجِي مَنَّهُ فَمَا بَعْدَهُ أَيْسَرُ مَنَّهُ، وَإِنْ لَمْ يَنْجُ مَنَّهُ فَمَا بَعْدَهُ أَشَدُّ مَنَّهُ». (الترمذی).

قبر اولین منزل از منازل آخرت است. پس اگر فرد از آن نجات

یافت بعد از آن (دنباله آن) آسانتر است. و اگر از آن رستگار نشد

بعد از آن سخت‌تر است.

باز پیامبر ﷺ در درباره آن فرموده: «ما رأيت منظرًا قط إلاَّ

والقبر أفضع منه». (صحيح الترغيب والترهيب). هرگز منظر وحشتناکی ندیدم، مگر اینکه قبر وحشتناک‌تر از آن است.

قبر خانه‌ای است که بعد چند لحظه یا چند ساعت و یا چند سال دیگر بطرف آن کوچ خواهی نمود، و مسلمان شکی در آمدن این لحظه را ندارد.

قبر: منظره‌ایست که با آن دلها نرم، و چشمها گریان می‌شوند. انسان را نسبت به دنیا بی‌علاقه، و به آخرت ترغیب و علاقه‌مند می‌نماید. یادآور مرگ، در هم کوبنده لذات و خوشیها. جدائی کننده جمعیت‌هاست. پند و عبرت و بیداری از غفلت را یاد می‌دهد.

قبر: با بی‌صدایی زندگان را پند می‌دهد. تا آینده را بیاد آورند و بیشتر برای آخرت و معاد آماده شوند. پیامبر ﷺ فرمود: «كنت نهيتكم عن زيارة القبور فزوروها فإنها تذكركم الآخرة». شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم. از این به بعد آنها را زیارت کنید. «به زیارت قبرها بروید» چون یادآور آخرت است.

در آنجا قبر می‌پرسد کجاست ثروت و سامان؟ کجاست زیبایی و فرزندگی؟ تندرستی و نیرو کجاست؟ بیماری و ناتوانی «سستی» کجاست؟ کجاست توانایی و قدرت؟ سلطه و عظمت کجاست؟ تضرع و فروتنی یا خواری کجایند؟ آری قطعاً قبر جسمهای نازک

و توانگری را که همواره در نعمت بودند و بوی عطر از آنها برمی‌خواست می‌فشارد. و چه کاری که با آنها می‌کند؟! در داخل قبر چهره‌های فریبنده، دستهای ستمکار، زبانهای دروغگو، چشمهای خائن و دل‌های سیاه به استخوانهای پوسیده تبدیل می‌شوند. و بجز اعمالی که صاحب قبر پیش از خود فرستاده چیزی باقی نمی‌ماند «تنها کارهای نیک انسان در دنیا است که در قبر بداد او می‌آید».

عذاب قبر: پیامبر ﷺ هیچ نمازی را نمی‌خواند مگر آنکه در آن نماز از عذاب قبر بخدا پناه می‌برد. و می‌فرمود: «إذا فرغ أحدكم من التشهد الأخير فليتعوذ بالله من أربع: من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحيا والممات، ومن فتنة المسيح الرجاء».

(ابن ماجه).

هرگاه در نماز به آخر تشهد دوم رسیدید «قبل از سلام کردن» از چهار چیز به خدا پناه برید: ۱- از عذاب جهنم، ۲- عذاب قبر، ۳- فتنه زنده‌ها و مرده‌ها، ۴- و فتنه دجال.

پیامبر ﷺ به اصحاب و یاران خود می‌فرمود: «استعيذوا بالله من عذاب القبر فإنَّ عذاب القبر حق». (أحمد).

از عذاب قبر بخدا پناه ببرید، همانا عذاب قبر حق است.

و پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُبُورَ مَمْلُوءَةَ ظِلْمَةٍ عَلَى أَهْلِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَنْوِرُهَا لَهُمْ بِصَلَاتِي عَلَيْهِمْ». (مسلم).

همانا این قبرستانها بر ساکنینش بسیار تاریک است. خداوند عز و جل بوسیله دعای من برایشان آن را روشن و نورانی می‌گرداند.

برادر و خواهر جان: قبر همان اندرز دهنده ساکت است. اندرزها و پندهای آن را شنیدی حال چه چیزی برایش مهیا نموده‌ای؟ آیا کردار نیک و عمل صالحی که شما را از ترس و عذاب آن نجات دهد برای داخل قبر آماده نموده‌ای؟ یا اینکه بی‌خبری از اینکه روزی به آنجا خواهی رفت. برادر و خواهرم بهتر است خود را برای آن روز آماده کنی «توشه‌ای برای آن روز داشته باشی» تو می‌توانی کارهای نیک انجام دهی و نیک باشی. باقیمانده عمر خود را غنیمت شمار. این زندگی فرصتی است برای نجات «در آنجا»، برخیز و کمر همت ببند و تصمیم بگیر که از این به بعد نیک باشی و نیکی کنی. قبل از اینکه به هنگام مرگ پشیمان و شرمنده شوی که فایده‌ای ندارد.

راه بدون بازگشت

ترجمه:

ذهاب بلا عوده

تالیف: ابو عبد الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وحده والصلوة والسلام على من لا نبي بعده نبينا

محمد وعلى آله وصحبه، أما بعد:

ناگهان خبر می‌رسد که فلانی فوت کرد:

«عن أبي سعيد الخدري رضي الله عنه قال: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ: إِذَا وُضِعَتْ الْجَنَازَةُ فَاحْتَمَلَهَا الرَّجَالُ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَإِنْ كَانَتْ صَالِحَةً قَالَتْ قَدَّمُونِي وَإِنْ كَانَتْ غَيْرَ صَالِحَةٍ قَالَتْ لِأَهْلِهَا يَا وَيْلَهَا أَيْنَ تَذْهَبُونَ بِهَا، يَسْمَعُ صَوْتَهَا كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا الْإِنْسَانَ، وَلَوْ سَمِعَ الْإِنْسَانَ لَصَعِقَ». (البخاری).

از ابو سعید خدری رضي الله عنه روایت شده که پیامبر ﷺ می‌فرمود هرگاه جنازه‌ای را گذاشتند و برای قبرستان آماده شد. مردم آن را بر دوش خود حمل می‌کنند. اگر صالح و نیکوکار باشد می‌گوید: مرا به جلو ببرید، و اگر آدم بدی باشد به خانواده‌اش می‌گوید: وای بر او کجایش می‌برید «چه عذابی در انتظار او است». صدای این فریاد را بجز انسان همه چیز می‌شنود، و اگر انسان آن را بشنود بیهوش خواهد شد.

بعد از انسان چه چیزهایی بر جای می‌ماند: «قال النبي ﷺ

«یتبع المیت ثلاثة: أهله وماله وعمله: فيرجع اثنان ويبقى واحد، يرجع أهله وماله ويبقى عمله». (متفق عليه).

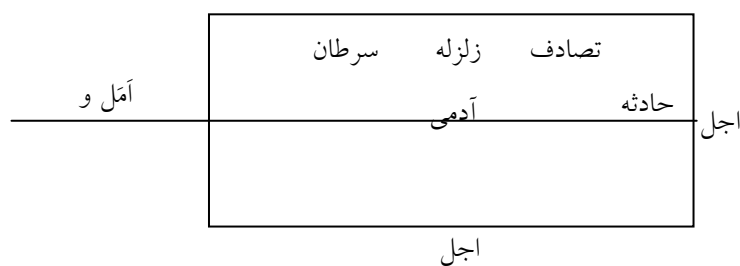
رسول الله ﷺ می فرماید: سه چیز بعد از مرده به او ملحق می شود. خانواده، ثروت و مال، و اعمال وی، سپس دو مورد آن باز می گردند و یکی از آنها باقی می ماند و «با او وارد قبر می شود» خانواده و ثروت او بر می گردند، و عمل وی همراه اوست.

موعظه

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مسعودٍ رضي الله عنه قَالَ: خَطَّ النَّبِيُّ ﷺ خَطًّا مَرْبَعًا، وَخَطَّ خَطًّا فِي الْوَسْطِ خَارِجًا مِنْهُ، وَخَطَّ خُطَطًا صِغَارًا إِلَى هَذَا الَّذِي فِي الْوَسْطِ مِنْ جَانِبِهِ الَّذِي فِي الْوَسْطِ، وَقَالَ: «هَذَا الْإِنْسَانُ، وَهَذَا أَجَلُهُ مُحِيطٌ بِهِ، أَوْ قَدْ أَحَاطَ بِهِ، وَهَذَا الَّذِي هُوَ خَارِجٌ: أَمَلُهُ، وَهَذِهِ الْخُطُطُ الصَّغَارُ: الْأَعْرَاضُ، فَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا، وَإِنْ أَخْطَأَهُ هَذَا، نَهَشَهُ هَذَا». (بخاری: ۶۴۱۷).

عبدالله بن مسعود رضي الله عنه می گوید: نبی اکرم ﷺ مربعی رسم کرد و خطی هم از وسط آن، رسم نمود طوری که از آن، خارج می شد. و پیرامون آن قسمت از این خط که داخل مربع، قرار داشت، خطهای کوچکی رسم نمود که به سوی آن، در حال حرکت بودند و فرمود:

«این خط که داخل مربع قرار دارد، انسان است. و این مربع، اجل اوست که وی را احاطه کرده است. این خط که خارج از مربع، قرار دارد، آرزوهایش می‌باشند. و این خطهای کوچک، مسائل و مشکلاتش هستند. اگر انسان از یکی از اینها نجات پیدا کند، به دام دیگری می‌افتد. و اگر از دومی، نجات پیدا کند، به دام آن یکی دیگر، خواهد افتاد».



شکل مربع برابر حدیث فوق

«عَنْ عَلِيٍّ رضي الله عنه قَالَ: كُنَّا فِي جَنَازَةِ فِي بَقِيعِ الْغَرْقَدِ، فَأَتَانَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَتَعَدَّ وَقَعَدْنَا حَوْلَهُ، وَمَعَهُ مِخْصَرَةٌ، فَكَسَّ فَجَعَلَ يَنْكُتُ بِمِخْصَرَتِهِ، ثُمَّ قَالَ: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ، مَا مِنْ نَفْسٍ مِنْفُوسَةٍ، إِلَّا كُتِبَ مَكَانُهَا مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَإِلَّا قَدْ كُتِبَ: شَقِيَّةٌ أَوْ سَعِيدَةٌ». فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَلَا تَتَّكِلُ عَلَى كِتَابِنَا وَنَدْعُ الْعَمَلَ، فَمَنْ كَانَ مِنَّا مِنْ أَهْلِ

السَّعَادَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ السَّعَادَةِ، وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنْ أُمَّةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ فَسَيَصِيرُ إِلَى عَمَلِ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ، قَالَ: «أَمَّا أَهْلُ السَّعَادَةِ فَيَسْرُونَ لِعَمَلِ الشَّقَاوَةِ». ثُمَّ قَرَأَ: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾ فَسَنِيَرُهُ لِلْيُسْرَى

﴿٧﴾﴾ (اللیل: ۵ - ۶). الآية. (بخاری: ۱۳۶۲).

علی رضی اللہ عنہ می فرماید: برای تشییع جنازه ای به قبرستان بقیع غرقد، رفته بودیم. رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم تشریف آورد و نشست. ما نیز اطراف او نشستیم. رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم که عصایی در دست داشت و نوک آن را آهسته بر زمین می زد، فرمود: «کسی در میان شما نیست و اصلاً هیچ انسانی وجود ندارد، مگر اینکه جایگاهش در بهشت و دوزخ، معین شده و سعادت و شقاوتش، تعیین گردیده است». یکی عرض کرد: ای رسول خدا! پس چرا عمل را کنار نگذاریم و به تقدیر خود، توکل نکنیم؟ زیرا هر کدام از ما، اهل سعادت باشد، خود به خود بسوی عمل اهل سعادت، می رود و اگر، اهل شقاوت باشد، به سوی عمل اهل شقاوت می رود.

رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: «چنین نیست، برای اهل سعادت، انجام اعمال نیک، آسان می شود، و برای اهل شقاوت، ارتکاب اعمال بد، آسان می گردد». سپس، آنحضرت صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم این آیه را تلاوت فرمود:

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾ فَسَنِيَرُهُ لِلْيُسْرَى ﴿٧﴾﴾

«اما آن کس که (در راه خدا) انفاق کند و پرهیزکاری پیش گیرد. و جزای نیک (الهی) را تصدیق کند. ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم».

و در روایتی: «كُلُّ يَعْمَلُ لِمَا خُلِقَ لَهُ أَوْ لِمَا يُسَّرُ لَهُ». (بخاری: ۶۵۹۶).

«هرکس، عملی را انجام می‌دهد که برای آن، آفریده شده است.

و یا هرکس، همان کاری را انجام می‌دهد که برایش میسر است».

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّكَارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَعُ الْغُرُورِ

﴿١٨٥﴾ (آل عمران: ۱۸۵).

«هر کسی مرگ را می‌چشد؛ و شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ آنها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده‌اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست».

«آری آدمی که فوت کرد مردم جنازه او را بر دوش خود حمل

و او را به خاک می‌سپارند». بعد از آن چه؟ همه چیز خاتمه یافت

مردم به قبر تو پشت کرده «و بطرف خانه‌هایشان بر می‌گردند و

تو صدای کفشهای آنها را می‌شنوی چند روزی خانواده‌ات در

سوگ تو گریه می کنند و سپس تو را از یاد می برند.
تو تنها میمانی. حال فکر کن که اگر دوباره برانگیخته شدی و از قبر برخاستی چه چیزی را آرزو می کنی؟ سیگار؟ خلافاکاری و مزاحمت؟ آواز و ترانه؟ آرایش و خودنمایی، یا طاعت و عبادت؟ به خود فکر کن، و اینها را در نظر بیاور. بیاد بیاور که در قبر از اعمال و کردارت سوال می شود. چه آورده ای؟ آن وقت چه پاسخی خواهی داد؟ (۲۰) ترانه، (۶۰) فیلم، هزاران سیگار. یا نمازها و دعا و صلواتی که بدادت می رسند، و اعمال صالحی که از آن بهره مند شوی و بتو نفع رسانند. «كَفَى بِالْمُوتِ وَاعِظًا». مرگ بعنوان موعظه و پند کافی است. برای این سفر «بدون بازگشت» زاد و توشه آماده کن همانا بحقیقت بهترین توشه تقواست.

﴿فَاتَّك حَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى﴾ (البقره: ۱۹۷).

«که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است.»

﴿وَأَتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ

لَا يُظْلَمُونَ﴾ (البقره: ۲۸۱).

«و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا باز می گردانند؛ سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می شود، و به آنها ستم نخواهد شد. (چون

هر چه می‌بینند، نتایج اعمال خودشان است)».

توضیح:

بقیع قبرستانی است در مدینه و به جایی گفته می‌شود که در آن درختان و گیاهان گوناگون باشد.

بقیع الغرقد: که در حدیث آمده چون در آن قبرستان گیاهی بنام غرقد زیاد است به بقیع غرقد مشهور است.

غرقد نام گیاهی است که به فارسی دیوخار نام دارد. گیاهی است دارای برگهای کامل و به رنگهای سفید و بنفش و قرمز و صورتی و زرد دیده می‌شود و (۷۰) گونه از آن شناخته شده است. که همگی در نواحی گرم و معتدل می‌رویند.

(فرهنگ معین جلد دوم).

پاک کنندگان گناهان

خصلت‌هایی که خطا و گناهان را محو می‌کند

ترجمه:

مذهبات السینات

تألیف:

صالح بن عبدالله الصیاح

(مطالب زیر) تو را بسوی کارهایی هدایت می‌کند که
گناهان را محو، و از بین می‌برد.

۱- ترک شرک: «قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ لَوْ لَقَيْتَنِي بِمِثْلِ
الْأَرْضِ خَطَايَا لَأَنْشُرَكَ بِشَيْءٍ لَقَيْتَكَ بِمِلءِ الْأَرْضِ مَغْفِرَةً». (مسلم).
پیامبر ﷺ می‌فرماید: که خداوند «در حدیث قدسی» فرموده:
ای بنی آدم اگر به اندازه کره زمین خطا و گناه داشته اما شریکی
برایم قائل نشده باشی شما را با دنیایی از گذشت و مغفرت
بحضور می‌پذیرم.

۲- نماز پنجگانه، و نماز جمعه: «الصلوات الخمس والجمعة إلى
الجمعة مكفرات لما بينهن إذا اجتنبت الكبائر، ما من امرئ مسلم تحضره
صلاة مكتوبة فيحسن وضوءها وخشوعها وركوعها إلا كانت كفارة لما
قبلها من الذنوب ما لم يؤت كبيرة وذلك الدهر كله». (البخاری).

۳- رسول الله ﷺ می‌فرماید: ادای نمازهای پنجگانه و نماز
جمعه تا جمعه بعد، کفاره گناهان (صغیره) فاصله بین خود
می‌باشند بشرطیکه از گناهان کبیره پرهیز شود. هر مسلمانی که به
هنگام آمدن وقت نماز مرتب و کامل وضو بگیرد، و رکوع و
سجود را نیکو بجا آورد، و خاشع و خاضع باشد. بشرطیکه بسوی

گناهان کبیره نرود نمازهایش برای همیشه کفاره گناهان گذشته او خواهد بود.

نماز: عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه: أَنَّ رَجُلًا أَصَابَ مِنْ امْرَأَةٍ قُبْلَةً، فَآتَى النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَأَخْبَرَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ سبحانه: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مَنْ أَلِيلٍ إِنْ أَحْسَنْتَ يُدْهِبَنَّ السَّيِّئَاتِ﴾ (هود: ۱۱۴) قَالَ الرَّجُلُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِلَيَّ هَذَا؟ قَالَ: «لِجَمِيعِ أُمَّتِي كُلِّهِمْ». (بخاری: ۵۲۶).

ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: شخصی زنی را بوسید. بعد از آن، خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای رسول خدا! مرتکب چنین خطایی شده‌ام، تکلیف چیست؟ آنگاه، خداوند این آیه را نازل فرمود: «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می‌برند». آن شخص، سؤال کرد: ای رسول الله! آیا این حکم، ویژه من است؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «خیر، بلکه شمال حال همه‌ی امت من است».

۴- انجام دادن دو رکعت با خشوع: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَنْ تَوَضَّأَ نَحْوَ وَضُوءِي هَذَا ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ غُفْرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۱۵۹).

رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «هرکس، مانند این وضوی من،

وضو بگیرد و با اخلاص، دو رکعت نماز بخواند، خداوند تمام گناهان گذشته‌اش را مورد عفو قرار خواهد داد.

۵- روزه: «فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَجَارِهِ تَكْفُرُهَا الصَّلَاةُ وَالصَّوْمُ وَالصَّدَقَةُ وَالْأَمْرُ وَالنَّهْيُ». (بخاری: ۵۲۵).

فتنه‌هایی که دامنگیر مرد از ناحیه زن، فرزند، ثروت و همسایه می‌شود به وسیله نماز، روزه، صدقه، و امر به معروف و نهی از منکر از بین خواهند رفت.

۶- روزه ماه رمضان: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۳۸).

رسول الله ﷺ فرمود: «کسی که ماه رمضان را از روی ایمان و برای حصول اجر و پاداش، روزه بگیرد، گناهان گذشته‌اش، آمرزیده می‌شوند».

۷- قیام رمضان «تروایح» «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۳۷).

۸- پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس، ماه مبارک رمضان را بقصد حصول ثواب، در عبادت بگذراند، تمام گناهان گذشته‌اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».

۹- بیداری و برپاداشتن شبهای قدر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۳۵).

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس، شب قدر را بقصد ثواب، زنده نگاه دارد، (یعنی آن شب را در عبادت و بندگی بسر برد)، همه گناهان گذشته‌اش، مورد عفو قرار خواهند گرفت».

۱۰- روزه روز عرفه، «روز قبل از عید»، «صیام یوم عرفه أحتسب على الله أن يكفر السنة التي قبله والسنة التي بعده». (الترمذی و ابن ماجه و الحاکم). پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: روزه روز عرفه کفاره گناهان سال قبل و سال بعد از خود می باشد.

۱۱- روزه روز (۱۰) ماه محرم «عاشورا» «صیام یوم عاشوراء أحتسب على الله أن يكفر السنة التي قبلها». (أبوداود، ترمذی، ابن ماجه و حاکم). روزه عاشورا «روز دهم ماه محرم» کفاره گناهان سال قبل از خود است.

۱۲- صدقه: «الصدقة تطفيء الخطيئة كما يطفىء النار الماء». (الترمذی). صدقه گناهان را محو و نابود می کند همانطور که آب آتش را خاموش می کند.

«يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ». (متفق عليه).

«ای گروه زنان! صدقه دهید. زیرا شما را بیشترین اهل دوزخ دیدم».

۱۳- امر بمعروف و نهی از منکر: «فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ وَوَلَدِهِ وَجَارِهِ تُكْفَرُهَا الصَّلَاةُ وَالصَّوْمُ وَالصَّدَقَةُ وَالْأَمْرُ وَالنَّهْيُ». (بخاری: ۵۲۵).

فتنه‌هایی که دامنگیر مرد از ناحیه زن، فرزند، ثروت و همسایه می‌شود به وسیله نماز، روزه، صدقه، و امر به معروف و نهی از منکر از بین خواهند رفت.

۱۴- آمین گفتن: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: «إِذَا أَمَّنَ الْإِمَامُ فَأَمَّنُوا، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ تَأْمِينَهُ تَأْمِينَ الْمَلَائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۷۸۱).

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هنگامی که امام آمین گفت، شما نیز آمین بگویید. زیرا آمین هر کس که همزمان با آمین فرشتگان باشد، تمام گناهان گذشته‌اش، آمرزیده می‌شود». (گفتنی است که بعد از آمین امام، فرشتگان نیز آمین می‌گویند). (مترجم).

۱۵- گفتن این ذکر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: «إِذَا قَالَ الْإِمَامُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فَقُولُوا: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ قَوْلَهُ قَوْلَ الْمَلَائِكَةِ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (بخاری: ۷۹۶).

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هنگامی که امام (سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ) می‌گوید، شما (اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ) بگویید.

اگر این گفته شما همزمان با (اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ) ملائکه ادا شود، تمام گناهان گذشته شما مورد عفو قرار خواهند گرفت».

۱۶- حج مبرور و مقبول: عن أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُولُ: «مَنْ حَجَّ لِلَّهِ، فَلَمْ يَرْفُثْ، وَلَمْ يَفْسُقْ، رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ». (بخاری: ۱۵۲۱).

ابوهریره رضي الله عنه می گوید: شنیدم که رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: «هرکس، بخاطر (رضای) خدا حج نماید و از مقاربت جنسی و مقدمات آن، (در زمان حج) پرهیز نماید و مرتکب معصیت نشود، چنان از گناه پاک می شود که گویی تازه از مادر، متولد شده است».

«الْحَجُّ الْمُبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ». (بخاری: ۱۷۷۳).

«حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد».

۱۷- اندوه و گرفتاری: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَدَى إِلَّا حَاتَّ اللَّهُ عَنْهُ خَطَايَاهُ، كَمَا تَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ». (بخاری: ۵۶۴۷).

«هر مسلمانی که به مصیبتی، گرفتار آید، خداوند گناهانش را می ریزد همانگونه که برگ درختان، می ریزند».

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ وَأَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنهما عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وسلم قَالَ: «مَا يُصِيبُ الْمُسْلِمَ مِنْ نَصَبٍ وَلَا وَصَبٍ، وَلَا هَمٍّ وَلَا حُزْنٍ، وَلَا أَدَى وَلَا غَمٍّ، حَتَّى الشُّوْكَةِ يَشَاكُهَا، إِلَّا كَفَّرَ اللَّهُ بِهَا مِنْ خَطَايَاهُ». (بخاری: ۵۶۴۲).

ابوسعید خدری و ابو هریره رضی الله عنهما می‌گویند: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مسلمان، دچار هیچگونه خستگی، بیماری، نگرانی، ناراحتی، گرفتاری و غمی نمی‌شود مگر اینکه خداوند به وسیله آنها، گناهایش را می‌بخشد. حتی خاری که به پایش می‌خورد» (باعث کفاره گناهانش می‌شود).

۱۸- تب: «لا تسبی الحمی فإیها تذهب خطایا بنی آدم کما یذهب الکیرب خبث الحدید». (مسلم).

رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: تب را دشنام ندهید چون بیماری تب بسان کوره آهنگری که زنگ آهن را می‌زداید، گناهان را محو می‌کند. اعمال صالح و کردارهای نیک: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾. (هود: ۱۱۴).

۱۹- «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) از بین می‌برند».

۲۰- عمره: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِّمَا بَيْنَهُمَا وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ حِرْزٌ إِلَّا الْجَنَّةُ. (بخاری: ۱۷۷۳).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «یک عمره تا عمره دیگر، موجب بخشش و کفاره گناهانی می‌شود که

میان آن دو عمره، انجام گرفته‌اند. و حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد.»

۲۱- شهادت در راه خدا: «يُغْفِرُ لِلشَّهِيدِ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا الدِّينَ». (مسلم).

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: همه گناهان کسی که در راه خدا شهید می‌شود بجز بدهی و قرض آمرزیده می‌شود.

۲۲- گفتن این ذکر هنگام خواب: عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «إِذَا أَتَيْتَ مَضْجَعَكَ فَتَوَضَّأْ وُضُوءَكَ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ قُلْ: اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَهُ، فَإِنْ مِيتَ مِنْ لَيْلَتِكَ فَأَنْتَ عَمَلِي الْفِطْرَةَ، وَاجْعَلْهُنَّ آخِرَ مَا تَتَكَلَّمُ بِهِ»، قَالَ: فَرَدَّدْتُهَا عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَلَمَّا بَلَغْتُ: اللَّهُمَّ أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ، قُلْتُ: وَرَسُولِكَ، قَالَ: «لَا، وَنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَهُ». (بخاری: ۲۴۷).

از براء ابن عازب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که نبی اکرم ﷺ فرمود: قبل از رفتن به رختخواب، وضوی کامل بگیر و بر پهلوی راست

بخواب و این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ أَسَلَمْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ أَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». (پروردگارا! با خوف و رجاء، چهره‌ام را بسوی تو برمی‌گردانم و تمام امورم را به تو می‌سپارم و تو را پشت و پناه خود می‌دانم. و یقین دارم که هنگام خشم و غضبت، پناهی جز تو ندارم. پروردگارا! به کتابی که نازل فرمودی و پیامبری که مبعوث نمودی، ایمان آوردم). اگر در همان شب بمیری، بر فطرت (با ایمان) از دنیا رفته‌ای. این جملات را آخرین کلام خود قرار بده». راوی (براء) می‌گوید: این دعا را نزد رسول اکرم ﷺ خواندم. وقتی گفتم: أَمَنْتُ بِرَسُولِكَ، آنحضرت ﷺ فرمود: «بگو: أَمَنْتُ بِنَبِيِّكَ». یعنی بجای لفظ رسول، کلمه نبی را بکار ببر.

۲۳- یاد خدا و تسبیح «سبحان الله گفتن: «مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي يَوْمٍ مِائَةً مَرَّةً حَاطَتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ». (مسلم).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: کسی که در روز صد بار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ یعنی پاکی و بی‌عیبی و ستایش خدای را. گناهانش

آمرزیده می شود اگر چه به کثرت کف دریا باشد.

«أَيَعَزُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَكْسِبَ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ. يُسَبِّحُ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ فَيَكْتُبُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُحِطُّ عَنْهُ أَلْفَ خَطِيئَةٍ». (مسلم).

پیامبر ﷺ می فرماید آیا یکی از شما ناتوان است که هر روز هزار حسنه کسب کند؟ پس در هر روز صد بار بگوید: سبحان الله، صد حسنه را کسب، و صد گناه از او کاسته می شود.

۲۴- نماز جماعت: «من تَوَضَّأَ لِلصَّلَاةِ فَأَسْبَغَ الوُضُوءَ ثُمَّ مَشَى إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ فَصَلَّاهَا مَعَ النَّاسِ أَوْ مَعَ الْجَمَاعَةِ أَوْ فِي الْمَسْجِدِ عَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ». (مسلم). پیامبر ﷺ فرموده است: هر کس وضوء کاملی بگیرد بعداً برای ادای نماز واجب براه افتد آن را با مردم یا با جماعت و یا در مسجد بخواند خداوند گناهانش را عفو می نماید!

۲۵- وضوء زیبا و کامل: «من تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الوُضُوءَ خَرَجَتْ

^۱ - حرف او بمعنی یا که در حدیث وجود دارد در اصطلاح علم حدیث تشکیک راوی است، یعنی راوی دقیق نمی داند که پیامبر هنگام بیان این حدیث فرموده: مع الناس یا مع الجماعة یا فی المسجد. یعنی فقط یکی از آنها را بیان فرموده اما راوی در شک است. پس در اینگونه موارد (او) یا بمعنی ترتیب نیست.

خطایاه من جسده حتی تخرج من تحت أظفاره». (مسلم). پیامبر ﷺ فرمود: هر کس وضوء بگیرد و وضوءش کامل و زیبا باشد خداوند گناهان او را محو می‌نماید. «گناهانش از تن او حتی از زیر ناخنهایش خارج می‌شود».

۲۶- وضوء کامل به هنگام سختی‌ها، رفت و آمد مسجد و انتظار نماز: «ألا أدلُّكم على ما يَمْحُو اللهُ به الخطايا ويرفع به الدرجات؟ قالوا بلى يا رسولَ اللهُ، قال: إسباغُ الوضوء على المكاره، وكثرة الخطا إلى المساجد، وانتظار الصلاة بعد الصلاة، فذلكم الرباط، فذلكم الرباط». (مسلم). رسول ﷺ اکرم فرمود: آیا به شما به چیزی راهنمایی کنم که گناهان را پاک و منزلت و درجات انسان را بالا می‌برد؟ عرض کردند آری ای رسول خدا، فرمود: وضوء گرفتن به هنگام سختی‌ها (شدت سرما، و...)، رفت و آمد زیاد به مسجد، و انتظار نماز دیگر پس از نماز فعلی. اینها هستند ریسمان برای چنگ زدن (رباط یعنی ربط دهنده).

۲۷- گفتن این ذکر بعد از اذان: «من قال حين يسمع المؤذن: أشهد أن لا إله إلا اللهُ وحده لا شريك له وأنَّ مُحَمَّدًا عبده ورسوله رضيت بالله رباً وبمحمد رسولاً وبالإسلام ديناً غُفِرَ له ذنبه». (مسلم).

پیامبر ﷺ می فرماید: کسی که به هنگام شنیدن اذان ذکر فوق را بگوید، گناهانش آمرزیده می شود.

معنی ذکر: من هم گواهی می دهم که خدا یکتا و بی نیاز است و محمد بنده و فرستاده اوست و راضیم به اینکه الله پروردگار من و محمد ﷺ پیامبر، و اسلام دین من است).

۲۹- گفتن و خواندن این ذکر بعد از نمازهای واجب: «من سبح الله في دبر كل صلاة ثلاثاً وثلاثين. وحمد الله ثلاثاً وثلاثين. وكبر الله ثلاثاً وثلاثين. فتلك تسعة وتسعون. وقال، تمام المائة: لا إله إلا الله وحده لا شريك له. له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، غفرت خطاياهم وإن كانت مثل زبد البحر». (متفق عليه).

رسول الله ﷺ می فرماید: هر کس پس از هر نماز (۳۳) بار بگوید سبحان الله، و (۳۳) بار بگوید الحمد لله، و (۳۳) بار بگوید الله اكبر که جمعاً می شود (۹۹) و برای اینکه صد را تمام کند «ذکر را به صد مرتبه برساند» در آخر این (۹۹) بگوید: لا إله إلا الله وحده لا شريك له. له الملك، وله الحمد، وهو على كل شيء قدير، یعنی هیچ خدایی بحق جز او نیست تنها و بی نیاز است. عظمت و ستایش لایق اوست و بر هر چیزی قادر است. گناهانش اگر به

مانند کف دریا هم زیاد باشد آمرزیده می‌شود.

۳۰- دست مالیدن و مسح رکن یمانی و حجر الاسود و طواف کعبه: «قال ابن عمر سَمِعْتُهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ إِنَّ مَسْحَهَا أَي الركنين كفارةٌ للخطايا، وسمعتَه يقول: من طاف بهذا البيتِ أُسْبوعاً فأحصاه كان كعتق رقبة، وسمعتَه يقول: لا يَضَعُ قدماً ولا يرفعُ أخرى إلاَّ حَطَّ اللهُ عنه خطيئة، وكتب له بها حسنة». (الترمذی والنسائی).

ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود. همانا مسح آن دو «رکن یمانی و حجرالاسود» کفاره گناهان است، و شنیدم می‌فرمود: کسی که این خانه را «کعبه» هفته‌ای طواف نماید بمانند این است که بنده‌ای را آزاد کرده است، و شنیدم می‌فرمود: هیچ قدمی بر نمی‌دارد مگر اینکه خداوند گناهی از گناهان وی را بخشوده و یا حسنه‌ای برای وی می‌نویسد.

۳۱- کفاره مجلس: «من جلس في مجلس فكثر فيه لَغَطُهُ فقال قبل أن يقوم من مجلسه ذلك: سبحانك اللهم وبحمدك أشهد أن لا إله إلاَّ أنت أستغفرک وأتوب إِلَيْكَ إِلَّا غُفِرَ له ما كان في مجلسه ذلك». (الترمذی).

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: کسی که در مجلسی بنشیند که در آن سخنان مختلفی رد و بدل شود، قبل از ترک آن مجلس دعای فوق را بخواند

خداوند آنچه که از گناهان در آن مجلس گذشته می‌بخشاید.

٣٢- مجالس ذکر: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ، يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ، تَنَادَوْا: هَلُمَّوا إِلَى حَاجَتِكُمْ، قَالَ: فَيُحْفَوْنَهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا، قَالَ: فَيَسْأَلُهُمْ رَبُّهُمْ - وَهُوَ أَعْلَمُ مِنْهُمْ -: مَا يَقُولُ عِبَادِي؟ قَالَ: يَقُولُونَ: يُسَبِّحُونَكَ، وَيُكَبِّرُونَكَ، وَيُحَمِّدُونَكَ، وَيُمَجِّدُونَكَ، قَالَ: فَيَقُولُ: هَلْ رَأَوْنِي؟ قَالَ: فَيَقُولُونَ: لَا، وَاللَّهِ مَا رَأَوْكَ. قَالَ: فَيَقُولُ: وَكَيْفَ لَوْ رَأَوْنِي؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْكَ كَانُوا أَشَدَّ لَكَ عِبَادَةً، وَأَشَدَّ لَكَ تَمَجُّدًا وَتَحْمِيدًا، وَأَكْثَرَ لَكَ تَسْبِيحًا. قَالَ: يَقُولُ: فَمَا يَسْأَلُونِي؟ قَالَ: يَسْأَلُونَكَ الْجَنَّةَ، قَالَ: يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ: يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ أَسْأَلُهُمْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ أَسْأَلُهُمْ رَأَوْهَا، كَانُوا أَشَدَّ عَلَيْهَا حِرْصًا، وَأَشَدَّ لَهَا طَلَبًا، وَأَعْظَمَ فِيهَا رَغْبَةً. قَالَ: فَمِمَّ يَتَعَوَّذُونَ؟ قَالَ: يَقُولُونَ: مِنَ النَّارِ. قَالَ: يَقُولُ: وَهَلْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَا، وَاللَّهِ يَا رَبِّ مَا رَأَوْهَا. قَالَ: يَقُولُ: فَكَيْفَ لَوْ رَأَوْهَا؟ قَالَ: يَقُولُونَ: لَوْ رَأَوْهَا كَانُوا أَشَدَّ مِنْهَا فِرَارًا، وَأَشَدَّ لَهَا مَخَافَةً. قَالَ: فَيَقُولُ: فَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي هَذَا غَفَرْتُ هَيْمًا. قَالَ:

يَقُولُ مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ: فِيهِمْ فُلَانٌ لَمْ يَسِرْ مِنْهُمْ، إِنَّمَا جَاءَ حِجَابَةَ.
 قَالَ: هُمْ الْجُلَسَاءُ لَا يَشْقَى بِهِمْ جَلِيسُهُمْ». (بخاری: ۶۴۰۸).

ابوهریره رضی اللہ عنہ می گوید: رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «خداوند، فرشتگانی دارد که در راهها مشغول گشت زنی هستند و بدنبال ذاکران می گردند. هرگاه، گروهی را ببینند که به یاد خدا مشغول اند، یکدیگر را صدا می زنند و می گویند: به هدف خود رسیدیم. آنگاه، ذاکران را تا آسمان دنیا زیر بالهایشان می گیرند. سپس خداوند که حال بندگانش را بهتر می داند از فرشتگان می پرسد که بندگانم چه می گویند؟ فرشتگان می گویند: پاکی و بزرگی تو را بیان می کنند و تو را تعریف و تمجید می نمایند. خداوند می فرماید: آیا مرا دیده اند؟ جواب می دهند: خیر، سوگند به خدا که تو را ندیده اند. خداوند می فرماید: اگر مرا می دیدند، چکار می کردند؟ می گویند: اگر تو را می دیدند، بیشتر عبادت می کردند و بیشتر حمد و ثنا و پاکی ات را بیان می نمودند. آنگاه خداوند می فرماید: از من چه می خواهند؟ فرشتگان می گویند: از تو بهشت می طلبند. خداوند می فرماید: آیا آن را دیده اند؟ می گویند: ای پروردگار! نه، سوگند به خدا که آن را ندیده اند. می فرماید: اگر آن را می دیدند، چکار می کردند؟ فرشتگان می گویند: اگر آن را می دیدند، بیشتر به آن علاقه مند می شدند، بیشتر

به دنبال آن می‌رفتند و بیشتر به آن، تمایل نشان می‌دادند. خداوند می‌فرماید: از چه چیزی پناه می‌خواهند؟ می‌گویند: از جهنم. خداوند می‌فرماید: آیا آن را دیده‌اند؟ می‌گویند: ای پروردگارا! نه، سوگند به خدا که آن را ندیده‌اند. خداوند می‌فرماید: اگر آن را می‌دیدند، چکار می‌کردند؟ می‌گویند: اگر آن را می‌دیدند، بیشتر از آن، دوری می‌کردند و بیشتر می‌ترسیدند. سرانجام، خداوند می‌فرماید: شما گواه باشید که من آنان را بخشیدم. یکی از فرشتگان می‌گوید: در میان آنان، فلانی وجود دارد که جزو آنان نیست بلکه برای انجام کاری آمده است. خداوند می‌فرماید: آنها کسانی هستند که همنشینان هم بدبخت نمی‌شود».

۳۳- کنار زدن اشیاء مزاحم بر سر راه مردم: «بینما رجل یمشی بطریق وجد غصن شوک علی الطریق فأخره فشکر الله له فغفر له». (مسلم). یکبار مردی در راه عبور می‌کرد، برگ خاری را بر سر راه یافت آن را کنار زد، خداوند او را سپاس گفت و او را آمرزید.

۳۴- ترس از خدا: «یعبج ربک من راعی غنم فی رأس شظیة الجبل یؤذن بالصلاة ویصلي. فيقول الله عز وجل انظروا إلى عبدي هذا يؤذن ويقيم الصلاة يخاف مني قد غفرت لعبدي وأدخلته الجنة». (أبو داود والنسائي والحاكم).

پیامبر ﷺ فرمود: خداوند از چوپانی که بر قله کوه گوسفند می‌چراند و به هنگام نماز اذان می‌گوید و نماز می‌خواند در شگفت است، و می‌فرماید به این بنده من بنگرید. اذان گفته و نماز می‌خواند و از من می‌ترسد، من او را بخشیدم و به بهشت داخل نمودم.

۳۵- اذان: «المؤذن یغفر له بمد صوته ویشهد له کل رطب

ویابس». (النسائی).

مؤذن که بانک بر آورد هر تر و خشکی «هر چیز» برایش شهادت و گواهی می‌دهد و گناهانش آمرزیده می‌شود.

۳۶- صلوات بر پیامبر ﷺ: «من صلی علیّ صلاةً واحدةً صلی

اللهُ علیه عشر صلوات، وحُطت عنه عشر خطیئات، وزُفعت له عشر

درجات». (النسائی والحاکم).

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: کسی که یک صلوات بر من بفرستد خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد. و ده گناه او را محو، و ده درجه وی را رفیع و بلند می‌گرداند.

۳۷- نماز در مسجد الاقصی «بیت المقدس» «لما فرغ سلیمان من

بناء بیت المقدس سأل الله ثلاثاً: حکماً یصادف حکمه، ومُلکاً لا ینبغی

لأحدٍ من بعده، وأن لا یأتی هذا المسجد أحدٌ لا یرید إلا الصلاة فیهِ

إلا خرج من ذنوبه کیوم ولدته أمه، فقال ﷺ أما اثنان قد أعطیها،

وَأرجو أن يكون قد أعطي الثالثة». (النسائي أحمد وابن ماجه).

پیامبر ﷺ فرمود: هنگامیکه سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام بنای بیت المقدس را به پایان رسانید سه چیز را از خدا درخواست کرد: ۱- حکمی که مطابق حکم خداوند باشد. ۲- ملک و پادشاهی که بعد از او برای کسی چنان میسر نشود. ۳- بخشیده شدن تمام گناهان کسی که محضاً بمنظور نماز خواندن وارد این مسجد شود. پیامبر فرمود اما آن دو «پادشاهی و ثروت» به وی داده شد و من از خدا می‌خواهم که سومی هم بوی عطا شود.

۳۸- نماز شب: «الصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الحَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ النَّارُ المَاءُ،

وَصَلَاةُ الرَّجُلِ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ». (الترمذی و ابن ماجه).

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: صدقه گناهان را محو و نابود می‌کند همانطور که آب آتش را خاموش می‌کند. و همچنین نماز شب بسان آب که آتش را خاموش می‌کند و از بین می‌برد خطا و گناهان را از بین می‌برد.

۳۹- خواندن این ذکر عظیم: عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ

ﷺ قَالَ: «مَنْ تَعَارَى مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

أَوْ دَعَا اسْتَجِيبَ لَهُ، فَإِنْ تَوَضَّأَ وَصَلَّى قُبِلَتْ صَلَاتُهُ». (بخاری: ۱۱۵۴).

عباده بن صامت رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس که در شب بیدار شود و این دعا، یعنی: (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) را بخواند و سپس، بگوید: خدایا! مرا مغفرت کن. یا دعای دیگری نماید، خداوند، اجابت می‌کند. و اگر (بلند شود و) وضو بگیرد و نماز بخواند، این نماز (بیشتر) به درگاه خدا پذیرفته می‌شود».

۴۰- استغفار «طلب آمرزش از خدا»: «والذي نفسي بيده لو لم تذبوا لذهب الله بكم ولجاء بقوم يذنبون فيستغفرون الله، فيغفر لهم». (مسلم).

رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید: قسم به کسی که نفس من در دست اوست اگر گناه نکنید خداوند شما را از بین می‌برد و بجای شما قومی را می‌آفریند که گناه کنند و سپس استغفار نمایند و خداوند گناهانشان بیامرزد. (در این حدیث اثبات صفت دست برای خداوند است که به جلال و کمال او لایق است و با هیچ چیز تشابه ندارد).

۴۱- توبه کردن: قَالَ تَعَالَى: ﴿قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا

نَفُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَعْرِفُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾
(الزمر: ۵۳).

«بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است».

قَالَ تَعَالَى: ﴿الَّذِينَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ ﴿١٠٤﴾ (التوبه: ۱۰۴).

«آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند توبه را از بندگان می‌پذیرد، و صدقات را می‌گیرد، و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است؟!».

قَالَ تَعَالَى: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا نَفَعَلُونَ﴾ ﴿٢٥﴾ (الشوری: ۲۵).

«او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد و بدیها را می‌بخشد، و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند».

و قال ﷺ: «من تاب قبل أن تطلع الشمس من مغربها، تاب الله عليه». (مسلم).

و پیامبر ﷺ فرموده است کسی که توبه کند قبل از بر پائی قیامت «قبل اینکه خورشید از طرف مغرب طلوع کند» خداوند توبه او را قبول می‌کند.

۴۲- آب دادن تشنگان: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ فَوَجَدَ بئْرًا فَنَزَلَ فِيهَا فَشَرِبَ ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا كَلْبٌ يَلْهَثُ يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَشِ، فَقَالَ الرَّجُلُ لَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ الْعَطَشِ مِثْلَ الَّذِي كَانَ بَلَغَ مِنِّي، فَنَزَلَ الْبئْرَ فَمَلَأَ خُفَّهُ مَاءً ثُمَّ أَمْسَكَهُ بِيَدِهِ حَتَّى رَفَعِي فَسَقَى الْكَلْبَ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ فَعُفِّرَ لَهُ: قالوا يا رسول الله وَإِنَّ لَنَا فِي هَذِهِ الْبَهَائِمِ لَأَجْرًا؟ فَقَالَ فِي كُلِّ كَبِدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ». (مسلم).

یک روز مردی راهی را طی می‌کرد، در راه تشنگی بر او چیره شد و سپس چاه آبی را در راه یافت، وارد آن شد و از آب آن نوشید و از چاه بیرون آمد، سپس سگی را دید که از فرط تشنگی زبان بر خاک می‌مالید. آن مرد گفت این سگ به همان تشنگی من دچار گشته، وارد چاه شد و موزه (پاپوش) خود را پر از آب کرد و آن را بدهان گرفت و از چاه بیرون آمد و آب را به سگ داد، خداوند او را سپاس گفت بخاطر همین کار نیک گناهانش آمرزید. به پیامبر عرض کردند ای رسول خدا آیا در رابطه با این حیوانات نیز اجر داریم؟ پیامبر ﷺ فرمود: در ترحم به هر حیوانی که جگر دارد اجر و پاداش وجود دارد.

۴۳- خواندن این ذکر: عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ

الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فِي يَوْمِ مِائَةِ مِرَّةٍ، كَانَتْ لَهُ عَدَلٌ
عَشْرَ رِقَابٍ، وَكُتِبَ لَهُ مِائَةُ حَسَنَةٍ، وَحُجِّتَ عَنْهُ مِائَةُ سَيِّئَةٍ، وَكَانَتْ لَهُ
حِرْزًا مِنَ الشَّيْطَانِ يَوْمَهُ ذَلِكَ حَتَّى يُمْسِيَ، وَلَمْ يَأْتِ أَحَدٌ بِأَفْضَلِ مِمَّا
جَاءَ إِلَّا رَجُلٌ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْهُ». (بخاری: ۶۴۰۳).

ابوهریره رضی اللہ عنہ می گوید: رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمود: «هرکس، روزانه صد بار لا إله إلا الله، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بگوید، به او به اندازه آزاد ساختن ده برده، ثواب می رسد. و همچنین صد نیکی برایش نوشته می شود و صد گناه از گناهانش، پاک می گردد و آنروز تا شب از شیطان، حفاظت می شود. و هیچ کس (در روز قیامت) عملی بهتر از آن نمی آورد مگر فردی که عمل بیشتری انجام دهد». یعنی همین کلمه را بیشتر بگوید و یا به طور کلی، اعمال بیشتری انجام داده باشد.

۴۴- نماز در چهار مسجد: «عن عاصم بن سُفیان الثقفی قال: قد
أخبرنا أَنَّهُ من صلی فی المساجد الأربعة عُفِرَ له ذنبه». (أحمد والنسائی ابن
ماجه وابن حبان). «قال ابن حبان المساجد الأربعة: المسجد الحرام،
ومسجد المدينة، ومسجد الأقصى، ومسجد قباء».

از عاصم بن سفیان ثقفی روایت شده که گفت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم

فرموده است. کسی که در چهار مساجد نماز بخواند گناهایش آمرزیده می‌شود. ابن حبان گفته که چهار مساجد عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد مدینه، مسجد الاقصی، و مسجد قباء.

۴۵- زیاد خواندن سوره تبارک: «سُورَةُ مِنَ الْقُرْآنِ ثَلَاثُونَ آيَةً

تَشْفَعُ لِصَاحِبِهَا حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾. (ابوداود، ابن ماجه، احمد وابن حبان).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: در قرآن سوره‌ای هست که سی آیه می‌باشد و برای کسی که آن را می‌خواند شفاعت می‌کند تا آمرزیده می‌شود، آنهم سوره ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ است.

۴۶- خواندن این ذکر: «قَالَ ﷺ لِعَلِيٍّ أَلَا أَعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا

قَلْتَهُنَّ غُفِرَ لَكَ، مَعَ أَنَّهُ مَغْفُورٌ لَكَ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (الترمذی و احمد النسائی).

پیامبر ﷺ به علی رضی الله عنه فرمود: کلماتی را به شما یاد دهم که اگر آنها را بخوانی با اینکه آمرزیده شده‌ای خداوند گناهانت را عفو نماید. بگو، لا اله الا الله العليم الكريم ... تا آخر دعا که در حدیث فوق نوشته شده است.

یعنی: هیچ معبودی بحق بجز خدای مهربان و بخشنده نیست،

خدایی بجز خدای با عظمت بلندمرتبه وجود ندارد. پاکی و بی‌عیبی برای خداست، پروردگار هر هفت آسمان و پروردگار عرش عظیم. ستایش برای پروردگار عالمیان.

۴۷- انجام یک خصلت آدمی را وارد بهشت می‌نماید: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رضی الله عنه يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «أَرْبَعُونَ خَصْلَةً أَغْلَاهُنَّ مَنِيحَةُ الْعَنْزِ، مَا مِنْ عَامِلٍ يَعْمَلُ بِخَصْلَةٍ مِنْهَا رَجَاءَ ثَوَابِهَا وَتَصَدِيقَ مَوْعُودِهَا إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ». (بخاری: ۲۶۳۱).

عبد الله بن عمرو رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «چهل خصلت (نیکو) وجود دارد که اعلاترین آنها، عاریت دادن بز شیر ده است. هر کس، یکی از این خصلت‌ها را بقصد ثواب و رسیدن به پاداش موعود، انجام دهد، خداوند او را وارد بهشت خواهد کرد».

۴۸- همکاری و کمک به فقرا و بیوه زنان: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «السَّاعِي عَلَى الْأَرْمَلَةِ وَالْمُسْكِينِ، كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَوْ الْقَائِمِ اللَّيْلِ الصَّائِمِ النَّهَارَ». (بخاری: ۵۳۵۳).

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که در جهت تأمین نیازهای زنان بیوه و مساکین، تلاش می‌کند، مانند کسی است که در راه خدا، جهاد می‌نماید، و یا مانند کسی است که شب‌ها را در عبادت بسر می‌برد، و روزها را روزه می‌گیرد».

زنان دوزخی

ترجمه نساء فی النار

تالیف:

صالح بن عبدالله الصیاح

۱- گناه زنان خودنما	۵- زنان ملعون
۲- ویژگیهای حجاب شرعی	۶- آنچه بر زنان حرام است
۳- فضائل حجاب شرعی	۷- موارد حرامی که بین زنان شایع است
۴- بنخاطر اینکه از زنان خودنما نباشید	۸- پرهیز کن - مواظب باش

۱- آیا می‌دانید زنانی که زینت خود را نشان می‌دهند و خودنمایی می‌کنند و بد حجاب هستند چه گناهی دارند.

۱- آن‌ها اهل آتش هستند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «صنفان من أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات، رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة، لا يدخلن الجنة، ولا يجدن ريحها، وإن ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا». (مسلم).

«دو گروه جهنمی هستند که من آنها را ندیده‌ام: مردمی که به دستشان شلاقهایی همانند دم گاو است و مردم را با آن شلاق می‌زنند، و (گروه دوم) زنانی که با وجود پوشش، لخت و عریانند، دیگران را به سوی خویش متمایل می‌سازند در حالی که خودشان نیز به آنها تمایل دارند، موهای سرشان بسان کوهان خمیده شتر است، آنان هرگز به بهشت وارد نمی‌شوند و هیچگاه بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد، گرچه بوی بهشت در مسافت چنین و چنان یافت می‌شود».

۲- در آخرت برهنه و عریانند: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «رُبَّ كاسية في الدنيا عارية في الآخرة»: یعنی چه بسیار زنانی هستند که

در دنیا ظاهراً لباس پوشیده‌اند اما در آخرت عریان خواهند بود. زنانی که لباسهای نازک و تنگ که برجستگی‌ها و بدن آنها مشخص است.

۳- مبعوض‌ترین بندگان نزد خدا هستند: پیامبر در حدیث می‌فرماید: **عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثَةٌ: مُلْحِدٌ فِي الْحَرَمِ، وَمُتَّبِعٌ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ، وَمُطَلَبٌ دَمِ امْرَأٍ يَغَيْرُ حَقَّ لِيُهْرِيْقَ دَمَهُ»**. (بخاری: ۶۸۸۲).

ابن عباس رضی اللہ عنہما می‌گوید: نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمود: «مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند سه گروه‌اند: نخست، کسانی که در حرم، ستم و الحاد کنند. دوم: کسانی که در اسلام بدنبال احیاء ارزشهای دوران جاهلیت باشند. سوم: کسانی که به ناحق در صدد کشتن دیگران برآیند».

ومن سنة الجاهلية التبرج: یکی از سنتها و رسوم جاهلیت تبرج و خودنمایی زنان است. خداوند می‌فرماید: **﴿وَلَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾** (الأحزاب: ۳۳). و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

۴- به اندازه گناه کسی که او را تقلید و یا فریب او را می‌خورد گناه بر اوست پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم می‌فرماید: «من دعا إلى ضلالةٍ كان عليه من الأثم مثل آثم من تبعه لا ينقص ذلك من آثمهم شيئاً». (مسلم)

دعوت‌کننده بسوی گمراهی علاوه بر گناهان خود در گناهان کسانی که از او پیروی می‌کنند نیز شریک است بدون آنکه چیزی از گناهان آنها کاسته شود.

۵- ملعون و مورد نفرت خداست: «فقد روی ... نساء هم کاسیات، عاریات علی رؤوسهن کاسنمه البخت ... ملعونات ...». (احمد ابن حبان و الحاکم). معنی: از پیامبر روایت شده که زنان بظاهر پوشش دار اما در واقع عریان که موی سرشان بمانند کوهان کج شتر است ملعون و مورد نفرت خدا هستند.

۶- زنا کار است: «أیها امرأة استعطرت فمرت علی قوم لیجدوا ریحها فهی زانیة». (ابوداود).

هرگاه زنی خود را معطر نماید و بر مردمی عبور نماید تا بوی عطرش به آنها برسد مثل این است که زنا کرده است.

۷- نمازش قبول نمی‌شود: پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أیها امرأة تطیبت ثم خرجت إلی المسجد لم تقبل لها صلاة حتی تغتسل». (ابن ماجه).

هر زنی که خود را معطر نماید و سپس به مسجد برود نمازش قبول نیست مگر اینکه آثار عطر را از خود بزدايد.

۸- پرده بین او و خدا پاره شده است: پیامبر ﷺ فرمود: «أیها

امراً وضعت ثيابها في غير بيت زوجها فقد هتكت سترها فيما بينها وبين الله». (الحاكم).

هر زنی که لباسش را در غیر منزل شوهرش بیرون آورد و برهنه شود پرده بین خود و خدایش را پاره و گشاده است.

۹- نسب به خدایش سرکش و نافرمان است: ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ

وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (الأحزاب: ۳۳).

«و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید».

«لَا تَمْنَعُوا إِمَاءَ اللَّهِ مَسَاجِدَ اللَّهِ وَلِيُخْرِجَنَّ عَنْكُمْ تِغَالِيَتٍ وَيُبْوَئَنَّكُمْ خَيْرًا لَكُمْ». (ابوداود).

«زنان را از مساجد الهی منع نکنید و هنگام خروج باید بدون عطر و خوشبویی به مسجد بروند، اما در عین حال خانه‌هایشان بهتر است».

۱۰- (زن بد حجاب) اسلحه شیطان است: «المرأة عورةٌ فإذا

خرجت استشرفها الشيطان وأقرب ما تكون من ربهما وهي في قعر بيتها». (الترمذی).

زن عورت «پوشیده‌رو» است بمحض خارج شدن شیطان و

شیطان صفتان سعی در فریب او را دارند. اگر در کنج خانه باشد و بیرون نیاید به خداوند نزدیکتر است.

۲- درود بر شما. باز درود بر شما. مبارکتان باد حجاب شرعی

۱- چون حجاب خود واجب شرعی و عبادت است و رعایت آن موجب اجر و پاداش بزرگی است و این عبادت و اجر با پوشیدن آن شروع، و با کنار گذاشتن آن پایان می‌یابد.

۲- قطعاً بدان که در حال عبادت دائمی هستید در صورتی که
۱- در خانه خود ماندگار و مگر برای رفع نیاز از خانه خارج نشوید. ۲- یا اگر از خانه خارج شدید از رفتن به اماکن مردان پرهیز نمائید. ۳- و اگر از کنار مردان گذشتید حجاب را رعایت نمائید. آنگاه به فرمان خدا پاسخ داده‌اید که می‌فرماید: ﴿وَقَرْنَ فِي

يُؤْتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّحْنَ تَبَرُّحَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (الأحزاب: ۳۳).

«و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.»

۳- با پوشیدن حجاب در حال عبادت هستید: چون همانا پوشیدن حجاب نوعی جهاد در راه خداست، بخصوص که هم‌اکنون دشمنان اسلام تمام تلاش خود را برای کنار گذاشتن

حجاب زن مسلمان و عملی نمودن این پدیده شوم بکار گرفته‌اند.

۴- رعایت حجاب، زنها را شرارت‌های زیادی مانند نگاه‌های بد، ملاقات، تماس، تسلط شیاطین جن و انس محفوظ می‌دارد و منحرفین چشم طمع به تو نمی‌دوزند. خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤَدِّينَ﴾ (الأحزاب: ۵۹).

«این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است».

۵- پوشش حجاب دلیل عفت و پاکی زن و قوت دین و عقل او و دوری از شُبُهات است و این موارد برای مرد مهمترین صفات انتخاب شریک زندگی است.

۶- در ثواب، زنانی که نسبت به حجاب بی‌اهمیت و یا بد حجاب هستند و برای پوشش حجاب از تو پیروی می‌کنند نیز شریک هستید. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من دل علی خیر فهو کفاعله». (مسلم). کسی که دیگران را بسوی نیکی راهنمایی کند اجر او به اندازه کسی است که آن نیکی را انجام دهد.

و نیز می‌فرماید: «من دعا إلی هدی کان له من الأجر مثل أجور من تبعه لا ينقص من أجورهم شيئاً». (مسلم).

کسی که دیگران را به هدایت دعوت کند اجری همانند کسانی که

- از او پیروی می‌کنند دارد بدون اینکه از اجر آنها ذره‌ای کاسته شود.
- ۷- پوشیدن حجاب راه سلامتی تو از بدیهای زیادی است که در انتظار توست مانند: خودنمایی، هتک حرمت، پیروی دیگران از شما، و شیفته به شما و غیره.
- ۸- پوشیدن حجاب، غیر مسلمانان را به اسلام فرا می‌خواند و آنان را به کاوش در حقیقت دین و شناخت آن دعوت می‌نماید، بنابراین زن محجبه دعوتگر بسوی دین است.
- ۹- پوشیدن حجاب اسلامی سبب پاکی قلب است: ﴿ذَلِكَ أَذَىٰ أَنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤَدِّينَ﴾ (الأحزاب: ۵۹). «این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است».
- ۱۰- ثواب شکیبائی و صبر بر انجام دستورات خدا و رنج و محبت و گرفتاریهای آن، خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ (النازعات: ۴۰).
- «و آن کسی که از مقام پروردگارش ترسان باشد، و نفس را از هوی باز دارد».

آیا صفات و ویژگیهای حجاب شرعی را می‌دانید؟

- ❖ باید بدون استثناء تمام بدن را بپوشاند. به همراه قرار دادن چادر بر سر.
 - ❖ حجاب نباید تزیین شده باشد، یا در آن تصویر و نقش و نگار و نوشته‌هایی باشد.
 - ❖ باید کلفت و ضخیم و غیر شفاف باشد، بطوریکه زیر آن دیده نشود.
 - ❖ (یعنی نباید آنقدر نازک و شفاف باشد که بدن را نمایان سازد).
 - ❖ باید گشاد و فراخ باشد و چنان تنگ نباشد که برجستگیها و جزئیات بدن «نقاط فتنه انگیز» را نمایان سازد.
 - ❖ نباید مشابه لباس مردان یا لباس زنان کافر باشد.
 - ❖ نباید معطر و بخوردار باشد، بخصوص هنگامیکه از کنار مردان می‌گذرد.
- ۱۱- «بخاطر اینکه از زنان خودنما و متبرج نباشید شما را راهنمایی می‌کنم» آیا شما از زنانی هستید که مو و زینت خود را به نامحرمان نشان می‌دهید و خودنمایی می‌کنید.

اگر یکی از موارد زیر در شما موجود باشد از زنان خودنما

و متبرج می‌باشید، پس به سوی خدا باز گرد و توبه کن

۱- خودنمائی: اگر چیزی از بدن شما مانند سر و صورت و گردن و دست و بازو و ساق پا و سینه و غیر آن بیرون و آشکار باشد و همچنین اگر چادر و لباسها یقه باز و دامن کوتاه را پوشید.
 ۲- خودنمائی: اگر جامه تن «پوشاک» شما تنگ باشد. مانند چادر یا مانتوی تنگ چسبیده به بدن، پوشیدن شلوار، شلواری که جزئیات بدن در آن نمایان است و به لباس مردان می‌ماند.

۳- خودنمائی: اگر کفشهای پاشنه بلند را بپا و چادر را بر دوش خود بینداری چون سر و شانه‌ها مشخص است و این خود فتنه است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ (النور: ۳۱). «و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد)».

۴- خودنما هستی: اگر حجاب تو تزئینات داشته باشد. مانند چادر طلادوزی شده و زربافت.

۵- خودنمائی هستی: اگر لباسهات نازک و شفاف باشد مانند گزاردن پرده نازکی بر صورت.

- ۶- خودنمائی هستی: اگر لباسهای معطر و خوش بو باشد بخصوص اگر توجه مردان را جلب کند
- ۷- خودنمائی هستی: اگر نزد محارم «اعضای خانواده خویش» شلوار تنگ بپوشید یا یقه و سینه خود باز بگذارید.
- ۸- خودنمائی هستی: اگر با عشوه و کرشمه راه بروید و زیباییهای روی خود را به مردان نشان دهید.
- ۹- خودنمائی هستی: اگر صدای خود را برای مردان نرم و نازک و ملیح نموده و آنها صدای خنده تو را بشنوند.

ده صنف از زنان مورد نفرت خدا و ملعون هستند

پناه به خدا که شما از آنان باشید.

- ۱- خالکوب کردن: پیغمبر ﷺ می فرماید: «لعن الله الواشمات والمستوشمات... المغیرات خلق الله تعالی». (البخاری). خداوند لعنت کرده بر زن خالکوب و زنی که درخواست خالکوبی کند. الواشمه کسی است که بدن دیگران را بوسیله سوزن و سرمه خالکوبی می کند. مستوشمه کسی است که به درخواست او بدنش خالکوبی می شود.
- ۲- موی ابرو را برداشتن: پیامبر ﷺ می فرماید: «لعن الله المتمصصات والمتفلجات للحسن المغیرات خلق الله تعالی». (البخاری).

خداوند زنانی را که موی ابروی دیگران را بر می‌دارند، یا موی ابرویشان برداشته می‌شود، و یا به خاطر زیبایی محض میان دندانهای خود فاصله می‌اندازند یا آن را باریک می‌نمایند و خلقت خدا را تغییر می‌دهند، لعنت کرده است.

نامصه: کسی است که موی ابروی دیگران را بر می‌دارد و آن را باریک می‌نماید.

متنصه: کسی است که بدرخواست او موهایش برداشته می‌شود.

۳- فاصله انداختن بین دندانها: پیامبر می‌فرماید: «لعن الله ...

والمتفلجات للحسن المغيرات خلق الله». (البخاری).

4- لعن صلى الله عليه وآله الواشرة والمؤتشرة». (احمد). خداوند: زنانی را که به

خاطر زیبایی دندانها را باریک و میان آنها فاصله ایجاد و خلقت خدا را تغییر می‌دهند لعنت کرده است.

واشر: زنانی که دندان دیگران را کوچک و باریک می‌نمایند.

مستوشر و متفلج: زنانی که بدرخواست آنها دندانیشان باریک

و کوچک می‌شود.

5- وصل: رسول اکرم صلى الله عليه وآله می‌فرماید: «لعن الله الواصلة

والمستوصلة». (متفق علیه).

خداوند واصله و مستوصله را لعن نموده است.

واصله زنی که موها را به هم وصل می‌کند: مانند: آرایشگر. مستوصله: به زنی گفته می‌شود که از دیگران بخواهد این عمل را برایش انجام دهند.

۶- زنی که شوهرش از وی ناخشنود باشد: رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ فَبَاتَ غَضَبَانَ عَلَيْهَا لَعْنَتَهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ». (بخاری: ۳۲۳).

ابوهریره رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «هرگاه، مرد، همسرش را به رختخواب فرا خواند و زن، اجابت نکند و شوهرش، شب را با خشم بر او، سپری نماید، فرشتگان تا صبح، او را لعنت می‌کنند».

۷- زنانی که به شکل مردان در می‌آیند: در لباس و حرکات و ادا و اطوار و غیره: «لَعْنُ رضی الله عنه الْمُتَشَابِهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ». (البخاری). پیغمبر ﷺ زنانی را که به شکل مردان در می‌آیند لعن کرده است.

۸- زیارت کنندگان قبور: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه أَنَّهُ رضی الله عنه لَعَنَ زَوَارَاتِ الْقُبُورِ». (النسائی وأبوداود والترمذی).

از ابوهریره منقول است که پیامبر ﷺ زنانی که به زیارت قبور می‌روند را لعنت و نفرین کرده است.

۹- نوحه گر: «قال ابوموسیؓ: لعن الله من حلق أو سلق

وخرق». (النسائی واحمد وأصله فی مسلم).

ابوموسی گفته که پیامبر ﷺ: کسی را که «به هنگام فوت یکی از بستگانش» پوست خود را بکند، بر صورت خود بزند و یقه خود را پاره کند و مو خود را بکند لعن کرده است».

۱۰- محلل: پیامبر ﷺ می فرماید: «لَعَنَ اللهُ الْمُحَلِّلَ وَالْمُحَلَّلَ لَهُ».

(ابوداود واحمد والنسائی والترمذی وابن ماجه).

خداوند تحلیل کننده و تحلیل شونده را لعن کرده است. (کسی که

زن طلاق داده شده را برای شوهرش به طریق حیلہ حلال نماید)^۱.

^۱- نکاح تحلیل عبارت است از حلال گرداندن زنی که طلاق سوم داده شده برای همسر اولش به این ترتیب که زن با مرد دیگری ازدواج کند و آمیزش با او صورت گیرد و سپس آن مرد او را طلاق دهد بدون اینکه قبلاً بر این ازدواج و طلاق دوم توافق شده باشد. که در این نوع نکاح شرعاً جائز است زن دوباره با شوهر اول خود ازدواج نماید. ﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْهُ بَعْدَ ذَلِكَ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ﴾. (البقره: ۲۳۰). «اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او، آمیزش جنسی نماید)».

اما آنچه که بعضی‌ها درباره نکاح تحلیل انجام می دهند و لعن پیامبر شامل آنهاست بدین صورت است که بعد از طلاق زن از همسرش، با مرد دیگری به توافق می رسند که زن را به عقد وی درآورند و سپس آن مرد بعد از آمیزش زن را طلاق بدهد. اینجا است که پیامبر ﷺ می فرماید (لعنت خدا بر تحلیل کننده و تحلیل شونده باد).

آنچه بر زنان حرام است و باید از آن پرهیزند

۱- ناسپاسی شوهر و لعن گفتن زیاد: «عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رضی الله عنه قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي أَضْحَىٰ أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى، فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ، فَقَالَ: «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ، فَإِنِّي أُرِيْتُكَنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ». فَقُلْنَ: «وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» قَالَ: «تُكْثِرْنَ اللَّعْنَ، وَتَكْفُرْنَ الْعَشِيرَ، مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلِ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلْبِ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ». قُلْنَ: «وَمَا نُقْصَانُ دِينِنَا وَعَقْلِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟» قَالَ: «أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلَ نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ؟» قُلْنَ: «بَلَى، قَالَ: «فَذَلِكَ مِنْ نُقْصَانِ عَقْلِهَا، أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَلَمْ تَصُمْ؟» قُلْنَ: «بَلَى. قَالَ: «فَذَلِكَ مِنْ نُقْصَانِ دِينِهَا». (بخاری: ۳۰۴).

ابو سعید خدری رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله ﷺ روز عید قربان یا عید فطر بسوی مصلا رفت. در آنجا، سری به زنان زد و خطاب به آنان فرمود: «ای گروه زنان! صدقه دهید. زیرا شما را بیشترین اهل دوزخ دیدم». پرسیدند: چرا؟ ای رسول خدا ﷺ! پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بخاطر اینکه شما بکثرت نفرین می‌کنید و از شوهرانتان نافرمانی نموده و ناسپاسی می‌کنید و هیچ ناقص عقل و دینی نمی‌تواند مانند شما، مردان عاقل را فریب بدهد». عرض کردند: ای

رسول خدا ﷺ! نقصان عقل و دین ما چیست؟ فرمود: «مگر نه این است که گواهی یک زن، نصف گواهی مرد محسوب می‌شود؟» گفتند: بلی. رسول خدا ﷺ، فرمود: «این خود، نشانگر نقص عقل شما است». آنحضرت ﷺ باز فرمود: «مگر نه اینکه در ایام حیض و قاعدگی، نماز نمی‌خوانید و روزه نمی‌گیرید؟» عرض کردند: بلی. رسول الله ﷺ فرمود: «این هم دلیل بر نقص دین شماست».

۲- خلوت و سفر بدون همراهی محرم: چه با راننده یا غیر آن:
عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «لَا يَخْلُونَ رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ وَلَا تُسَافِرَنَّ امْرَأَةٌ إِلَّا وَمَعَهَا مُحْرَمٌ». فَقَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَكْتَبْتُ فِي غَزْوَةٍ كَذَا وَكَذَا وَخَرَجَتِ امْرَأَتِي حَاجَةً؟ قَالَ: «أَذْهَبَ فَحَجَّ مَعَ امْرَأَتِكَ». (بخاری: ۳۰۰۶).

ابن عباس رضی اللہ عنہما می‌گوید: شنیدم که نبی اکرم ﷺ فرمود: «هیچ مردی با زنی (بیگانه) خلوت نکند. و هیچ زنی بدون محرم، به مسافرت نرود. مردی برخاست و گفت: ای رسول خدا! من برای فلان غزوه، ثبت نام شده‌ام و همسرم به حج رفته، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «برو و با همسرت حج کن».

۳- افشاء اسرار همبستری: رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ الرَّجُلُ يَفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتَفْضِي

إليه ثم ينشر سرّها». (مسلم).

همانا بدترین انسان از لحاظ ارزش و منزلت نزد خداوند در روز قیامت مرد و زنی هستند که اسرار مربوط به همبستری خود را فاش می‌نمایند.

۴- اختلاط و در هم آمیختن با مردان و لو برادر همسر باشد:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ (الأحزاب: ۵۳).

«و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است».

عَنْ عُقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ رضی الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ: «إِيَّاكُمْ وَالِدُخُولَ عَلَى النِّسَاءِ». فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَفَرَأَيْتَ الْحُمُومَ؟ قَالَ: «الْحُمُومُ الْمَوْتُ». (بخاری: ۵۲۳۲).

عقبه بن عامر رضی الله عنه می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «از رفتن نزد زنان (بیگانه) پرهیز کنید». مردی از انصار پرسید: ای رسول خدا! نظر شما در مورد خویشاوندان شوهر (مثل برادر، عمو، پسر عمو و خواهر زاده شوهر) چیست؟ فرمود: «هلاکت، در همین است».

«امام نووی می فرماید: حمو نزدیکان شوهر غیر از پدر و پسران یعنی برادر و برادرزاده و عمو و عموزاده؟ و خواهر زاده‌ها را شامل می شود». (مترجم).

۵- نرم و نازک نمودن صدا و آرام نمودن آن برای مردان: ﴿إِنْ أَتَقَيْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب: ۳۲). «اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویند».

مخالفت با حد شرعی به هنگام فوت شوهر در رابطه با مدت عده و زینتهای آن، رسول اکرم ﷺ فرمود: عَنْ أُمِّ حَبِيبَةَ رضی الله عنها، زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ تُحِدُّ عَلَى مَيِّتٍ فَوْقَ ثَلَاثٍ، إِلَّا عَلَى زَوْجِ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا». (بخاری: ۱۲۸۱).

ام حبیبه رضی الله عنها؛ همسر گرامی پیامبر اکرم ﷺ؛ می گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: «هر زن مؤمنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مجاز نیست بیش از سه روز، برای کسی سوگوار باشد مگر برای شوهرش، که در آنصورت، باید چهار ماه و ده روز، به سوگ بنشیند».

استعمال زیور آلات، حنا، سرمه، عطر، خروج از منزل مگر

(برای ضرورت) برای زن شوهر مرده حرام است.

توصیف کردن زنان دیگر برای مردان: رسول اکرم ﷺ فرمود:
 عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «لَا تُبَاشِرُ الْمَرْأَةَ
 الْمُرَاةَ، فَتَنْعَتَهَا لِزَوْجِهَا كَأَنَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهَا». (بخاری: ۵۲۴۰).

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «هیچ
 زنی، نباید به بدن زن دیگری، نگاه کند و یا آنرا لمس نماید و
 سپس او را نزد شوهرش، چنان توصیف کند که گویا او به آن زن،
 نگاه می‌کند».

۶- نگاه کردن به شهوات به مردان: ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ
 أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (النور: ۳۱).

«به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از هر نامحرمی فرو
 بندند و پاک دامن باشند».

قال: ﷺ «العینان تزنیان وزناهما النظر». (مسلم).

رسول الله ﷺ فرمودند: چشمها نیز زنا می‌کنند، و زناى آنها
 نگاه کردن به نامحرم و شهوات است.

۷- مصافحه و دست دادن به مردان: خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا

سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ (الأحزاب: ۵۳).

- «و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید».
- پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إني لا أُصافح النساء». (الترمذی والنسائی وأبوداود وأحمد). من با زنان مصافحه نمی‌کنم «به آنان دست نمی‌دهم».
- ۸- بیرون رفتن بحالت معطر: رسول اکرم ﷺ فرمود: «إذا شهدت إحداكن المسجد فلا تمس طيباً». (مسلم). هرگاه یکی از شما (زنان) به مسجد رفتید خود را معطر نکنید.
- ۹- درخواست طلاق: رسول اکرم ﷺ فرمودند: «أيا امرأة سألت زوجها الطلاق من غير بأس فحرام عليها رائحة الجنة». (أبوداود، ترمذی، ابن ماجه، احمد وابن حبان). هر زنی که بدون بدرفتاری شوهرش از او درخواست طلاق کند بهشت و بوی آن بر وی حرام است.
- ۱۰- روزه گرفتن مستحب بدون اجازه شوهر: رسول اکرم ﷺ فرمود: «لا يحل لامرأة أن تصوم وزوجها شاهد إلا بأذنه، ولا تأذن في بيته إلا بأذنه». (البخاری ومسلم زاد أحمد إلا رمضان). برای زن جایز نیست هنگامی که شوهرش در خانه است بدون اجازه او روزه «مستحب» بگیرد، یا به کسی اجازه ورود خانه بدهد، مگر با اجازه او. (احمد در کتاب حدیث جمله مگر در ماه رمضان را به حدیث فوق اضافه نموده است).
- ۱۱- سهل انگاری و بی‌اهمیت بودن نسبت به حق شوهر:

پیامبر ﷺ فرمود: «لو كنتُ امرأةً أحداً أن يسجدَ لأحدٍ، لأمرتُ المرأةَ أن تسجدَ لزوجها». (الترمذي وابن حبان). پیامبر ﷺ می فرماید: اگر به کسی دستور می‌دادم که برای احدی سجده برد قطعاً به زن دستور می‌دادم که برای شوهرش سجده ببرد.

۱۲- قرابت با زن در حال قاعدگی: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ﴾ (البقره: ۲۲۲). «و از تو، در باره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: «چیز زیانبار و آلوده‌ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره‌گیری کنید».

موارد حرامی که معمولاً در بین زنان شایع است

۱- محرمات مجالس «آنچه در مجالس حرام است» مانند: غیبت، دورویی، حسادت، دروغ، افترا و بهتان (تهمت زدن به دیگران).

۲- خودپسندی: پیامبر ﷺ فرمودند: «لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال ذرة من كبر». (مسلم). کسی که ذره‌ای کبر و خودپسندی در دلش باشد، وارد بهشت نمی‌شود.

۳- مراجعه به فالگیر و شعبده‌باز: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُوبِقَاتِ». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: «الشِّرْكَ بِاللَّهِ، وَالسَّحْرُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ،

وَأَكُلُ الرِّبَا، وَأَكُلُ مَالَ الْيَتِيمِ، وَالتَّوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ، وَقَذَفُ الْمُحْصَنَاتِ
المُؤْمِنَاتِ الْعَافِلَاتِ». (بخاری: ۲۷۶۷).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از هفت گناه نابود کننده اجتناب کنید». گفتند: ای رسول خدا! آنها کدامند؟ فرمود: «شُرک به خدا، سحر، کشتن انسان بی گناه، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار از جهاد و تهمت زنا به زنان پاکدامن و بی خبر از فساد».

از جمله آنها شرک به خدا و جادو «شعبده‌بازی» «من أتى حائضاً، أو امرأة في دبرها، أو كاهناً فصدقه بما يقول، فقد كفر بما أنزل على محمد». (أبوداود و ترمذی و أحمد).

کسی که با زن در حال قاعدگی، یا از پشت «دبر» مقاربت، یا نزد غیبگو و کاهنی برود و گفته‌های او را باور داشته و تصدیق نماید، همانا نسبت به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده کفر ورزیده است.

۴- دعا بر علیه خود یا فرزندان خود: «لا تدعوا علی أنفسکم ولا تدعوا علی أولادکم ولا تدعوا علی أموالکم، لا توافقوا من الله ساعة يسأل فيها عطاء فيستجيب لكم». (مسلم).

بر علیه خود و فرزندان و اموال خود دعا نکنید که مبادا دعایتان

در ساعتی باشد که خداوند در آن ساعت هر دعائی را قبول می‌نماید.

۵- بد یمنی و تفال به بدی: پیامبر ﷺ: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «لَا طَيْرَةَ، وَخَيْرُهَا الْفَأَلُ». قَالَ: وَمَا الْفَأَلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الْكَلِمَةُ الصَّالِحَةُ يَسْمَعُهَا أَحَدُكُمْ». (بخاری: ۵۷۵۵).

از ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ روایت است که نبی اکرم ﷺ فرمود: «شگون گرفتن هیچگونه اصالتی ندارد و بهترین آن، فال است». پرسیدم: ای رسول خدا! فال چیست؟ فرمود: «سخن خوبی است که یکی از شما می‌شنود و آنرا به فال نیک می‌گیرد».

۶- خرید مجلات مبتذل: همچنین گوش دادن به آوازاها و نگاه کردن به کانالهای مبتذل ماهواره‌ای، چرا که حقیقتاً این کارها اسباب و وسایل انحراف و دلمردگی و اندوه‌آور می‌باشند.

۷- دراز کردن ناخنها: «قال أنس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَقَتَ لَنَا النَّبِيُّ ﷺ فِي قِصِّ الشَّارِبِ وَتَقْلِيمِ الْأَظْفَرِ وَحَلْقِ الْعَانَةِ فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا مَرَّةً». (مسلم وأحمد). انس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید که پیامبر ﷺ به ما اصحاب سفارش می‌کرد که هر چهل روز یکبار سبیل و ناخن را کوتاه و موی شرمگاه را بتراشیم.

۸- حضور در جشنها: جشنهایی که در آن خلاف شرع و موارد ناپسند «مانند عکسها» و فیلمبرداری و رقص، خواننده‌ها وجود

داشته باشد. برابر فتوای شیخ محمد بن عثیمین رحمته الله حضور در آن حرام است.

از موارد و کارهای زیر پرهیزید و جداً بر حذر باشید

۱- دوستان ناباب و بد: که شما را بسوی بدیها و گرفتاریها و خلافتکاری و کارهای زشت و آتش دوزخ می کشانند. قال رحمته الله «المرء علی دین خلیله». مرد بر کیش دوست صمیمی خود است.

تا توانی می گریز از یار بد	یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند	یار بد هم جان و هم ایمان زند

۲- خلافتکاری و متلک گوئی: از محرمات بسیار زشت و ناپسند و بمانند سرطان غافلگیر کننده است. جوانان آن را ساده می پندارند در حالیکه آنها را به نابودی و مرگ می کشاند. خداوند می فرماید: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾ (الأحزاب: ۳۲).

«پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید».

۳- بازارها: منشأ و مرکز گناهان و بدیهاست. از رفتن به بازار مگر برای حاجتی، خوداری کنید. مواظب باشید و احتیاط کنید.

۴- پدیدار نمودن و اظهار چشمها: با پوشیدن نقاب یا مقنعه و روبند به صورت و بیرون بودن چشمها، شیخ محمد بن عثیمین رحمته الله فتوا داده که روا نیست و می گوید در زمان کنونی فتوا به جائز

بودن آن نمی‌دهیم. بنظر ما منع آن بهتر است. چون وسیله‌ای است برای اجازه دادن به چیزی که جائز نیست.

۵- تقلید از زنان کافر: با تقلید مدلها و لباسها و عاداتهایی که شما را به برهنه شدن و رها کردن حجاب اسلامی دعوت می‌کنند - مانند کوتاه نمودن مو - مدلهای آرایش مو گردد نمودن، و ژولیده نمودن «فرفری و درهم برهم کردن سر» باریک نمودن و حرص زیباپرستی.

۶- پدیده عاشق شدن بین جوانان: بطوریکه یکی به شدیدترین شیوه محبت، عاشق و شیفته دیگری می‌شود و شب و روز به وی می‌اندیشد و ساعتهای طولانی تلفنی با او صحبت می‌کند و گاهی اوقات از کارهای وی تقلید می‌نماید، این نوع عشق حرام است و توبه نمودن و دوری از اسباب آن و اجتناب از آن واجب است.

۷- کشف عورت: نزد زنان کافر یا غیر آنها شدیداً حرام است.

۸- اوقات فراغت و بیکاری: اوقات فراغت خود را با

برنامه‌های دینی و مفید برای دنیا و آخرت سپری نمائید.

یعنی اوقات فراغت خود را با برنامه‌هایی سپری نمائید که هم

برای دنیا و هم برای آخرت مفید باشد.

قرآن سندی است یا به نفع شما. و یا بر علیه شما

ترجمه :

القرآن حجه لك أو عليك

تألیف :

صالح بن عبدالله الصیاح

۱- فضائل عمومی قرآن
۲- فضائل سوره‌های معینی از قرآن
۳- فضائل آیات معینی از قرآن
۴- انواع دوری از قرآن
۵- آداب تلاوت و مصاحبت قرآن
۶- برنامه‌ای ساده برای تلاوت و ختم قرآن
۷- برنامه‌ای ساده برای حفظ و ختم قرآن
۸- برنامه‌ای ساده برای ختم و یادگیری معنی قرآن

مطالب زیر بخوان تا فضائل و عظمت عمومی قرآن را دریابی.

ذکر فضائل قرآن با استفاده از دلیل قرآن و سنت

- ۱- آرامش دلها: ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (الرعد: ۲۸).
«آگاه باشید، تنها با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد!».
- ۲- قرآن برای همنشینان خود شفاعت می‌کند: «اقرأوا القرآن فإنه يأتي يوم القيامة شفيعاً لأهله». (مسلم).
پیامبر ﷺ فرمود: قرآن بخوانید همانا روز قیامت برای اصحاب خود شفاعت می‌کند.
- ۳- یاد گرفتن و یاد دادن آن موجب کسب نیکی است. عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ». (بخاری: ۵۰۲۸).
- عثمان بن عفان رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران، یاد بدهد».
- ۴- طردکننده شیطان است: دلیل آنست که در فضیلت سوره بقره و آیه الکرسی و معوذتین خواهد آمد.
- ۵- قرآن برای کسی که آنرا تلاوت می‌کند نفع دارد اگرچه

منافق باشد. عَنْ أَبِي مُوسَى رضي الله عنه عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ: «الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْمَلُ بِهِ كَالْأُتْرَجَةِ، طَعْمُهَا طَيِّبٌ، وَرِيحُهَا طَيِّبٌ، وَالْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْمَلُ بِهِ، كَالْتَّمْرَةِ طَعْمُهَا طَيِّبٌ وَلَا رِيحَ لَهَا، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، كَالرَّيْحَانَةِ رِيحُهَا طَيِّبٌ وَطَعْمُهَا مُرٌّ، وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ الَّذِي لَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، كَالْحَنْظَلَةِ طَعْمُهَا مُرٌّ أَوْ حَبِيثٌ، وَرِيحُهَا مُرٌّ». (بخاری: ۵۰۵۹).

ابو موسی اشعری رضي الله عنه می گوید: نبی اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: «مؤمنی که قرآن می خواند و به آن عمل می کند مانند ترنجی است که هم طعم خوبی دارد و هم از بوی خوشی برخوردار است. و مؤمنی که قرآن نمی خواند ولی به آن عمل می کند مانند خرمایی است که طعم اش شیرین است ولی بویی ندارد. و مثال منافقی که قرآن می خواند، مانند ریحانی است که بویش خوب ولی طعم اش، تلخ است. و مثال منافقی که قرآن نمی خواند، مانند حنظله (هندوانه ابوجهل) است که هم طعم اش، تلخ یا ناپاک است و هم بوی تلخی دارد».

۶- اهل قرآن اهل الله و از خاصان درگاه خدا می باشند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَهْلِينَ مِنَ النَّاسِ. قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَهْلُ الْقُرْآنِ هُمْ أَهْلُ اللَّهِ وَخَاصَّتُهُ». (احمد).

رسول اکرم ﷺ فرمود: همانا خداوند در میان مردم اهل خاصی دارد. عرض کردند آنها چه کسانی هستند یا رسول الله؟ فرمود: اهل قرآن اهل الله و خواص او می‌باشند.

۷- قرآن سندی «حجتی» است برای تو: «القرآن حجة لك أو عليك». (بخاری).

قرآن سندی است یا به نفع تو و یا علیه تو.

۸- قرآن حافظ تو از هر بلائی است: چنانچه در بیان فضیلت معوذتین و دو آیه آخر سوره بقره خواهد آمد.

۹- تلاوت قرآن از بزرگترین نعمتها است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «لَا حَسَدَ إِلَّا فِي اثْنَتَيْنِ: رَجُلٌ عَلَّمَهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ، فَهُوَ يَتْلُوهُ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَأَنَاءَ النَّهَارِ، فَسَمِعَهُ جَارٌ لَهُ، فَقَالَ: لَيْتَنِي أُوتِيتُ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فُلَانٌ فَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ. وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا، فَهُوَ يُهْلِكُهُ فِي الْحَقِّ، فَقَالَ رَجُلٌ: لَيْتَنِي أُوتِيتُ مِثْلَ مَا أُوتِيَ فُلَانٌ فَعَمِلْتُ مِثْلَ مَا يَعْمَلُ». (بخاری: ۵۰۲۶).

ابوهریره رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمود: «فقط در مورد دو نفر، می‌توان غبطه خورد: نخست، مردی که خداوند به او قرآن، آموخته است و او آنرا شب و روز، تلاوت می‌کند. پس

همسایه‌اش می‌شنود و می‌گوید: ای کاش! به من نعمتی مانند نعمتی که به فلانی عطا شده است، ارزانی می‌شد. در آن صورت، من هم مانند او قرآن تلاوت می‌کردم.

و دیگر، مردی که خداوند به او ثروت، عنایت کرده است و او آنرا در راه خدا انفاق می‌کند. پس شخص دیگری می‌گوید: ای کاش! به من هم نعمتی مانند نعمتی که به فلانی عطا شده است، ارزانی می‌شد. در آن صورت، من هم مانند او انفاق می‌کردم.

۱۰- بلندپایگی و رفعت در دنیا و قیامت: ﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ

بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَن يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا ﴿۷۹﴾. (الإسراء: ۷۹).

«و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان! این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد!».

«إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخِرِينَ». (مسلم).

رسول اکرم ﷺ: خداوند بوسیله این کتاب (قرآن) اقوامی را سربلند، و اقوامی را بر زمین می‌زند «شکست می‌دهد».

۱۱- شما را از تاریکی بیرون می‌آورد: ﴿الرَّكْتَبُ أَنزَلْنَاهُ

إِلَيْكَ لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ﴿۱﴾. (إبراهیم: ۱).

«الر، (این) کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از

تاریکیهای (شرک و ظلم و جهل) به سوی روشنایی (ایمان و عدل و آگاهی) در آوری».

۱۲- حاضر شدن فرشتگان «به هنگام تلاوت قرآن» «تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ كَانَتْ تَسْمَعُ لَكَ وَلَوْ قَرَأْتَ لِأَصْبَحْتَ يَرَاهَا النَّاسُ مَا تَسْتَتِرُ مِنْهُمْ». (مسلم).

پیامبر اکرم ﷺ: فرشتگان به شما گوش فرا می‌دهند و اگر به تلاوت قرآن ادامه می‌دادی، صبح می‌شد و مردم فرشتگان را می‌دیدند و از دید مردم پنهان نمی‌شدند.

۱۳- برای تلاوت هر حرفی ده حسنه وجود دارد: «من قرأ حرفاً من كتاب الله فله حسنة، والحسنة بعشر أمثالها لا أقول ألم حرف ولكن ألف حرف، ولام حرف، وميم حرف». (الترمذی).

کسیکه یک حرف از کتاب خدا «قرآن» را تلاوت کند. یک حسنه «نیکی» نصیبش می‌شود. هر حسنه ده برابر پاداش دارد. «پس مزد هر حرفی ده حسنه است» و من نمی‌گویم که الم یک حرف است، بلکه الف یک حرف، و لام یک حرف، و میم یک حرف است.

۱۴- علو درجه در بهشت: «يُقَالُ لِمَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ اقْرَأْ وَارْقُ وَرَتَّلْ كَمَا كُنْتَ تُرْتَلُ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّ مَنْزِلَتَكَ عِنْدَ آخِرِ آيَةٍ تَقْرَأُهَا». (الترمذی).

پیامبر ﷺ می فرماید: روز قیامت به همنشین قرآن گفته می شود: بخوان و در درجات بالا برو و ترتیل کن و زیبا و با ادب بخوان همانا منزلت تو نزد آخرین آیهی است که تلاوت می نمایی «یعنی بسیار بالاست».

۱۵- محفوظ شدن از فتنه ها و بلیات: «من حفظ عشر آیات من أول سورة الكهف عُصِمَ من فتنة الدجال». (مسلم).

پیامبر ﷺ می فرماید: هر کس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ کند از فتنه دجال در امان خواهد ماند.

۱۶- مقام رفیع و اجر و پاداش چند برابر: «الماهر بالقرآن مع السفرة الكرام البررة والذي يقرأ القرآن ويتتعتع فيه وهو عليه شاق له أجران». (مسلم).

رسول اکرم ﷺ می فرماید: آنکه در خواندن قرآن مهارت دارد با کاتبان گرامی وحی خواهد بود و آنکه قرآن را می خواند ولی در آن درمی ماند و «بخاطر لکنت زبان» خواندن برایش دشوار است دو اجر دارد.

۱۷- قرآن محافظ است. چنانکه در بحث فضائل سوره فاتحه و آیه الکرسی و معوذتین خواهد آمد.

۱۸- نزول آرامش، باریدن رحمت، قرار گرفتن در حضور خدا:

«ما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله يتلون كتاب الله ويتدارسونه بينهم إلا نزلت عليهم السكينة وغشيتهم الرحمة وحفتهم الملائكة وذكرهم الله فيمن عنده». (مسلم).

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: هرگاه گروهی در خانه‌ای از خانه‌های خدا «مسجد» گردهم آیند و دور هم جمع شوند و قرآن را تلاوت نمایند، و آن را بین خود تدریس کنند. و تفسیر و تبیین و تمرین کنند، خداوند آرامش را بر آنان نازل، و رحمت را بر آن‌ها می‌باراند، و فرشتگان پیرامون آنان حلقه می‌زنند، و در ملأ اعلیٰ بفرمان خدا مورد بحث قرار می‌گیرند، و خداوند آنها را از مقربان درگاه خود محسوب می‌نماید.

۱۹- ازدیاد ایمان و پایداری: ﴿وَإِذَا تُلِّتَ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا﴾ (الأنفال: ۲). «و هنگامیکه آیات «قرآن» بر آنان خوانده می‌شود بر ایمانشان می‌افزاید».

﴿كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾ (الفرقان: ۳۲). «همین گونه «ما قرآن را بصورت آیات جداگانه و بخش بخش فرستیم» تا دل تو را (بانس بدان و حفظ آن پابرجا و استوار بداریم) و آنرا آرام و آرام فرو خوانیم (تا آنرا بدقت بیاموزی و کم کم به خاطر بسپاری)».

۲۰- شفاء و رحمت است: ﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ

لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (الإسراء: ۸۲).

«ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی (دلها از بیماری نادانی و گمراهی و پاکسازی درونها از کثافات هوی و هوس و تنگ چشمی و آزمندی و تباهی) و رحمت مؤمنان (به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پرخیر و برکت خدا) است».

۲- انواع دوری، جدائی، رها کردن و قطع رابطه با قرآن:

۱- دور بودن از ایمان به آن. ۲- دوری از تلاوت و شنیدن آن.
 ۳- دوری از عمل نمودن به آن. ۴- دوری از حاکم گردانیدن و داوری با آن. ۵- دوری از تأمل کردن و فهم و درک آن. ۶- دوری و اجتناب از دعوت کردن «مردم» بسوی آن. ۷- دوری از مصاحبه کردن و درمان نمودن «دل‌های خود» با آن.

۳- فضائل سوره‌های معینی از قرآن

الفاتحه، البقره، آل عمران، الکهف، الملک، الکافرون، الإخلاص، المعوذتین (القلق، الناس).

سوره الفاتحه:

1- «أَبْشِرْ بِنُورِنِ أَوْتَيْتَهُمَا لَمْ يُؤْتِهَا نَبِيٌّ قَبْلَكَ. فَاتِحَةُ الْكِتَابِ

وخواهیم سوره البقرة، لن تقرأ بحرف منها إلا أعطيته». (مسلم).
 مژده بده به دو نور که به شما عطا کرده‌ام و قبل از تو به هیچ
 پیغمبری عطا نکرده‌ام. یکی فاتحه کتاب «سوره فاتحه» و دیگری
 آخرهای سوره البقره. حرفی از آنها را قرائت نمی‌کنی مگر آنکه
 آنچه بخواهی بشما عطا می‌کنم.

۲- لأَعْلَمَنَّكَ سُورَةً هِيَ أَعْظَمُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ؟ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ هِيَ: السَّبْعُ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنُ الْعَظِيمُ الَّذِي أُوتِيَتْهُ». (بخاری: ۴۴۷۴).

سوره‌ای را که بزرگترین سوره قرآن است، به تو می‌آموزم؟
 فرمود: «آن، سوره حمد است که دارای هفت آیه می‌باشد و در هر
 رکعت نماز، تکرار می‌شود و آن، همان قرآن بزرگی است که به من
 عنایت شده است».

3- «رقی صحابی ملدوغاً فكان يقرأ عليه أم القرآن ويجمع بزاقه
 ويتفل فبرأ، فأتى النبي ﷺ فقال والله ما رقيتُ إلا بفاتحة الكتاب.
 فتبسّم ﷺ وقال وما أدراك أنها رقية». (متفق عليه).

یکی از اصحاب برای کسیکه «حشره‌ای» او را نیش زده بود
 «نیش زده شده» دعا کرد، او سوره فاتحه را بر فرد نیش زده
 می‌خواند و آب دهان خود را جمع می‌کرد و بر جای نیش
 می‌دمید پس خوب شد. خدمت پیامبر ﷺ آمد و گفت بخدا بجز

فاتحه چیزی بر آن نخوانده‌ام، پس پیامبر ﷺ تسمی کرد و فرمود: چه می‌دانستی که فاتحه رقیه و تعویذ است.

4- «وما أنزل الله في التوراة ولا في الإنجيل مثل أم القرآن وهي السبع المثاني، قال الله تعالى: هي مقسومي بيني وبين عبدي ولعبدي ما سألت». (النسائي والترمذی).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: خداوند نه در تورات و نه در انجیل همانند ام القرآن «فاتحه» نازل ننموده، و همان است سبع مثانی. خداوند می‌فرماید که فاتحه بین خود و بندگانم تقسیم کرده‌ام و بنده من آنچه را که بخواهد و طلب کند.

5- «من صلى صلاة لم يقرأ فيها بأم القرآن فهي خداج خداج غير تمام». (مسلم).

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: کسیکه نماز بخواند و در آن فاتحه نخواند نمازش ناقص و ناتمام است.
سوره البقره:

1- «اقرأوا الزهراوين: البقرة وسورة آل عمران فاتهما تأتيان يوم القيامة كأنهما غمامتان أو غيايتان، أو كأنهما فرقان من الطير صواف تحاجان عن أصحابهما». (مسلم). وفي رواية: أهل القرآن الذين يعملون به». رسول اکرم ﷺ فرمود: دو سوره زهراوين: البقره و آل عمران را

بخوانید، همانا آن دو سوره روز قیامت می‌آیند، مانند دو ابر یا دو سایبان سیاه هستند، یا اینکه مانند دو گروه از پرندگان صف شده که بالهای خود را بهم نزنند از صاحب خود حمایت می‌کنند. در روایتی هست که قرآن و کسانی که به آن عمل می‌کرده‌اند را می‌آورند «آن دو سوره قرآن بترتیبی که ذکر شد از آنها حمایت می‌کنند».

2- «اقراءو سورة البقرة فإن أخذها بركة وتركها حسرة ولا تستطيعها البطلة». (مسلم). البطلة السحرة.

سوره بقره را بخوانید و یاد بگیرید که فرا گرفتنش برکت و ترک آن مایه حسرت و پشیمانی است و جادوگران بر آن ناتوانند. - «لا تجعلوا بيوتكم مقابر: إنَّ الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة». (مسلم).

خانه خود را قبرستان نکنید. همانا شیطان از خانه‌ای که در آن سوره بقره خوانده می‌شود فرار می‌کند.

سوره آل عمران:

در خلال بیان فضیلت سوره البقره فضل سوره آل عمران نیز بیان شد.

سوره الکهف:

1- «من حفظ عشر آيات من أول سورة الكهف عصم من فتنة

الدجال». (مسلم).

پیامبر می فرماید: هر کس ده آیه از اول سوره کهف را حفظ کند از فتنه دجال در امان خواهد ماند.

1- قال أبوسعید: «من قرأ سورة الكهف يوم الجمعة أضواء له من النور فيما بينه وبين البيت العتيق». (الدارمی).

از ابن مسعود رضی اللہ عنہ نقل شده که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم می فرماید: هر کس سوره کهف را در روز جمعه بخواند. نوری در بین او و خانه خدا (بیت الله) برایش روشن می شود.
سوره ملک:

1- «سورة من القرآن ثلاثون آية تستغفر، أو تشفع لصاحبها حتى يغفر له: تبارك الذي بيده الملك». (أبوداود، الترمذي، ابن ماجه وابن حبان).

رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم فرمود: در قرآن سوره ای هست که سی آیه دارد. برای کسیکه آنرا می خواند درخواست مغفرت و شفاعت می کند تا آمرزیده شود و آن سوره تبارک الذي بيده الملك می باشد.

2- «قال ابن مسعود رضی اللہ عنہ: سورة الملك هي المانعة من عذاب القبر من قرأها كل ليلة فقد أكثر وأطيب». (عبدالرزاق والطبراني والحاكم).

ابن مسعود رضی اللہ عنہ می گوید: سوره ملک مانع و نجات دهنده از عذاب

قبر است. هر کس آنرا هر شب بخواند بهتر و بیشتر و افزونتر است.
سوره الکافرون:

1- «سمع ﷺ رجلاً يقرأ «الكافرون» قال ﷺ أما هذا فقد برىء من الشرك». (أحمد والدارمی).

پیامبر ﷺ از مردی شنید که سوره «کافرون» می‌خواند فرمود
اما این مرد از شرک و بت‌پرستی بری است.

2- «اقرأ قل يا أيها الكافرون ثم نم على خاتمتها فإنها براءة من الشرك». (ترمذی).

پیامبر ﷺ فرمود: سوره قل یا ایها الکافرون را بخوان و در
پایانش بخواب که امان از شرک خواهد بود.

سوره اخلاص ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾:

1- وَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ خَدْرِي رضي الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لِأَصْحَابِهِ: «أَيَعْجِزُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَقْرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ فِي لَيْلَةٍ؟ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَقَالُوا: أَيْنَا يُطِيقُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «اللَّهُ الْوَاحِدُ الصَّمَدُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ». (بخاری: ۵۰۱۵).

ابوسعید خدری رضي الله عنه می‌گوید: نبی اکرم ﷺ به یارانش فرمود:
«آیا کسی از شما می‌تواند یک سوم قرآن را در یک شب، تلاوت

کند؟ این کار برای آنها دشوار به نظر رسید. لذا پرسیدند: ای رسول خدا! چه کسی از ما توانایی چنین کاری را دارد؟ فرمود: «سوره اخلاص، برابر با یک سوم قرآن است».

۲- عَنْ عَائِشَةَ رضی الله عنها: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله و سلم بَعَثَ رَجُلًا عَلَى سَرِيَّةٍ، وَكَانَ يَقْرَأُ لِأَصْحَابِهِ فِي صَلَاتِهِمْ فَيَخْتِمُ بِ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾. فَلَمَّا رَجَعُوا ذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله و سلم، فَقَالَ: «سَلُوهُ لِأَيِّ شَيْءٍ يَصْنَعُ ذَلِكَ؟» فَسَأَلُوهُ، فَقَالَ: لِأَنَّهَا صِفَةُ الرَّحْمَنِ، وَأَنَا أَحِبُّ أَنْ أَقْرَأَ بِهَا. فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم: «أَخْبِرُوهُ أَنَّ اللَّهَ مُجِيبٌ». (بخاری: ۷۳۷۵).

عایشه رضی الله عنها می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردی را بعنوان فرمانده یک دسته نظامی، تعیین و اعزام کرد. او که نماز را برای یارانش امامت می کرد، قرائت اش را با ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ به پایان می رساند. آنان هنگام بازگشت، مسئله را برای نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بازگو کردند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «از او پرسید که چرا چنین می کند». از وی پرسیدند. گفت: چون در این سوره، صفت خدای رحمان، بیان شده است لذا دوست دارم آنرا بخوانم. نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «به او بگویند که خداوند هم او را دوست دارد».

3- «إِنَّ اللَّهَ جَزَأَ الْقُرْآنَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءَ فَجَعَلَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ جِزْءًا

من أجزاء القرآن». (مسلم).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: همانا خداوند (ثواب قرائت) قرآن را سه قسمت نموده که ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾. جزئی از این سه جزء قرآن است.

یعنی معادل ثلث قرآن است.

4- عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ كُسِلَ لَيْلَةً، جَمَعَ كَفَّيْهِ ثُمَّ نَفَثَ فِيهِمَا، فَفَرَأَ فِيهِمَا: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ثُمَّ يَمَسُّحُ بِهِمَا مَا اسْتَطَاعَ مِنْ جَسَدِهِ، يُبْدَأُ بِهِمَا عَلَى رَأْسِهِ وَوَجْهِهِ، وَمِمَّا أَقْبَلَ مِنْ جَسَدِهِ، يَفْعَلُ ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. (بخاری: ۵۰۱۷).

عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا می‌گوید: نبی اکرم ﷺ هر شب، هنگامی که به رختخواب می‌رفت، کف دستهایش را به هم نزدیک می‌کرد و سوره‌های اخلاص و فلق و ناس را می‌خواند و در آنها می‌دمید. سپس از سر و صورت و قسمت جلوی بدنش شروع می‌نمود و تا جایی که می‌توانست مسح می‌کرد و این کار را سه بار، تکرار می‌نمود.

5- «سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَجُلًا يَقْرَأُ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فَقَالَ أَمَا هَذَا فَقَدْ

غُفِرَ لَهُ». (أحمد والدارمی).

پیامبر ﷺ از مردی شنید که ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ می خواند فرمود اما این مرد آمرزیده شده است.

6- «قال عبدالله بن خبيب ؓ قال لي ﷺ قل فقلت ما أقول؟ قال

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ والمعوذتين حين تسمي وحين تصبح ثلاثاً تكفيك كل شيء». (النسائي والترمذي).

عبدالله بن خبيب ؓ می گوید که پیامبر ﷺ به من فرمود بگو. گفتم چه بگویم؟ فرمود ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ومعوذتين را هنگام شام و صبح سه بار بخوان که از هر چیز تو را کفایت می کند.

7- «عن أبي هريرة ؓ: أنه قال سمع ﷺ رجلاً يقرأ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ

أَحَدٌ﴾ فقال وجبت. قلت وما وجبت؟ قال: الجنة». (الترمذي والنسائي وأحمد).

از ابوهریره ؓ نقل شده که پیامبر ﷺ شنید که مردی ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ می خواند فرمود: برایش واجب شد. گفتم که چه چیزی واجب گردید؟ فرمود: بهشت.

سوره های معوذتین ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ

النَّاسِ﴾:

1- «ألم تر آيات أنزلت الليلة لم ير مثلهن قط، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ

الْفَلَقِ ﴿۱﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ﴿۲﴾. (مسلم).

پیامبر ﷺ فرمود: آیا نشنیده‌ای آیاتی را که در شب نازل شده و هرگز مثل آنرا ندیده‌ای (آن آیات) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ ﴿۱﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ می‌باشند. (مسلم).

2- «عن ابن عباس رضی الله عنهما أَنَّهُ رضی الله عنه قَالَ لَهُ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ أَلَا أَدُلُّكَ بِأَفْضَلِ مَا يَتَعَوَّذُ بِهِ الْمُتَعَوِّذُونَ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ ﴿۱﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ﴿۲﴾، هَاتَيْنِ السُّورَتَيْنِ». (النسائي وأحمد).

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است که پیامبر ﷺ به او فرمود ای ابن عباس آیا خبرت ندهم به بهترین چیزی که پناهندگان به آن پناه برده‌اند؟ عرض کرد بله. فرمود ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ ﴿۱﴾ وَ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ ﴿۲﴾. این دو سوره. (نسائی و أحمد).

3- «عن عائشه رضی الله عنها قَالَتْ: كَانَ رضی الله عنه إِذَا مَرَّضَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهِ نَفَثَ عَلَيْهِ بِالْمَعْوِذَاتِ». (مسلم).

از عائشه رضی الله عنها نقل شده که گفت هرگاه یکی از اعضاء خانواده پیامبر ﷺ بیمار می‌شد معوذتین را می‌خواند و بر او می‌دمید.

4- وَعَنْهَا رضی الله عنها: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا اشْتَكَى نَفَثَ عَلَى نَفْسِهِ

بِالْمُعَوِّذَاتِ، وَمَسَحَ عَنْهُ بِيَدِهِ فَلَمَّا اَشْتَكَى وَجَعَهُ الَّذِي تُؤْتِي فِيهِ،
 طَفِقَتْ أَنْفِثَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ الَّتِي كَانَ يَنْفِثُ، وَأَمْسَحَ بِيَدِ النَّبِيِّ
 ﷺ عَنْهُ. (بخاری: ۴۴۳۹).

عایشه رضی اللہ عنہا می گوید: هنگامی که رسول الله صلی اللہ علیہ و آله و سلم بیمار می شد،
 معوذات (سوره ناس، فلق و اخلاص) را می خواند و بر خود می دمید و با
 دست خود، بر بدن اش می مالید. پس هنگامی که در بیماری وفاتش بسر
 می برد، من نیز همان معوذات را که او می خواند و بر خود می دمید،
 می خواندم و دست نبی اکرم صلی اللہ علیہ و آله و سلم را بر بدنش می کشیدم.

4- فضائل آیات معینی از قرآن:

آیه الكرسي:

1- « قَالَ لِي: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مِنْ أَوَّلِهَا
 حَتَّى تَخْتِمَ الْآيَةَ: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّمُ﴾ وَقَالَ لِي: لَنْ يَزَالَ
 عَلَيْكَ مِنَ اللَّهِ حَافِظٌ، وَلَا يَقْرَبَكَ شَيْطَانٌ حَتَّى تُصْبِحَ. » (بخاری: ۲۳۱۱).
 به من گفت: هرگاه به بستر خواب رفتی آیت الكرسي را از اول
 تا آخر بخوان که از طرف خداوند بر تو نگهبان خواهد بود، و
 ناخوشایندی نخواهی دید و تا صبح فرشتگان تو را از شیطان،
 حفاظت خواهند کرد.

2- «عن أبي كعب رضي الله عنه قال: قال لي رسول الله صلى الله عليه وآله أتدري أي آية من كتاب الله معك أعظم؟ فقلت: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ فضرب في صدري وقال ليهنك العلم أبا المنذر». (مسلم).

از ابی بن کعب رضي الله عنه نقل شده که گفت پیامبر صلى الله عليه وآله به من فرمود: آیا می‌دانی کدام آیه قرآن نزد تو از همه بزرگتر و عظیمتر است. گفتم آیه ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ پیامبر دست به سینه‌ام زد و فرمود: احسن بر تو ای ابا منذر.

3- «من قرأ آية الكرسي في دُبُرِ كل صلاة مكتوبة لم يمنعه من دخول الجنة إلا أن يموت». (النسائي في الكبرى).

رسول اکرم صلى الله عليه وآله فرمود: کسیکه بعد از هر نماز واجب آیت کرسی را بخواند هیچ چیز جز مرگ مانع از داخل شدنش به بهشت نیست.

دو آیه آخر سوره البقره:

1- عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ الْبَدْرِيِّ رضي الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «الْآيَتَانِ مِنْ آخِرِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ مَنْ قَرَأَهُمَا فِي لَيْلَةٍ كَفَتَاهُ». (بخاری: ۴۰۰۸).

ابومسعود بدری رضي الله عنه می‌گوید: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: «هرکس، دو آیه آخر سوره بقره را در شب بخواند، او را کفایت می‌کنند».

2- «أَبَشِرْ بنورين أوتيتهما لم يؤتهما نبي قبلك فاتحة الكتاب وخواتيم سورة البقرة لن تقرأ بحرف منها إلا أعطيته». (مسلم).
 حديث قدسی: پیامبر ﷺ می فرماید که خداوند فرموده مژده بده بدو نوری که به شما عطا نموده ام و قبل از تو به هیچ پیغمبری نداده ام: یکی سوره الفاتحه و دیگری آیه های آخر سوره البقره، هیچ حرفی از آنها «دو نور» را قرائت نمی کنی مگر آنکه خواسته ات را برآورده می نمایم.

3- «آیتین ختم بهما سورة البقرة ولا تقرأن فی دار ثلاث لیل فیقرهها شیطان». (الترمذی).
 رسول اکرم ﷺ می فرماید: دو آیه وجود دارد که با آنها سوره البقره پایان یافته آن دو آیه در هیچ خانه ای سه شب خوانده نشوند مگر اینکه شیطان به آن خانه نزدیک نشود.

آداب و دستوراتی درباره قرآن کریم:

۱- حفاظت و پابندی و کثرت تلاوت آن: عَنْ أَبِي مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «تَعَاهَدُوا الْقُرْآنَ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ هُوَ أَشَدُّ
 تَفْصِيًّا مِنَ الْإِبِلِ فِي عُقُلِهَا». (بخاری: ۵۰۳۳).
 ابوموسی اشعری رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ می گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «از قرآن،

مواظبت کنید (همواره آنرا تلاوت نمایید) سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، قرآن سریعتر از شتری که زانویش بسته باشد، می‌گریزد».

(یعنی همانطوریکه اگر مدتی شتری را که زانوبند به پایش بسته شده رها کنیم و مواظب آن نباشیم. زانو بند آن پاره و شتر رها می‌شود. قرآن نیز اگر از آن محافظت نشود و مرور و تمرین و بر خواندن آن مداومت نشود از یاد می‌رود).

۲- ختم آن در هر ماه، یا بیست روز، یا ده روز، یا هفت روز یکبار: «واقراً القرآن فی کل شهر، قال: قلت: یا نبی الله! إني أطيع أفضل من ذلك. قال: فاقراءة فی کل عشرين قال قلت: یا نبی الله! إني أطيع أفضل من ذلك. قال: فاقراءة فی کل عشر قال قلت: یا نبی الله! إني أطيع أكثر من ذلك. قال: فاقراءة فی کل سبع، ولا تزد علی ذلك». (البخاری و مسلم).

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: قرآن را در مدت یکماه ختم کنید، صحابی گفت: ای پیامبر خدا، من می‌توانم کمتر از یکماه ختم کنم، فرمود: در بیست روز ختم کنید، صحابی گفت: ای پیامبر خدا، من می‌توانم کمتر از بیست روز ختم کنم، فرمود: در ده روز ختم کنید، صحابی گفت: ای پیامبر خدا، من می‌توانم کمتر از ده روز ختم کنم، فرمود: در هفت روز قرآن را ختم کن و کمتر از

هفت روز ختم نکن».

۳- آنرا در کمتر از سه روز ختم نکن: «من قرأ القرآن في أقل من ثلاث لم يفقهه». (أحمد، أبوداود وابن ماجه).

پیامبر ﷺ می فرماید: کسیکه قرآن را در کمتر از سه روز ختم کند آن را نمی فهمد. (یعنی تدبر نمی کند).

۴- آراستن و نیکو کردن صدا: «لیس منا من لم يتغنَّ بالقرآن، یجهر به». (البخاری).

پیامبر اکرم ﷺ: بر روش ما نیست کسی که قرآن را با صدای زیبا و بلند نخواند و آنرا آشکار نکند.

۵- ادا نمودن قسمتهایی از قرآن «حزب قرآن» که جا گذاشته و نخوانده است. «من نام عن حزبه، أو عن شيء منه، فقرأه فيما بين صلاة الفجر وصلاة الظهر، كتب له كأنها قرأه من الليل». (مسلم).

پیامبر ﷺ می فرماید: کسی که نتواند شب زنده داری کند تا قسمتی از قرآن که هر شب در نماز می خوانده بخواند و خوابش رود، سپس آن قسمت را در فاصله میان نماز صبح و ظهر بخواند ثوابش مثل آنست که آن قسمت را در شب خوانده باشد.

۶- پائین آوردن صدا: «الجهر بالقرآن كالجهر بالصدقة، والمُسِرُّ بالقرآن كالمسر بالصدقة». (أبوداود).

پیامبر ﷺ می‌فرماید: هرکس قرآن را علنی بخواند مثل آنست که صدقه را علنی داده است و هر که قرآن را مخفیانه بخواند مثل آنست که صدقه را مخفیانه داده است.

۷- در حال جنابت «جنب» آنرا نخواند: «قال علي لم يكن رسول الله ﷺ يحجبه عن القرآن شيء ليس الجنابة». (أبو داود).
 علی ﷺ می‌گوید: هیچ چیز بجز جنابت پیامبر را از تلاوت قرآن منع نمی‌کرد.

۸- ترتیل و زیبا گردانیدن آن: ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾. (المزمل: ۴).
 «و قرآن را با دقت و تأمل بخوان و فصاحت تلاوت کن».

۹- تدبر و اندیشیدن در معانی آن: ﴿كُنْزٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبْرَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾. (ص: ۲۹).
 «این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند».

۱۰- خشوع و فروتنی و گریه نمودن: ﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ﴾. (الحديد: ۱۶).
 «آیا وقت آن نرسیده است که دلهای مؤمنان در برابر ذکر خدا و آنچه از حق (قرآن) نازل کرده است خاشع گردد؟!».

۱۱- استعاده و پناه بردن بخدا: **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** گفتن.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ (النحل: ۹۶).
«هنگامی که قرآن می خوانی، از شر شیطان مطرود، به خدا پناه بر».
۱۲- ذکر و خواندن سجده تلاوت: «سجد و جهی للذي خلقه

وشق سمعه وبصره بحوله وقوته». (أبوداود).

هرگاه به جایی رسید که مشتمل بر سجده بود بعد از تلاوت آن به حالت سجده درآید و بگوید: «سجد و جهی للذي خلقه وشق سمعه وبصره بحوله وقوته». یعنی: صورت من برای کسی که او را آفرید، سجده کرد و گوش و چشم نیز تا حد توانایی و قدرت بشکافت. آفرین بر خداوند که بهترین آفرینندگان است.

۱۳- واکنش و تحت تأثیر قرار گرفتن بوسیله معانی آیات:

«كان **يقرأ مترسلاً** إذا مر بآية فيها تسبيح، سبح، وإذا مر بسؤال، سأل، وإذا مر بتعوذ، تعوذ». (مسلم وأحمد).

پیامبر **ﷺ** آهسته و بدون شتاب قرآن قرائت می فرمود: هرگاه به آیه ای می رسید که در آن تسبیح بود، تسبیح «سبحان الله» می گفت، و اگر در آیه ای دعا بود دعا می کرد، و در هر آیه ای پناه بردن بود، بخدا پناه می برد.

۱۴- واجب بودن پاکی و وضوء به هنگام دست زدن به آن:

«لا یمس القرآن إلا طاهر». (مالک والدارمی).

پیامبر ﷺ خطاب به قرآن: «همانا هیچ چیز مرا منع نمی‌کند که بسوی تو بیایم و تو را تلاوت نمایم بجز اینکه وضوء ندارم».

۱۵- استماع و گوش فرادادن به قرآن: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ

فَأَسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (الأعراف: ۲۰۴).

«هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش

باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید».

سه برنامه ساده قرآنی برای ختم قرآن کریم

۱- تلاوت، ۲- حفظ، ۳- تمرین و یادگیری و تدبیر.

۱- برنامه ساده‌ای برای ختم قرآن کریم که روزانه صفحاتی از

آنها در نماز بخوانید بدون آنکه تأثیری در کارهای روزانه شما داشته باشد، یا وقت شما را بگیرد.

به جدول زیر دقت و برابر آن رفتار نمایید.

تعداد صفحات در هر نماز	تعداد صفحات در هر روز	مدت ختم قرآن
۱	۱۰	۴ ماه
۲	۱۵	۲ ماه
۳	۲۰	۱ ماه
۴	۲۵	۳۰ روز
۵	۳۰	۲۴ روز
۶	۳۵	۲۰ روز
۷	۴۰	۱۷ روز
۸	۴۵	۱۵ روز
۱۲	۶۰	۱۰ روز
۱۷	۸۵	۷ روز

مثال: اگر کسی در هر نماز یک صفحه، و در روز پنج صفحه،

قرآن بخواند در مدت چهارماه آنها ختم خواهد نمود. (مترجم).

برنامه‌ای آسان برای حفظ کامل قرآن با حفظ یک سطر در روز:

۳۰	۲۴	۱۵	۱۲	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تعداد سطرها در روز مقداری که در سال حفظ می‌شود
۸ ماه	۱	۱/۶	۲	۳	۳/۴	۴	۴/۸	۶	۸	۱۲	۲۴	

مثال: اگر روزانه فقط یک سطر قرآن حفظ شود در مدت

بیست و چهار سال تمام قرآن حفظ خواهد شد. (مترجم).

برنامه‌ای آسان برای یادگیری و تدبر در قرآن با فراگرفتن چند آیه در روز با استفاده از تفاسیر مختصر و خوب مانند «تفسیر سعدی، زبده التفاسیر و تفسیر ابن کثیر» همراه با حفظ آن «در صورت تمایل»:

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	تعداد آیات یادگرفته در روز آنچه در چند سال و ماه یاد می‌گیرید
۱/۹	۱/۱۱	۲/۲	۲/۶	۲/۱۱	۳/۶	۴/۵	۵/۱۰	۸/۹	۱۷/۷	

مثال: اگر روزانه یک آیه قرآن را حفظ و یاد بگیرید (همراه

بامعنی) در مدت هفده سال و هفت ماه معنی تمام قرآن را یاد گرفته و حفظ می‌نمائید.

دعا و ذکرهایی که مسلمان را در بر می‌گیرد و محفوظ می‌نماید

اذکار در برگیرنده (حافظ) مسلمان

ترجمه رساله:

أذکار المسلم الشاملة

تألیف :

عید العنزی

ذکرهای هنگام خواب و هنگام بیدار شدن:

- ذکر هنگام خوابیدن: ۱- آیت الکرسی را بخوانید:
فضیلت آن: حافظ شما خواهد بود و آن شب تا صبح از شر شیطان محفوظ خواهی ماند.
- ۲- دو آیه آخر سوره بقره:
فضیلت آن: از بدی و غم تو را کفایت می‌کند.
- ۳- دستهای خود را «بمانند دعا» جمع کنید و سوره‌های اخلاص، فقل، ناس را بر آن بخوانید و در دستان خود بدمید و سپس دستان خود را بر سر و صورت و تن خود بمالید.
فضیلت آن: سحر و جادو و چشمهای بد و جنی‌ها را دفع می‌نماید.
- ۴- ذکر سبحان الله والحمد لله والله اکبر را بخوانید.
فضیلت: حاصل شدن و بدست آوردن اجر عظیم.
- ۵- خواندن این ذکر: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ». (البخاري مع الفتح ۱۱۳/۱۱ و مسلم ۴/۲۰۸۱).
- (بار الها! جانم را به تو سپردم، و کار خود را به تو تفویض نمودم، و چهره‌ام را به سوی تو گرداندم، و به تو اتکا کردم، در

حالی که به نعمت‌های تو امیدوارم و از عذابت بیم‌ناکم، به جز تو پناهگاهی و جای نجاتی ندارم. الهی! به کتابی که تو نازل فرمودی، و پیامبری که تو مبعوث کردی، ایمان آوردم).

فضیلت آن: اگر در شبی که این دعا را خوانده‌ای فوت کنی بر فطرت اصلی خود «دین اسلام» فوت نموده‌ای.

دعای هنگام بیدار شدن از خواب در شب

۱- این ذکرها را بخوانید «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». (البخاری مع الفتح ۳/ ۳۹ و غیرها و لفظ از ابن ماجه است، نگا: صحیح ابن ماجه ۲/ ۳۳۵).

(هیچ معبودی به جز الله «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریک ندارد، و پادشاهی و ستایش از آن اوست، و او بر هر چیز تواناست. الله پاک و منزّه است، و حمد از آن اوست، و هیچ معبودی به جز الله «بحق» وجود ندارد، و خدا بزرگترین است، و هیچ حول و قدرتی بجز از طرف خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست. خدایا! مرا بیامرز).

فضیلت آن: هر کس این ذکر را بعد از بیدار شدن در خواب

بخواند اگر دعا کند دعایش مستجاب، و اگر از خدا طلب مغفرت نماید آمرزیده می‌شود، و اگر نماز بخواند قبول می‌شود.

دعا و ذکر هنگام بیدار شدن از خواب «در صبح»

۱- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ». (البخاري مع

الفتح ۱۱۳/۱۱، ومسلم ۴/۲۰۸۳).

(تمام ستایش‌ها از آن خدایی است که پس از میراندن ما را زنده کرده است، و بازگشت به سوی اوست).

* هنگام دیدن کسی که او را دوست دارید بگوئید الحمد لله، و سپس به وی بگوئید که شما را دوست دارم.

* هنگام دیدن کسی که از او بدتان می‌آید: از شر او بنخدا پناه ببرید و بگوئید أعوذ بالله من شره، و به او نگوئید که شما را دوست ندارم و از دیدنتان ناراحتم.

ذکرهای هنگام اذان گفتن

به هنگام اذان: همان ذکرهایی که مؤذن در اذان می‌گوید تکرار کنید. مگر وقتی که مؤذنی می‌گوید: «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، وَحَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»، که در جواب می‌گوید: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

(البخاري ۱۰۲/۱ ومسلم ۱/۲۸۸).

فضیلت آن: کسی که از ته قلب آنرا بگوید. بهشتی است.

بعد از پایان اذان: ۱- صلوات بر پیامبر ۲- گفتن این ذکر:
 «اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ
 وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، [إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ]».

(بخاری ۱۵۲/۱ و آنچه در بین گروه آمده از سنن بیهقی ۴۱۰/۱ روایت شده، و علامه عبدالعزیز بن باز در کتاب (تحفه الأخیار ص ۳۸) سندش را حسن دانسته است).

(بار الها! ای پروردگار این ندای کامل و نماز بر پا شونده، به محمد ﷺ و سیله «مقامی والا در بهشت» و فضیلت عنایت بفرما، و او را به «مقام شایسته‌ای» که وعده فرموده‌ای نایل بگردان، [همانا تو خُلف وعده نمی‌کنی].

۳- نیز شخص گوید: «وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا». (مسلم ۱/۲۹۰).

(و من گواهی می‌دهم که هیچ معبودی، بجز الله «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، و محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست، من از اینکه الله، پروردگار و محمد، پیامبر و اسلام، دین من است، راضی و خشنودم).

(پس از اینکه مؤذن شهادتین را گفت، این ذکر، خوانده شود).

(ابن خزيمة ۱/۲۲۰).

ذکرهای گوناگون

ذکر هنگام غذا خوردن و نوشیدن: در ابتدا بسم الله و در پایان الحمد لله بگوئید.

دعاء مهمان: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَهُمْ فِيمَا رَزَقْتَهُمْ، وَاعْفِرْ لَهُمْ وَارْحَمْهُمْ». (مسلم ۳/۱۶۱۵).

(الهی! آنچه را که به ایشان ارزانی داشته‌ای، برکت ده و آنها را ببخش، و بر آنها رحم کن).

*دعا به هنگام رسیدن به کسی که تازه ازدواج نموده: «بَارَكَ اللهُ لَكَ، وَبَارَكَ عَلَيْكَ، وَجَمَعَ بَيْنَكُمَا فِي خَيْرٍ». (أصحاب السنن بجز النسائي، ونكا: صحيح الترمذي ۱/۳۱۶).

(خداوند به شما برکت عنایت فرماید، و کار شما را بابرکت کند، و پیوندتان را مبارک و باعث خیر گرداند).

* دعایی که مقیم باید به مسافر بگوید: «أَسْتَوْدِعُكُمْ اللهُ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ». (أحمد ۲/۴۰۳ و ابن ماجه ۲/۹۴۳، ونكا: صحيح ابن ماجه ۲/۱۳۳).

(من شما را به خدایی می سپارم که امانتهایش ضایع نمی شود).

* دعای «برطرف شدن» اندوه و غصه: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ». (البخاري ۷/۱۵۴ و مسلم ۴/۲۰۹۲).

(هیچ معبودی بحق بجز خدای بزرگ و بردبار وجود ندارد. هیچ معبودی جز الله که پروردگار عرش بزرگ است وجود ندارد. هیچ معبودی بحق به جز الله که پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش گرامی است وجود ندارد).

* دعا به هنگام زیارت قبور: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین وَاِنَّا اِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَا حَقُونَ». سلام بر شما ای «ساکنین» خانه مؤمنان و هر وقت خدا اراده کند ما هم به شما می‌پیوندم.

* سبحان الله گفتن «تسیح» دو چندان: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ: عَدَدَ خَلْقِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ، وَزِينَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ». [هنگام صبح، سه بار بخواند]. (مسلم ۴/۲۰۹۰).

(تسیح و پاکی الله و ستایش او را به تعداد آفریدگانش خشنودی‌اش و سنگینی عرشش و جوهر سخنانش، بیان می‌نمایم).

* به هنگام وارد شدن به مسجد: «اللَّهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ». (مسلم ۱/۴۹۴).

(الهی! درهای رحمت خود را بر من بگشا).

و هنگام خارج شدن از مسجد: «بِسْمِ اللهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَي رَسُوْلِ اللهِ اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ، اللّٰهُمَّ اعْصِمْنِيْ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ». (مسلم ۱/۴۹۴). (و. نگا: صحیح ابن ماجه ۱/۱۲۹).

(به نام خدا و درود و سلام بر رسول الله ﷺ الهی! از تو فضل را مسألت می‌نمایم، الهی! مرا از شیطان مردود، حفاظت فرما).

* دعاء هنگام داخل شدن منزل: وقت دخول بگویند بسم الله و به هنگام خارج شدن بگویند: «بِسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (أبوداود ۴/ ۳۲۵ و الترمذی ۵/ ۴۹۰، و نکا: صحیح الترمذی ۳/ ۱۵۱).
(به نام خدا، بر خدا توکل کردم، و هیچ قدرت و توانائی جز از طرف خدا نیست).

* دعا هنگام وارد شدن به توالت: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ». (البخاری ۱/ ۴۵، و مسلم ۱/ ۲۸۳)، به اضافه (بسم الله) در اولش سعید بن منصور آنرا روایت کرده است، (نکا: فتح الباری ۲۴۴/۱).

([به نام خدا] الهی! از جن‌های خبیث و پلید، اعم از زن و مرد، به تو پناه می‌برم).

هنگام خارج شدن بگویند: «غُفْرَانَكَ». (أهل السنن بجز النسائی آنرا در کتاب: (عمل اليوم والليلة) روایت کرده‌اند. نکا: تخريج زاد المعاد ۲/ ۳۸۷). (الهی! از تو آمرزش می‌طلبم).

ذکرهای صبح و شام «عصر یا غروب»

* ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ

يَرْبِي النَّاسَ ﴿۳﴾ بار.

فضیلت: از هر چیزی شما را کفایت می‌کند.

* آیت الکرسی «آیه ۲۵۵ سوره بقره» ۱ بار.

فضیلت: سبب محافظت و دفع شیاطین خواهد بود.

* «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا [وهنگام شب می‌فرمود:
«اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ
المُصِيرُ»]، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ». (الترمذی ۴۶۶/۵ ونگا:
صحیح الترمذی ۱۴۲/۳). ۱ بار.

(بار الها! با لطف تو صبح کردیم، و با عنایت تو به شب
رسیدیم، و به خواست تو زنده‌ایم، و به خواست تو می‌میریم، و
رستاخیز ما بسوی تو است).

* «أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَ الْمَلِكُ اللَّهُ [وهنگام شب بجای جمله فوق می‌فرمود: «أَمْسَيْنَا
وَأَمْسَى الْمَلِكُ اللَّهُ»]. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ
الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِي هَذَا
الْيَوْمِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ [وهنگام شب بجای جمله‌ی فوق می‌فرمود: «رَبِّ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا
فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَشَرِّ
مَا بَعْدَهَا»]، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، رَبِّ أَعُوذُ

بِكَ مِنَ الْكَسَلِ، وَسُوءِ الْكِبَرِ، رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ فِي النَّارِ وَعَذَابِ فِي الْقَبْرِ». (مسلم ۴/۲۰۸۸).

(ما و تمام جهانیان، شب را برای خدا به صبح رسانیدیم، و حمد از آن خداست، هیچ معبودی، بجز الله که یکتاست و شریکی ندارد وجود ندارد. پادشاهی و حمد فقط از آن اوست و او بر هر چیز قادر است. الهی! من خیر آنچه در این روز است و خیر آنچه بعد از آن است را از تو می‌طلبم، و از شر آنچه که در این روز و ما بعد آن، وجود دارد، به تو پناه می‌برم. الهی! من از تنبلی و بدی‌های پیری به تو پناه می‌برم، بار الها! من از عذاب آتش و قبر به تو پناه می‌برم).

* «اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ، وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ، أَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَأَبُوءُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ». هر کس هنگام شب آنرا با یقین بگوید و در آن شب بمیرد، و یا صبح بگوید و در همان روز بمیرد به بهشت وارد می‌شود. (بخاری ۷/۱۵۰).

«الهی! تو پروردگار من هستی، بجز تو معبود دیگری نیست، تو مرا آفریدی، و من بنده‌ی تو هستم، و بر پیمان و عده‌ام با تو بر حسب استطاعت خود، پایبند هستم، و از شر آنچه که انجام داده‌ام به

تو پناه می‌برم، به نعمتی که به من عطا فرموده‌ای، اعتراف می‌کنم، و به گناهم اقرار می‌نمایم، پس مرا ببخشای، چرا که بجز تو کسی گناهان را نمی‌بخشاید».

فضیلت: کسیکه با ایقان و ایمان این دعا را بخواند و بعد از آن فوت کند وارد بهشت می‌شود.

* «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». هرکس سه بار در وقت صبح و سه بار در وقت شب این دعا را بخواند هیچ چیزی به او ضرر نمی‌رساند. (أبوداود ۴/۳۲۳ و الترمذی ۵/۴۶۵ و ابن ماجه وأحمد. نکا: صحیح ابن ماجه ۲/۳۳۲ و علامه عبدالعزیز بن باز در کتاب (تحفة الأخیار ص ۳۹) سندش را حسن دانسته است).

(به نام خدایی که با نام وی هیچ چیز در زمین و آسمان، گزندی نمی‌رساند، و او شنوا و دانا است).

* «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». [هنگام شب، سه بار خوانده شود]. هرکس شامگاه سه مرتبه آنرا بخواند سختی‌های آن شب به او ضرری نمی‌رساند. (أحمد ۲/۲۹۰ و النسائی در کتاب: عمل الیوم والليلة شماره‌ی ۵۹۰ و ابن السنی شماره‌ی ۶۸، ونگا: صحیح الترمذی ۳/۱۸۷، و صحیح ابن ماجه ۲/۲۶۶ و تحفة الأخیار ص ۴۵).

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي دِينِي وَدُنْيَايَ، وَأَهْلِي، وَمَالِي، اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَاتِي، وَآمِنْ رَوْعَاتِي، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيْ، وَمِنْ خَلْفِي،

وَعَنْ يَمِينِي، وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي، وَأَعُوذُ بِعِظْمَتِكَ أَنْ أُغْتَالَ مِنْ تَحْتِي». (أبوداود وابن ماجه ونكا: صحيح ابن ماجه ۲/۳۳۲).

(الهی! عفو و عافیت دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم. بار الها! عفو و عافیت دین، دنیا، خانواده و مالم را از تو مسألت می‌نمایم. بار الها! عیوب مرا بیوشان و ترس مرا به ایمنی مبدل ساز. الهی! مرا از جلو، پشت سر، سمت راست و چپ و بالای سرم، محافظت بفرما، و به بزرگی و عظمت تو پناه می‌برم از اینکه بطور ناگهانی از طرف پایین کشته شوم).

فضیلت: کسی که این دعا را بخواند خداوند وی را از هر جهت محفوظ می‌نماید.

* «اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ [هنگام شب گفته شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَمْسَيْتُ»]. أَشْهَدُكَ وَأُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِكَ، وَمَلَائِكَتَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ، أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ». (این دعا ۴ بار خوانده شود). هر کس صبح یا شب این دعا را چهار بار بخواند، خداوند او را از آتش نجات می‌دهد. (أبوداود ۴/۳۱۷، والبخاري در كتاب: الأدب المفرد شماره ۱۲۰۱، والنسائي در كتاب: عمل اليوم والليلة شماره ۹، وابن السني با شماره ۷۰، و شيخ ابن باز در كتاب: تحفة الأخیار ص ۲۳) سند النسائي وأبي داود را حسن دانسته است.

(الهی! من در این صبح‌گاه، تو را و حاملان عرش و تمام

فرشتگان و کلیه مخلوقات تو را گواه می‌گیرم بر این که تو الله هستی، بجز تو معبود دیگری «بحق» وجود ندارد، تو یگانه‌ای و شریکی نداری، و محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی تو است).

ذکرهای بعد از سلام دادن «پایان» نمازهای واجب

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ (ثَلَاثًا) اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، تَبَارَكْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ». (مسلم ۱/۴۱۴).

(از الله طلب آمرزش می‌کنم [سه مرتبه] الهی تو سلامی، و سلامتی از جانب تو است، تو بسیار بابرکتی، ای صاحب عظمت و بزرگی).
 «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجُدِّ مِنْكَ الْجُدُّ». (البخاری ۱/۲۵۵ و مسلم ۱/۴۱۴).

(معبودی «بحق» بجز الله، وجود ندارد. شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته‌ی اوست، و او بر هر چیزی توانا است، الهی! آنچه تو بدهی، هیچ کس مانع آن نمی‌گردد، و آنچه تو منع کنی، هیچ کس نمی‌تواند آنرا بدهد. توانگر، او را ثروتش از عذاب تو نجات نمی‌دهد، و «تمامی شکوه و» ثروت از آن تو است).

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، لَهُ النِّعْمَةُ وَلَهُ الْفَضْلُ وَلَهُ الثَّنَاءُ الْحَسَنُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (مسلم ۱/۴۱۵).

(معبودی بجز الله «بحق» وجود ندارد، یگانه اوست و شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، و ستایش مخصوص اوست، و او بر هر چیز توانا است. هیچ نیروی بازدارنده از گناهان و توفیق دهنده به نیکی، به جز الله وجود ندارد. هیچ معبودی جز او «بحق» نیست. جز او کسی دیگر را عبادت نمی‌کنیم، نعمت و فضل از آن اوست، ستایش نیکو مخصوص اوست، معبودی بجز او وجود ندارد، همه‌ی ما با اخلاص او را بندگی می‌کنیم هر چند کافران دوست نداشته باشند).

«سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ [۳۳ سپس] لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (مسلم ۱/۴۱۸).
«کسی که آنرا بعد از هر نماز بگوید گنااهش بخشوده می‌شود! هر چند به اندازه‌ی کف دریا باشد».

(بجز الله یگانه، دیگر معبودی بحق نیست، شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته اوست، و او بر هر چیز تواناست).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ . (الإخلاص: ۱ - ۴).

«به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. بگو خدا یکتا و یگانه است. خداوندی است که همه‌ی نیازمندان قصد او می‌کنند. (هرگز) نژاد و زاده نشد. و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾ . (الفلق: ۱ - ۵).

«به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان. بگو: پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌ی صبح. از شر تمام آنچه آفریده است. و از شر هر موجود شرور هنگامی که شبانه وارد می‌شود. و از شر آنها که در گره‌ها می‌دمند. و از شر هر حسودی هنگامی که حسد می‌ورزد.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾ . (الناس: ۱ - ۶). أبو داود ۸۶۷۲ والنسائی ۶۸۸۳ ونگا: صحیح الترمذی ۸۷۲، سوره‌های سه‌گانه را معوذات می‌گویند. نگا: فتح الباری ۶۲/۹.

«به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، بگو: پناه می‌برم به پروردگار مردم. به مالک و حاکم مردم. به (خدا و) معبود مردم. از شرّ

وسوسه گر پنهان کار. که درون سینه انسانها وسوسه می کند. خواه از جن باشد یا از انسان». [بعد از هر نماز خوانده شوند].

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ بعد از هر نماز خوانده شود. هر کس پس از هر نماز آنرا بخواند مانعی از ورود بهشت او نمی شود مگر مردنش. (النسائی در کتاب: عمل الیوم واللیلة) شماره ۱۰۰، وابن السنی شماره ۱۲۱ و البانی در صحیح الجامع ۳۳۹/۵ و سلسله الأحادیث الصحیحة ۶۹۷/۲ شماره ۹۷۲).

(خداوند هیچ معبودی «بحق» جز او نیست، خداوندی که زنده و قائم به ذات خویش است، هیچ گاه خواب سبک و سنگین او را فرا نمی گیرد، برای اوست آنچه در آسمانها و زمین است، کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند، آنچه را پیش روی آنها «بندگان» و پشت سر آنهاست می داند، و از گذشته و آینده آنان آگاه است، آنها جز به مقداری که او بخواهد احاطه به علم او ندارند، کرسی او آسمانها و زمین را دربرگرفته و حفظ و نگهداری آسمان و زمین برای او گران نیست، و او بلند مرتبه و باعظمت است).

فضائل بعضی از سوره‌های و آیات قرآن

- * سوره فاتحه: عظیمترین سوره قرآن و شفاء هر دردی است.
- * سوره بقره و آل عمران: روز قیامت مانند دو ابر «سایبان» از صاحب خود حمایت می‌کنند.
- * آیت الکرسی: عظیمترین آیه قرآن است سبب حفظ بندگان است (بوسیله خدا).
- * دو آیه آخر سوره بقره: از هر بلائی آدمی را کفایت می‌کند.
- * ده آیه اول سوره کهف: از فتنه دجال در امان خواهی ماند.
- * سوره اخلاص «قل هو الله احد»: معادل یک سوم قرآن است.
- * آنچه را بیمار در حال بیماری خود باید بگوید. ﴿رَبَّنَا آئِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (البقره: ۲۰۱).
- «پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!».
- فضیلت: بیماری که این دعا را بخواند خداوند او را شفا می‌دهد.
- * دعا برای مریض: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يُشْفِيكَ». (هفت بار بخواند). مسلمانانی که به عیادت مریضی بروند که اجلش فرا نرسیده است، و این دعا را هفت بار بر او بخوانند، مریضش شفا می‌یابد. (الترمذی وأبوداود، ونگا: صحیح الترمذی ۲/۲۱۰ و صحیح الجامع ۵/۱۸۰).

(از خداوند عظیم، پروردگار عرش بزرگ، می‌خواهم که تو را شفا دهد).

«لَا بَأْسَ طَهُورٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ». (البخاری مع الفتح ۱۰/۱۱۸).

(هیچ باکی نیست، این بیماری به خواست خداوند، پاک کننده‌ی «گناهان» است).

افسون و دعاهاى شرعى براى بيمارى و چشم بد و سحر

۱- «أَذْهِبِ الْبَأْسَ، رَبِّ النَّاسِ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاءُكَ شِفَاءً لَا يَغَادِرُ سَقَمًا».

«ای پروردگار انسانها! (هرگونه) زیان و ترس را زایل فرما و شفای عاجل) عنایت کن که همانا تو (تنها) شفا دهنده هستی و جز شفای تو که تمامی بیماری‌ها را درمان می‌بخشد شفایی وجود ندارد».

۲- رسول الله ﷺ فرمود: دستت را بر جایی که درد احساس می‌شود بگذار، و سه بار «بِسْمِ اللَّهِ» بگو: سپس هفت بار بگو: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ». (مسلم ۴/۱۷۲۸).

(من به خدا و قدرتش پناه می‌برم از شر آنچه به آن دچار می‌شوم و از آن بیم دارم و می‌ترسم).

3- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ». «به نام خداوند آنچه (از ارواح پلید و غیره که) موجبات اذیت و آزار تو (بیمار) را فراهم می‌کنند از تو دور می‌سازم و از گزند هر نفس (سرکش) یا چشم زخم حسودی می‌رهانمت. (بی‌تردید) این خداست که تو را شفا می‌دهد و من (تنها) با نام و یاد او به مداوایت می‌پردازم».

اذکار «ذکرهای» متنوع و گوناگون

۱- هنگام وارد شدن به هر خانه‌ای: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ». [هنگام شب، سه بار خوانده شود]. هرکس شامگاه سه مرتبه آنرا بخواند سختی‌های آن شب به او ضرری نمی‌رساند. (أحمد ۲/ ۲۹۰ والنسائی در کتاب: عمل الیوم واللیلة شماره‌ی ۵۹۰ وابن السنی شماره‌ی ۶۸، ونگا: صحیح الترمذی ۳/ ۱۸۷، و صحیح ابن ماجه ۲/ ۲۶۶ و تحفة الأخیار ص ۴۵).

فضیلت: تا هنگامی که در آن منزل است ضرری به او نمی‌رسد.

۲- بعد از وضوء: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ..». (مسلم ۱/ ۲۰۹).

(شهادت می‌دهم که بجز الله، معبودی «بحق» وجود ندارد،

یکتاست و شریکی برای او نیست، و شهادت می‌دهم که محمد،

بنده و فرستاده‌ی اوست).

فضیلت: کسیکه این ذکر را بعد از وضوء بخواند درهای هشتگانه بهشت بر او باز می‌شود.

۳- هنگام دعا کردن: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ». (أبو داود ۶۲/۲ و الترمذی ۵۱۵/۵ وابن ماجه ۱۲۶۷/۲ وأحمد ۳۶۰/۵ ونگا: صحیح ابن ماجه ۳۲۹/۲ و صحیح الترمذی ۱۶۳/۳).

(پروردگارا! من تنها از تو «احتیاجاتم را» می‌خواهم، چرا که شهادت می‌دهم که تو الله هستی، و هیچ معبودی بجز تو «بحق» وجود ندارد، تو آن یکتا و بی‌نیازی هستی که نه زاده است، و نه زائیده شده است، و همتایی ندارد).

فضیلت: این دعا نام خداست اگر بوسیله آن چیزی طلب شود عطا می‌شود. و اگر دعائی شود قبول می‌شود.

۴- به هنگام مصیبت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا». (مسلم ۶۳۲/۲).

(بدون تردید ما از آن الله هستیم و بازگشت همه‌ی ما بسوی اوست. الهی! مرا در مقابل مصیبت، پاداش ده، و در عوض آن چیز بهتری به من عنایت فرما).

فضیلت: در صورت خواندن این دعا در این مصیب اجر و

پاداش را می‌گیری و بهتر از آن را خداوند عطا می‌فرماید.

۵- برای محافظت اطفال: رسول الله ﷺ با خواندن این کلمات، حسن و حسین علیهما السلام را به خدا می‌سپرد تا آنها را حفاظت کند: «أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَأَمَّةٍ». (البخاری ۴/۱۱۹ از حدیث ابن عباس رضی الله عنه).

(من شما دو نفر «حسن و حسین علیهما السلام» را به وسیله‌ی کلمات کامل الله از بدی هر شیطان و جانور زهردار و زخم چشم به حفظ خدا می‌سپارم).

فضیلت: این دعا چشم بدخواه را دفع می‌کند.

۶- هنگام خشمگین شدن: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». (البخاری ۷/۹۹ و مسلم ۴/۲۰۱۵). (از شیطان رانده شده به الله پناه می‌برم).

فضیلت: خشم زائل می‌شود.

۷- برای راندن و دور کردن شیطان و وسوسه‌های او:

۱- ذکر الله ۲- پناه بردن به خدا «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ

الرَّجِيمِ». ۳- اذان ۴- اقامه.

۸- هنگام دیدن چیزی شگفت‌آور: «مَا شَاءَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

هر چه خدا بخواهد، قوتی نیست مگر به خدا.

فضیلت: خداوند آنرا خجسته و با برکت می‌نماید.

۹- هرگاه از قومی ترسیدید بگویند: «اللَّهُمَّ اكْفِنِيهِمْ بِمَا شِئْتَ».

(مسلم ۴/۲۳۰۰).

(ای الله! تو در برابر دشمنان به هر طریق که می‌خواهی، مرا کفایت فرما). فضیلت: خداوند آنها را دفع می‌نماید.

۱۰- هنگام تعزیه: «إِنَّ اللَّهَ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

بِأَجَلٍ مُّسَمًّى ... فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ». (البخاری ۲/۸۰ و مسلم ۲/۶۳۶).

(همانا آنچه را که خداوند گرفت، از آن خودش بود، و آنچه را که داده است نیز مال خود او می‌باشد، مسلماً هر چیز، میعاد معینی دارد، لذا باید صبر کنی و امید ثواب داشته باشی).

فضیلت: موجب کاستن اندوه اهل میت است.

ذکرهای مهم «عظیم»

۱- سبحان الله (۱۰۰) بار یک، هزار نیکی برایش نوشته

می‌شود، یا یک هزار گناه او محو می‌گردد.

۲- سبحان الله وبحمده (۱۰۰) بار، بوسیله آن گناهان آمرزیده

می‌شوند اگرچه مثل کف دریا باشد.

۳- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (البخاری ۷/۶۷ و مسلم با همین لفظ ۴/۲۰۷۱، ونگا: فضیلت کسی که در

هر روز صد بار آنرا می‌گوید، در همین کتاب).

(هیچ معبودی به جز الله «بحق») وجود ندارد، یکتاست و شریکی ندارد، پادشاهی و ستایش از آن او است، و او بر هر چیز تواناست).
 (۱۰۰) بار، این ذکر معادل آزاد کردن (۱۰) بنده و بدست آوردن (۱۰۰) حسنه و آمرزیده شدن (۱۰۰) گناه و پناهگاهی امن از دست شیطان است.

۴- «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ». (البخاری ۷/۱۶۸ و مسلم ۴/۲۰۷۲).

(الله پاک و منزّه است، و او را ستایش می‌کنم، خداوند عظیم، پاک و منزّه است).

۵- «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (أبو داود ۴/۳۲۵ و الترمذی ۵/۴۹۰، و نگا: صحیح الترمذی ۳/۱۵۱).

(و هیچ قدرت و توانائی جز از طرف خدا نیست).

به هر تعداد خوانده شود: گنجی از گنجهای خداست.

۶- «سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگویم، نزد من از آنچه که خورشید بر آن طلوع کرده است (یعنی همه‌ی دنیا) دوست داشتنی‌تر است). (مسلم ۴/۲۰۷۲).

۷- «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ». به هر تعداد خوانده شود.

خدایا بر محمد پیامبر ما درود و سلام بفرست. پیامبر فرموده هر

کس یک صلوات بر من فرستد خداوند ده صلوات بر او می فرستد.
 ۸- «أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»: آمرزش می خواهم از خداوند و
 به او باز می گردم.

به هر تعداد موجب کفارت گناهان است.

۹- قبل از برخاستن از مجلس بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ
 وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ».
 (خدایا! تو پاک و منزهی، تو را ستایش می کنم، و گواهی
 می دهم که بجز تو، معبود دیگری «بحق» وجود ندارد و از تو
 آمرزش می خواهم و بسوی تو توبه می کنم).

۱۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ،
 وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ». (البخاري ۱۵۸/۷).
 (بار الها! من از غم و اندوه، و ناتوانی و سستی، بخل و ترس،
 سنگینی وام، غلبه‌ی مردان، به تو پناه می برم).

به هر تعداد خوانده شود: غم و اندوه را برطرف می نماید.

وصیت پیامبر ﷺ: «لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْبًا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ».

(الترمذي ۴۵۸/۵، وابن ماجه ۱۲۴۶/۲ ونگا: صحيح الترمذي ۱۳۹/۳، وصحيح ابن ماجه
 ۳۱۷/۲).

(پیوسته زبانت با یاد خدا تر باشد).

خانواده ناپاکیها

مسکرات و مخدرات «مواد مخدر» ره‌آورد استعمار

ترجمه : العائلة الخبيثة

تأليف :

صالح بن عبد الله الصباح

مسکرات و مخدرات «مواد مخدر» زندگی را بر باد می دهد

* جوانی است که پسر بچه سه ساله‌ای را ربوده و سپس به وی تجاوز نموده و به این هم اکتفا نکرده، آنرا خفه نموده و به قتل رسانیده است، بعداً که حقایق کشف گردیده معلوم شده که آن جوان اهل شرابخواری و مخدرات است.

* آن یکی، دختر بچه‌ایست که از خانه خود فرار و به خانه امام مسجد پناه آورده است، فرار از چه چیزی؟ از چه کسی؟ از پدری که شرابخوار است، و مدت بیست روز است که می خواهد با دخترش عمل فحشا انجام دهد.

* آن دیگری خانواده‌ایست که همیشه با رنج و مشکل زندگی می کنند. مادر و دخترانش هیچگاه از قتل و تجاوز خود در امان نیستند، شبها نمی توانند بخوابند مگر اینکه در اطاق را قفل و آنرا با وسایل سبک و سنگین محکم ببندند. ترس از چه؟ از چه کسی؟ از پسر مست و شرابخوار خانواده، که هر نصف شبی بسویشان می آید.

* دیگری خانواده‌ای که با ترس و وحشت و اضطراب از شهر خود به شهر دیگری فرار نموده‌اند. فرار از چه؟ از چه کسی؟ از دست پدر شرابخواری که همیشه مست است، و خانواده‌اش از

ترس او نه شب و نه روز از ناموس و خون خود در امان نیستند.
 * آن یکی شوهر مجرمی است که همسر و دختر هفت ساله و پسر پنج ساله‌اش را بقتل رسانده، و دست پسر سه ساله دیگرش را قطع نموده و به این جنایت هم اکتفا نکرده بلکه علاوه بر این تن آنها را نیز قطعه قطعه نموده است.

* حوادث، داستانها و داستانهای دیگری که هر روز وقوع آنها را در کشورهای غربی و کفر می‌شنویم. اما در تأیید، تصدیق یا تکذیب آن مانده‌ایم. «نمی‌دانیم باور کنیم یا نه؟» تا اینکه ناگاه جریان مشابهی در میان خود ما «در جامعه ما» روی می‌دهد و اثرات و آلام آنرا خود احساس می‌کنیم!!

چه بسیارند خانواده‌هایی که از دست پدر یا پسر منحرف خود که به گرداب این پلیدیها افتاده، روزانه زندگی خفت‌باری را می‌گذرانند. پلیدیها و خبائثی که انسان را به هیولایی درنده و وحشی تبدیل می‌کند بطوریکه همه اطرافیان از او در هراسند. و برای همه غم و آشفته‌گی و مصیبت و مشکل‌بار می‌آورد.

پس بیایید همه با هم برای از بین بردن و قطع ریشه این پلیدیها و خبائث همکاری کنیم. «برای ریشه کنی آن دست بدست هم دهیم».

مسکرات «مست کننده‌ها» تو را بسوی هر جرم و جنایتی

می‌کشانند

س ۱: آیا می‌خواهید در عرض چند روز زندگی خود و خانواده‌ات از دست بروی؟

س ۲: آیا می‌خواهید که مورد نفرت خدا واقع، و یا چیزی مورد نفرت «ملعون» را وارد شکم خود نمائید؟

س ۳: آیا می‌خواهید که هر چه بدی و رذائل و بلا یا و فقر و بیماریست بسویت سرازیر شود؟

س ۴: آیا می‌خواهید دروازه پلیدیها، بدیها و رذالت باشید؟

س ۵: آیا می‌خواهید که به درنده‌ای وحشی و جنایتکاری قاتل که پدر و مادر و همسر و فرزندان و اطرافیان خود را نیز می‌کشند تبدیل شوید؟

جواب: اگر به مسکرات و مواد مخدر تن دهی و بسوی آنها قدم برداری، همانا قطعاً پاسخ شما آری است.

بحق بدانید که همانا اسم خمر شامل همه انواع مسکرات «مست کننده‌ها» همه انواع مخدرات «مواد مخدر» تشفیط و همه انواع آن و تمامی آن چیزهایی است که به نحوی تعادل و توازن طبیعی عقل آدمی را بهم بزند و مختل نماید. حشیش، کوکائین،

هروئین، تریاک، مرفین، شمه، همه اینها نوعی از انواع مخدرات هستند.

پزشکان بیماریهای زیادی را که به علت نوشیدن مشروبات الکلی و استعمال مواد مخدر بوجود می‌آیند ذکر نموده‌اند. از جمله اتلاف کبد و کلیه، ضعیف نمودن عقل. و جسم و اعصاب، کاهش مقاومت بدن در برابر بیماریها و ابتلاء به بیماریهای مهلکی مانند سل و (سرطان)، و به نابودی کشاندن نسل بشر، ایجاد ضعف و ناتوانی عقلی و جسمی انسان و صدها نوع گرفتاری و مشکلات و بیماریهای دیگر که در کتابهای پزشکی به تفصیل بیان شده است.

تشفیط راهی است بسوی دیوانگی

تشفیط نوع کثیفی از مسکرات است که با استنشاق و مکیدن مواد شیمیایی بوجود می‌آید. این مواد شیمیایی سلولهای مغز را یکی بعد از دیگری نابود، تا اینکه عقل مصرف کننده «مشفط» را زائل و او را به دیوانگی دائمی دچار می‌کند. سلولهای مرده مغز نیز به هیچ وجه زنده و یا سلول دیگری جایگزین آن نمی‌شود. بیماریها و گرفتاریهای زیادی در مصرف این نوع ماده مخدر وجود دارد. که در کتابهای پزشکی به تفصیل بحث شده است.

مطالب زیر را بخوانید تا پلیدی و کيفر استعمال مسکرات و مخدرات را بهتر بشناسید.

۱- گناه کبیره است: خداوند می فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ﴾ (البقره: ۲۱۹).
«در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است».

۲- شراب پلید و از کارهای شیطان است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (المائدة: ۹۰).

«ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بتها و ازلام (نوعی بخت آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!».

۳- خمر ملعون و نفرت شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْخَمْرَ». الحاکم. پیامبر ﷺ می فرماید: خداوند خمر را لعنت نموده.

پس چگونه آنرا تناول می نمائید؟

۴- هر کس به شراب علاقمند باشد ملعون است: «لعن الله في الخمر عشرة عاصرها ومعتصرها وشاربها وحاملها والمحمولة إليه»

وساقیها وبائعها وأكل ثمنها والمشتري لها والمشتره له». (الترمذی وابن ماجه).

رسول اکرم ﷺ ده صنف را که در کار مشروبات الکلی دخالت دارند لعنت کرد. ۱- کسیکه انگور را جهت شراب بفشارد ۲- کسیکه برایش فشرده شود، و برایش ساخته شود ۳- کسیکه آنرا می‌نوشد ۴- کسیکه آنرا حمل می‌کند ۵- کسیکه برایش حمل می‌شود. ۶- کسیکه آنرا به دیگران تعارف می‌کند ۷- کسیکه آنرا می‌فروشد ۸- کسیکه پول آنرا دریافت دارد ۹- کسیکه آنرا خریداری کند ۱۰- کسیکه برایش خریداری شود.

۵- هر مسکری «مست کننده‌ای» حرام است: «کل مسکر خمر وکل خمر حرام». (مسلم).

هر مست کننده‌ی شراب است، و هر شرابی حرام است. ۶- نوشیدن عصاره اهل جهنم: «إِنَّ عَلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ عَهْدًا لِمَنْ يَشْرِبُ الْمُسْكِرَاتِ لَيْسَقِيَهُ مِنْ طِينَةِ الْخَبَالِ. فَقَالُوا وَمَا طِينَةُ الْخَبَالِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: عَرَقُ أَهْلِ النَّارِ، أَوْ عَصَارَةُ أَهْلِ النَّارِ». (مسلم). خداوند عهد نموده که هر کس شراب مسکر بنوشد طینه الخبال را به وی بنوشاند. عرض کردند یا رسول الله طینه الخبال چیست؟ فرمود عَرَقُ جَهَنَّمِیان است.

۷- نوشیدن آب جوش جهنم: «أَقْسَمَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِعِزَّتِهِ لَا يَشْرَبُ عَبْدٌ مِنْ عِبِيدِي جُرْعَةً مِنْ خَمْرٍ إِلَّا سَقَيْتَهُ مَكَانَهَا مِنْ حَمِيمٍ جَهَنَّمَ». (أحمد).

خداوند به عزت و جلال خود قسم خورده که هر کس از بندگانش جرعه‌ای خمر «شراب» بنوشد خداوند بجای آن از آب جوش عرق جهنمیان بوی می‌نوشاند.

۸- نوشیدن از رودی که از مجرای ادرار زنان فاحشه جاری می‌شود: «مَنْ مَاتَ مَدْمَنًا لِلْخَمْرِ سَقَاهُ اللَّهُ جَلَّ وَعَلَا مِنْ نَهْرِ الْغَوْطَةِ قِيلَ وَمَا نَهْرُ الْغَوْطَةِ، قَالَ: نَهْرٌ يَجْرِي مِنْ فُرُوجِ الْمُؤْمِسَاتِ يُؤْذِي أَهْلَ النَّارِ رِيحٌ فَرُوجُهُمْ». (أحمد، ابن حبان و ابویعلی و الحاکم).

کسیکه بمیرد و دائم الخمر «شرابخوار دائمی» باشد خداوند وی را از رود غوطه می‌نوشاند. گفته شد که رود غوطه چیست؟ فرمود رودی است که از شرمگاه زنان فاحشه جاری و جهنمیان از بوی آن در عذابند.

۹- از دست دادن ایمان: «لَا يَشْرَبُ الْخَمْرَ حِينَ لِيَشْرَبَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ، وَالتَّوْبَةُ مَعْرُوضَةٌ بَعْدَ». (مسلم).

شرابخوار به هنگام نوشیدن شراب مؤمن نیست و توبه نیز از

وی رویگردان است. یعنی در آنوقت در توبه هم از او بسته شده است.

«من زنی أو شرب الخمر نزع الله منه الإيمان». (الحاکم).

کسیکه مشروب می‌خورد یا زنا می‌کند خداوند در آن هنگام ایمان را از وی می‌گیرد.

۱۰- داخل بهشت نمی‌شود: «ثلاثة لا يدخلون الجنة: العاق

لوالديه والمدمن على الخمر، والمنان». (النسائی والحاکم).

سه طایفه وارد بهشت نمی‌شوند: ۱- آزار دهنده پدر و مادر،

۲- مشروب خوار دائمی، ۳- منت گذار «کسیکه نیکی و خدمتی

را که به دیگری کرده بر او منت می‌نهد و به رُخ او می‌کشد».

۱۱- از شراب طهور نمی‌نوشد: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا، ثُمَّ

لَمْ يَتُبْ مِنْهَا، حُرِمَهَا فِي الْآخِرَةِ». (بخاری: ۵۵۷۵).

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس، در

دنیا شراب بنوشد و از آن، توبه نکند، از شراب آخرت، محروم

خواهد شد».

۱۲- شراب درد و بیماری است: «إِنَّهَا لَيْسَتْ بِدَوَاءٍ وَلَكِنهَا دَاءٌ».

(مسلم).

براستی شراب درمان نیست، بلکه درد و مَرَض است.

۱۳- خرید و فروش آن حرام است: «إِنَّ الَّذِي حَرَّمَ شَرِبَهَا، حَرَّمَ بِبَيْعِهَا». (مسلم).

براستی کسی که نوشیدن آن حرام کرده، داد و ستد آن نیز حرام کرده است.

۱۴- نوشیدن آن از علائم آخرت است: «إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ: أَنْ يُرْفَعَ الْعِلْمُ وَيَثْبُتَ الْجَهْلُ وَيُشْرَبَ الْخَمْرُ وَيُظْهَرَ الزَّوْنُ». (بخاری: ۸۰).

رسول الله ﷺ فرمود: «از جمله نشانه‌های قیامت این است که جهل و نادانی فراگیر خواهد شد و علم و دانش از بین خواهد رفت. و زنا و شراب خواری آشکار و علنی انجام خواهد گرفت».

۱۵- مسکرات «ام الخبائث» ریشه پلیدیهاست: «قال عثمان رضي الله عنه: فَاجْتَنِبُوا الْخَمْرَ فَإِنَّهُ وَاللَّهِ لَا يَجْتَمِعُ وَالْإِيمَانُ أَبَدًا إِلَّا يُوْشِكُ أَحَدُهُمَا أَنْ يُخْرَجَ صَاحِبُهُ». (النسائي).

از عثمان رضي الله عنه نقل شده است که: از شرابخواری بپرهیزید. که شراب ریشه و مادر پلیدیهاست. قسم به خدا شرابخواری و ایمان با هم در یک فرد جمع نمی‌شوند مگر اینکه یکی از آنها دیگری را از جسم بیرون کند «یعنی یکی از این دو: یا ایمان یا شرابخواری».

۱۶- حرام بودن نشستن در مجلس شراب و شرابخواران: «من

كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يقعدنَّ على مائدة يدار عليها بالخمير». (الترمذی و الحاکم).

کسیکه به خدا و روز قیامت ایمان دارد نباید بر سفره‌ای بنشیند که بر روی آن خمر گذاشته شده است.

۱۷- شراب کلید و دروازه هر بدی است: «لا تشرَب الخمر فإِنَّها مفتاح کل شر». (ابن ماجه).

شراب ننوشید که همانا دروازه و کلید هر بدی و فساد است.

۱۸- ریشه و مبنای هر خطا و گناهی است: «لا تشرَبوا الخمر فإِنَّها رأس الخطایا کلها». (الطبرانی).

شراب ننوشید که ابتدا و ریشه هر گناهی است.

۱۹- شروع سر هر کار زشتی است: «لا تشرَبن خمرأ فإِنَّها رأس کل فاحشه». (الحاکم).

«شراب ننوشید که بحقیقت شروع کننده و ابتدای ورود به هر کار زشتی است».

۲۰- راه گمراهی و فریبکاری است: «أما أنک لو أخذت الخمر غوت أمتک». (مسلم). (حدیث قدسی).

در شب اسراء خطاب به رسول الله ﷺ است که: همانا اگر شراب را انتخاب می‌کردی امت تو منحرف می‌شدند.

۲۱- شرابخوار تا چهل روز نمازش قبول نیست: «من شرب الخمر فسکر لم تقبل له صلاة أربعين صباحاً فإن مات دخل النار. فإن تاب تاب الله عليه». (الترمذی و الحاکم و ابن حبان).

کسیکه شراب بخورد و مست شود تا چهل روز نمازش قبول نیست. پس اگر بمیرد به دوزخ می رود، و اگر توبه کند توبه اش مورد قبول خداوند واقع می شود.

۲۲- شرابخوار اگر بمیرد مرگ او مرگ جاهلیت است: «قال عبدالله بن عمر رضی الله عنهما إنَّ أعظم الكبائر شرب الخمر: إنَّ النبي صلی الله علیه و آله و سلم قال: ما من أحد يشربها فتقبل منه صلاة أربعين ليلة ولا يموت وفي مثانته منه شيء إلاَّ حرَّمت بها عليه الجنة فإن مات في أربعين ليلة مات ميتة جاهلية». (الطبرانی الحاکم).

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می گوید: همانا نوشیدن شراب بزرگترین گناه است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: کسیکه شراب می نوشد تا چهل روز «اگر توبه نکند» نمازش قبول نیست، اگر بمیرد و در مثانه او چیزی از شراب وجود داشته باشد، بهشت بر وی حرام، و اگر در آن چهل روز فوت کند، بر دین جاهلیت مرده است.

۲۳- نوشنده شراب روز قیامت تشنه خواهد آمد: «من شرب

الخمير أتى عطشان يوم القيامة». (أحمد وأبو يعلى).

کسیکه شراب بنوشد، روز قیامت بسیار تشنه خواهد بود: (در حالی وارد قیامت می‌شود که بسیار تشنه است).

۲۴- برای امام مسلمانان جاز است شرابخوار را بقتل برساند:

«من شرب الخمر فاجلدوه فإن عاد في الرابعة فاقتلوه». (الترمذي).

شرابخوار را تازیانه بزنید، اگر برای بار چهارم تکرار کرد آنرا بقتل برسانید.

۲۵- هر مسکری «مست کننده‌ای» با اینکه تغییر نام داده شده

باشد شراب است:

«لَيْشُرَّيْنِ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرُ وَيُسَمُّوْنَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا». (الترمذي).

گروهی از امت من شراب می‌نوشند و نام دیگری بر آن می‌نهند.

۲۶- اجرای حد و زدن تازیانه به نوشنده شراب لازم است:

«قال علي بن أبي طالب جلد النبي ﷺ أربعين و جلد أبوبكر أربعين

و عمر ثمانين وكل سنة». (مسلم).

علی بن ابی طالب می‌گوید: پیامبر ﷺ چهل تازیانه، و ابوبکر

ﷺ چهل تازیانه، و عمر ﷺ هشتاد تازیانه به شرابخوار می‌زدند. و

همه آنها سنت هستند.

(دخانیات «سیگار» با ایجاد بیماریهای مهلک تو را بسوی مرگ می کشاند).

از سیگار، این ماده پلید، کثیف و کشنده پرهیز کنید. این ماده سمّی بعد از آنکه اثرات بسیار مخربی بر مصرف کننده می گذارد صاحب خود را «چون قادر به ترک آن نیست» خانه نشین و بدامن پدر و مادرش می اندازد. «محتاج می گرداند» اعتیاد به سمهای این ماده کافی است تا فرد به بیماریهای مهلک و غیرقابل علاجی مبتلا شود، بوی بد آن همه جا را آلوده، جسم و قلب و ریه و صورت آدمی را سیاه می نماید. بنابراین از مصرف این ماده خطرناک قبل از نزول عذاب و فرا رسیدن مرگ توبه کنید و بطرف خدا بازگردید.

حقیقتاً سیگار علاوه بر اینکه هیچ نفع و فائده ای ندارد، پیامدهای شوم و زیانبار، بیماریهای فراوان و زیانهای بیشمار آن برای همه جهانیان ثابت و تمام مردم بر آن اتفاق نظر دارند، سالیانه بیش از (۲,۵۰۰,۰۰۰) نفر در جهان به علت بیماریهای ناشی از مصرف سیگار به بدترین شیوه جان خود را از دست می دهند. وزارت بهداشت عربستان در سال ۱۴۰۲ هـ جمله هشداردهنده زیر را جهت نصب پر روی پاکتهای سیگار تصویب نمود.

(مصرف دخانیات عامل اصلی سرطان و بیماریهای ریه و قلب و عروق است) مصرف دخانیات علاوه بر اینکه موجب ابتلاء به انواع سرطانها مانند سرطان ریه، دهان و دهها نوع بیماری ریه و قلب و عروق، سل ریه‌ها، سکته قلبی می‌گردد، بلکه بیماریهای بیشمار دیگری مانند بیماریهای کبد، زخم معده و اختلال در دستگاههای تنفسی و عصبی و خونی و گوارش و غیر آن را نیز به همراه دارد.

«ذکر این همه زیان برای سیگار» جای تعجب نیست چراکه اساس و ریشه اصلی دخانیات ماده تنباکو است، و آن ماده‌ای مخدر «بی‌حس کننده اعصاب»، سست کننده اعصاب و کشنده می‌باشد که شامل (۶,۸۰۰) ماده مضر است. از جمله ماده‌های سمی موجود در آن نیکوتین، اکسیدکربن، اکسید نیتروژن و قطران «ماده سمی سیاه رنگ» می‌باشند که قویترین آن نیکوتین است، که ماده‌ای سمی و دارای عناصر بی‌حس کننده و سست کننده اعصاب است که اگر یک میلی گرم آن از طریق رگ تزریق شود فوراً انسان را می‌کشد. همچنین ماده قطران سرطانزاست. بررسیهای بعمل آمده و حقایق کشف شده در مورد زیانهای سیگار ما را بر آن می‌دارد که قاطعانه اعلام کنیم استعمال دخانیات «تدخین» مخدر حقیقی است، بلکه از مخدرات بسیار قوی برای

کشتن ناگهانی انسان می‌باشد.

کدام نوع بیماری را در فرد سیگاری سراغ دارید که سیگار در ابتلاء به آن بی‌تأثیر باشد؟

معسل و قلیان راه تو بسوی سرطان

بدانکه همانا یک سنگ «چند گرم معادل نیم جو» از آن، معادل کارکرد (۱۵) نخ سیگار است. تنها یک جراک «پیمانه» آن پانزده درصد ۱۵٪ تنباکوی خالص است. بلکه معسل تنباکوی خالص است که با مقدار زیادی از انواع مواد سرطان‌زا مانند رنگها و بوها و مواد شیمیایی پخته شده و تخمیر شده مخلوط می‌شود. از موادی که با معسل مخلوط می‌شود مثلاً ماده گلیسیرین است که استعمال و بکار بردن آن موجب استنشاق ماده خطرناکی است که باعث ابتلاء به سرطان می‌شود، ماده دیگری که با معسل مخلوط می‌شود ماده اکریلین است که ماده‌ای سمی، زهرناک و کشنده است که حتی تماس و دست زدن به آن بسیار خطرناک است، چه رسد به استنشاق و استفاده از آن!!! تمام آنچه در مورد مضرات سیگار بیان شد شامل معسل نیز می‌باشد.

این خبائث و مواد ناپاک از کجا به میان ما آمده‌اند

این مواد ناپاک و خبیث از طریق سفرهای خارج، دوستان ناباب خائن، تساهل و سهل‌انگاری در ابتدای شروع «کشیدن پُک» اول از سیگار یا سایر مواد» و سپس ادامه دادن و بعد حسرت و پشیمانی به میان ما آمده و ما را مبتلا نموده است.

[این بلای خانمانسوز ره‌آورد استعمارگران و دشمنان دین و بشریت است، قطعاً شیوع مواد مخدر و مشروبات الکلی یکی از دسیسه‌های مهم استعمار غرب است] این دشمنان، با اشاعه و انتشار این مواد ناپاک در میان ما قدرت این را پیدا خواهند نمود که دین و امنیت و اخلاق و خوشبختی ما را تاراج و ما را به جانورانی وحشی «که فقط بفکر لذات زودگذر باشیم» تبدیل نمایند. پس برای مقابله با دشمنان و حفظ عظمت و توان و دین و حیثیت خود باید از نزدیکی به این خانواده خبیث و پلید که بجز بدی و شرّ و بدبختی چیزی را به ارمغان نمی‌آورد دروی جسته و بشدت پرهیز نماییم. مخدرات پدر پلیدیها، مشروبات مادر پلیدیها و سیگار نیز فرزند پلید آنهاست.

بیائید به مقابله با این خبائث برخیزیم و به کمک از بین برندگان و مشاورین ترک اعتیاد بشتابیم. به امید خدا.

خانواده خبیثه‌ای که جامعه ما را به نابودی می‌کشاند

پنج نوع ناپاکی «مواد ناپاک» وجود دارند که استعمال آن‌ها، خرید و فروش آن‌ها، توزیع و تجارت‌ها آن‌ها حرام است، حرام است، حرام است: ۱- مخدرات «مواد مخدر» ۲- مسکرات «مست کننده‌ها» ۳- تشفیط: «نوعی مسکر که با استشمام بوجود می‌آید» ۴- دخان «سیگار» ۵- شیشه «قلیان» این پنج ماده ناپاک که در جامعه ما نفوذ کرده قطعاً اشاعه آنها زندگی ما را تباه و خوشبختی و سعادت ما را از بین می‌برد. این مواد خطرناک: چه بسیار خانواده‌ها که متلاشی نمود؟ چه جوانها که به نابودی کشانید. چه جرم و جنایاتی که سبب آن گردید.

چه بسیار جوانها، پدران، پسران و دخترها را به زندانها و بیمارستانها و قبرستانها افکنده، چه ... چه ... و چه ... آری ریشه و اساس همه گرفتاریها، و منشأ رنج و بدبختی و بیکاری و فقر در جامعه می‌باشند.

راهی است بسوی تباهی و هلاک، و فروریختن همه جوانب زندگی انسان.

جنبه خانوادگی، سلامت بدنی، عقلی، جسمی و روحی، مالی، کاری وطن دوستی و غیره. و این هم تکرار داستانی دیگر برای سیگاریها.

داستان مرگ آن جوان چیست؟ چگونه است؟

سن او چهل سال و دارای شش فرزند بود. به سیاه سرفه مبتلا شد و هر روز سرفه‌اش شدیدتر می‌شد. ابتدا فکر کرد سرفه معمولی است، بعد از مدتی شروع کرد به استفراغ خون. بلافاصله شتابان بسوی بیمارستان رفت آشکارا و بی‌پرده به وی گفتند مبتلا به سرطان ریه است. عاجزانه دست بدامن آنها شد تا تمام تلاش خود را برای معالجه‌ی وی بکار گیرند. به آنان وعده داد که دیگر به سیگار برنگردد. اما چه فایده بعد از چهار ماه فوت نمود و فرزندان‌ش را یتیم گذاشت.

مصرف سیگار بزرگترین قاتل ماست.

نشریه ریاض شماره (۱۲۷۵) مورخ ۱۴۲۴/۳/۲۲ هـ بیان نمود که مرگ و میر ناشی از مصرف سیگار در عربستان سالیانه بیست و سه هزار «۲۳,۰۰۰» نفر است و این دولت با وارد نمودن (۱۵) میلیارد نخ سیگار در سال به ارزش (۶۳۶) میلیون ریال چهارمین وارد کننده سیگار در جهان است.

نزدكترين راه بسوى بهشت

ترجمه: أقرب الطرق إلى الجنة

تهيه: قسم علمى دار الوطن

از شما برادر عزیز سؤال می‌کنم: که آیا بهشت را می‌خواهی؟ پاسخ داد: چه کسی است که خواهان بهشت نباشد؟ کیست که خوشی و نعمت پایدار را نخواهد؟ چه کسی است لذات دائمی، پیاپی و پایان‌ناپذیر را طالب نباشد. گفتم پس چرا کارهای نیک انجام نمی‌دهید تا وارد بهشت شوید و از لذتهای آن بهره‌مند شوید؟ گفت همانا راه بهشت دشوار، طولانی، پر از گردنه و خار و صعب‌العبور است و برای فردی مانند من ضعیف مشکلات و سختیهای این راه تحمل‌ناپذیر است. گفتم برادرم تو که نمی‌توانی بر طاعت خدا دوام آورده و صبر نمایی و قادر بر خورداری و صبر از انجام گناه و نافرمانی خدا نیستی؟ پس اگر خدای ناکرده اهل آتش گردی در آنجا چگونه تاب تحمل آتش دوزخ را خواهید داشت؟

گفت: این امر «سؤال و جواب» مرا از جا برگزیده تکان داد و در حیرت و سرگردانی فرو برد اما نمی‌دانستم چکار کنم و از کجا شروع نمایم در حالیکه مسیر طولانی را در راه انجام گناه و معصیت و محرمات طی نموده بودم «گناهان زیادی انجام داده بودم» گفتم برای رسیدن به بهشت شما را به راه بسیار کوتاهی راهنمایی می‌کنم.

راهی ساده و آسان، بدون رنج و خستگی که در آن هیچ فشار و مشکلی نیست.

گفت: مرا راهنمایی کن که خدا خیرت دهد، من همواره بدنبال چنین راه ساده آسانی «برای بهشت» هستم.

گفتم این راه هموار و آماده را امام ابن القیم رحمته الله در کتاب خود بنام «الفوائد» بیان نموده است. در آن کتاب می گوید:

از نزدیکترین و آسانترین راه، بدون رنج، خستگی و سختی برای همسایگی با خدا در بهشت بطرف او بیایید. بشتابید. «راه این است دقت کنید» تو در زمانی واقع شده‌ای که در بین دو زمان گذشته و آینده قرار گرفته، و آن در واقع عمر کنونی شماست، یعنی زمان فعلی و حاضر، تو می‌توانی گذشته خود را بوسیله توبه و پشیمانی و استغفار و طلب بخشش از خداوند اصلاح نمایی که این کار هیچگونه سختی و مشقتی ندارد، و کارکرد مشکلی نمی‌خواهد، بلکه عملی قلبی است.

«برای آینده» از این به بعد یعنی در آینده از انجام گناه و نافرمانی خدا امتناع، خودداری و پرهیز نمائید. خودداری تو از معصیت نیز آسایش و آسودگی است.

کار با اندامها و اعضاء بدن نیست که انجام آن برایتان مشکل باشد.

بلکه عزم و اراده و تصمیم قاطعی را می‌خواهد. که این تصمیم جسم و جان و درون و وجدان شما را آسوده و راحت می‌نماید. پس گذشته را با بازگشت و پشیمانی از گناه و آینده را «آنچه در پیش است» با عزم و اراده و پرهیز از معصیت و «عمل صالح» اصلاح نمائید.

که در انجام هیچیک از این دو «اصلاح گذشته و پرهیز در آینده» برای اندامها و اعضای جسم خستگی و سختی و مشکلی وجود ندارد.

اما حال و وضعیت تو در دوران حیات: زمانی است بین گذشته و آینده که اگر این زمان را هدر دهی «و از این فرصت استفاده نکنی» رهایی، سعادت و خوشبختی خود را از دست داده‌ای «ضایع گردانیده‌ای» و اگر با اصلاح گذشته و آینده به روش مذکور از آن استفاده نمایی راه نجات و رهایی را یافته و آسایش و لذت و نعمت را بدست آورده‌اید.

خاتمه

این همان راه ساده بهشت است. توبه از گذشته، عمل صالح و ترک گناه در آینده. فرمایشی از رسول اکرم ﷺ را در این رابطه بتو یادآور می‌شوم. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ أَبَى». قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ يَأْبَى؟ قَالَ: «مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى». (بخاری: ۷۲۸۰).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: «همه امتیان من وارد بهشت خواهند شد مگر کسی که امتناع ورزد». صحابه عرض کردند: ای رسول خدا! چه کسی امتناع می‌ورزد؟ فرمود: «هرکس که از من اطاعت کند، وارد بهشت می‌شود و هر کس، از من نافرمانی کند، در حقیقت، امتناع ورزیده است».

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «الْجَنَّةُ أَقْرَبُ إِلَيَّ أَحَدِكُمْ مِنْ شِرَاكِ نَعْلِهِ، وَالنَّارُ مِثْلُ ذَلِكَ». (بخاری: ۶۴۸۸).

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: نبی اکرم ﷺ فرمود: «بهشت و دوزخ از بند کفشهایتان به شما نزدیکتراند».

«یعنی هر لحظه احتمال رسیدن مرگ وجود دارد که در اثر آن یا بهشت و یا دوزخ نصیب آدمی شود».

غمگین مباش

دعاهایی که غم و غصه و اندوه را برطرف می‌کند.

ترجمه: لا تحزن

أدعية الكرب والههم والحزن

اعداد القسم العلمي بدار الوطن

آماده نمودن گروه علمی دارالوطن

دعاهایی که غم و غصه و اندوه را از بین می‌برد

برادر و خواهر مسلمان ادعیه و اذکاری از پیامبر ﷺ بما رسیده که اگر به هنگام بروز مشکلات، غم و غصه و اندوه خوانده شود تمام غصه‌ها را برطرف، و دل را شادمان، و به نور ایمان آنرا روشن می‌نماید.

برادر و خواهر مسلمانم بر یادگیری این دعاها بخصوص هنگام غمگین شدن و بروز اندوه و مشکلات حریص باش. بعضی از دعاها بدین شرح است.

۱- ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: رسول الله ﷺ هنگام اندوه و پریشانی می‌فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَرَبُّ الْأَرْضِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ». (بخاری: ۶۳۴۶).

یعنی هیچ معبودی بحق جز خدای بزرگ و بردبار، وجود ندارد. هیچ معبودی بحق جز الله که پروردگار عرش بزرگ است، وجود ندارد. هیچ معبودی بحق جز الله که پروردگار آسمانها و زمین و عرش گرانبها است، وجود ندارد.

۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ

فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ: أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حَزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي». (أخرجه أحمد وصححه ابن القيم وابن حجر).

«خداوندا! همانا من بنده تو و فرزند بنده و کنیز توام، زمام امورم در دست تو و وجودم در کانال تقدیر تو سیر می‌کند، تقدیر تو در مورد من عین عدالت است. تو را به همه اسم‌هایی می‌خوانم که از آن توست و تو آنها را بر خود نهاده‌ای، یا آنها را در کتاب خودت [قرآن] نازل فرموده‌ای، یا آن را به یکی از بندگان آموخته‌ای و یا علم به آن را مخصوص خود گردانیده‌ای، [از تو می‌خواهم] که قرآن را بهار قلب من، نور سینه‌ام، روزنه امید و روشنایی اندوهم و [وسیله] رفع ناراحتی‌ام قرار دهی».

3- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ: مِنْ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَأَعُوذُ بِكَ: مِنْ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَمِنَ الْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ: مِنْ غَلْبَةِ الدِّينِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ». (متفق علیه).

«خداوندا! از غم و اندوه، ناتوانی و سستی، بخیلی و ترسوئی، ماندن به زیر قرض و تسلط مردان [ظالم] به تو پناه می‌آورم».

4- «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو، فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ

لِي شَأْنِي كُلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». (رواه أحمد وأبو داود وحسنه الألباني).

«خداوندا! چشم به رحمت تو دارم، پس مرا یک چشم برهم زدن به حال خود رها مکن، و همه امورم را اصلاح نما، [که] هیچ معبودی بحق جز تو نیست».

5- «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا». (أحمد وأبو داود وصححه الألباني).

الله پروردگار و خدای من است هیچ شریکی برای او قرار نمی‌دهم.

در روایتی دعا اینطور آمده الله ربی لا شریک له. الله پروردگار منست و شریکی ندارد.

6- «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ». (رواه الطبرانی وحسنه الألباني).

«ای زنده پا برجا! از رحمت تو درخواست یاری می‌کنم».

7- «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ». (رواه أحمد

والترمذی وصححه الألبانی).

«(خداوندا!) هیچ معبودی به «بحق» جز تو وجود ندارد، پاک و منزّه هستی و من از زمره‌ی ستمکاران بودم».

8- «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَنْتَ الْمَنَّانُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ». (أبو داود وصححه الألباني).

«خداوندا! ستایش شایسته توست [زیرا که] جز تو معبودی بحق نیست، ای آفریننده آسمانها و زمین! ای بزرگوار و ارجمند! ای زنده پا برجا! تو نیکوکار [و بخشنده‌ای]». ۹- «اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

«خداوندا! تو معبود یگانه و برطرف کننده نیازها هستی، نزاده و زاده نشده‌ای، و کسی همتای تو نیست».

پیامبر ﷺ فرموده کسیکه بوسیله این دعا و دعای قبل از آن (شماره ۸) چیزی را از خدا بخواهد مثل اینست که از خداوند بوسیله اسم اعظم چیزی خواسته باشد. (اگر کسی بوسیله اسم اعظم چیزی را از خدا بخواهد و دعائی بکند دعایش قبول و حاجتش برآورده می‌شود).

10- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ. سُبْحَانَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (أحمد والحاكم وصححه ووافقه الذهبي).

هیچ خدایی بحق جز الله مهربان و با گذشت نیست. شکوه و عظمت و مبارک بودن از آن اوست. پروردگار عرش عظیم. سپاس و ستایش لایق پروردگار عالمیان است.

۱۱- ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾. (بخاری).

«خداوند برای ما کافی است و او بهترین، کارساز است».
 این ذکر در امور مهم خوانده می‌شود. «هنگام وقوع رویداد مهمی
 این ذکر را بخوانید».

12 - «اللَّهُمَّ إِنَّا نَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنُعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ».

(رواه ابوداود).

«خداوندا! به [کمک تو] بر آنها [دشمنان] می‌تازیم و از شرشان
 به تو پناه می‌آوریم».

دروازه بديها يا كلید گناهان كبيره.

حكم ياوه سرائی

ترجمة: مفتاح الفواحيش

نشریه دار ابن الأثير

با اضافات و تعليقات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على نبينا الهادي
 الأمين وعلى آله وصحبه المرئيين وعلى جميع أمته الصالحين.
 سپاس بیکران مخصوص خداوند جهان است، و درود و سلام
 بر پیامبر ما محمد هادی امین، نشان دهنده راه حق و امینی در
 تبلیغ پیام قرآن مجید، و بر آل و یاران او باد.
 سپس باید دقت کرد که بدون تردید بزرگترین بلائی که در
 حال حاضر مسلمانان به آن مبتلا شده‌اند «غناء» «بکسر حرف اول:
 ساز» و آوازی است که افسون زنا و کلید زشتیهای بی حد
 «فواحش - کبائر» است، هرگاه در قلب جای‌گزین شد و آن را
 تسخیر نمود آنگاه گناه = تمرد از امر حق تعالی سبک و اقدام به
 آن آسان می‌گردد. ساز و آواز خلاف شرع اولین دروازه پستی و
 فرومایگی می‌باشد. هرکس به آن وارد شد داخل شدن باب تمام
 رذائل بر او سهل می‌گردد. غنا افسون همجنس بازی و زنا است.
 وسیله آن افراد فاسق غایت کام خود را از معشوق فاسق خود
 می‌گیرند. شیطان عناصر فاسد را به آن فریب دهد و با مکر و
 حیل و نیرنگ آنرا تحسین، و شبه‌های بیهوده را بر زیبایی آن به

ایشان الهام می‌نماید. و این نفوس باطله بلافاصله الهام شیطان را قبول می‌کنند. به همین سبب قرآن را مهجور قرار می‌دهند، و استماع و قرائت و تعلیم و تعلّم آن را که موجب رضای خداوند متعال است ترک می‌نمایند. آری غنا یکی از اسباب بیماریهای روانی دل است. چون از عشق و عاشقی، و کلمات جنسی که بشدت شهوت جوانان را تحریک نموده و آنها را به رذیله گناه ترغیب، و به سوی آن سوق می‌دهد، سخن می‌گوید.

شنیدن سوت و دستک زدن و غنا به آلات «ابزار و دستگاههای موسیقی» حرام از نیرنگها و تور شکارگاههای دشمن خدا «شیطان» است که افراد کم بهره از علم و عقل و دین را به آنها فریب داده و دلهای نادانان و نادرستان را وسیله آنها شکار می‌کند، و بر فسوق و عصیان «خروج از فرمان خدا و نافرمانی» به صورت ماندگار قرار می‌دهد، تا از قرآن حکیم جلوگیری نماید. نگذارد مورد استفاده دین و دنیای بندگان خدای متعال قرار گیرد. غنا از لهُو حدیث «گفته سرگرم کننده» است که از اسباب گمراهی و دوری متکبران از شنیدن آیات خدای تعالی «قرآن مجید» است. حق تعالی فرموده است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝۶﴾ وَإِذَا تُلِيَتْ

عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلِيُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرَهُ بِعَذَابٍ
 أَلِيمٍ ﴿٧﴾ (لقمان: ۶-۷).

«و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است. و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌گرداند، گویی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوشه‌هایش سنگین است! او را به عذابی دردناک بشارت ده!».

کلمه من یشتري در آیه شریفه شامل تمام مشتریان خریدار و رغبت‌کنندگان و علاقه‌مندان لهوالحدیث می‌باشد. و لهو حدیث، به گفتارهای غافل‌کننده دل و مانع از بدست آوردن مطالب مهم و اهداف عالیّه دین و دنیا تفسیر شده است. بنابراین چنانکه علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی رحمته الله در تفسیر همین آیه گفته است: ۱- گفتارهای حرام. ۲- هر چه لغو و باطل و هرزه باشد از اقوال ترغیب‌کننده بر کفر و فسوق و عصیان. ۳- اقوال کسانی که می‌خواهند حق را مردود نشان دهند و بیهوده جدال کنند تا به خیال باطل و زعم کاذب حق را باطل ارائه دهند. ۴- غیبت. ۵- نیمیت. ۶- دروغ. ۷- دشنام. ۸- غناء «مزامیر شیطانی» همان ساز

و آواز و ترانه‌های بیهوده. ۹- نقل یا ارائه ماجراهای بی‌فائده غفلت‌آور فاقد فوائد دنیا و آخرت عموماً داخل لهوالحدیث می‌باشند.

* آری این نوع مژده عذاب بشارت اهل شر است که مشتریان ساز و آواز و لهو حدیث از زمره آنها هستند. اما مژده اهل خیر و پرهیزکنندگان نیکوکار مؤمنی در دو آیه هشتم و نهم همین سوره مبارکه نازل شده است. که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ النَّعِيمِ ۝۸ خَلِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۹﴾ (لقمان: ۸-۹).

«(ولی) کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، باغهای پر نعمت بهشت از آن آنهاست؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزیز و حکیم».

مفسرین و مؤلفین اسباب النزول آیات فرموده‌اند: این دو آیه (۶-۷) سوره لقمان که مشتریان لهوالحدیث و تضلیل و انحراف سپس مژده عذاب آنها در آن مذکور است، درباره نضر بن الحارث دشمن سرسخت رسول الله ﷺ نازل شده. این مرد کافر جهت تجارت مسافرت‌هایی به بلاد فارس و مستعمرات آن داشته است و کتابهای افسانه و حکایت پادشاهان عجم را می‌خرید و به مکه می‌آورد، و بر مشرکین عرب می‌خواند و می‌گفت: «نعوذ بالله»

آنچه محمد (ﷺ) آورده است از این است. و افسانه‌های رستم و اسفندیار و فارسی و روم می‌خواند و عربها را اشغال می‌کرد و نمی‌گذاشت به قرآن و تبلیغ رسول الله ﷺ گوش فرا دهند. و گفته‌اند: در شأن کسانی که کنیزان آوازخوان را می‌خریدند و مردم را به آواز و أَلْحَان آنها از شنیدن و فهم کلام خدا باز می‌داشتند نازل شده. به روایت طبری همان نصر بن الحارث وسیله تشکیل مجالس میگساری و احضار نوازندگان و کنیزان رامشگر، کسانی را که قصد ایمان آوردن داشتند پشیمان می‌کرد و به ساز و آواز معتاد می‌نمود. به هر صورت در این دو آیه کریمه سوره لقمان مانند بسیاری از سوره‌های دیگر قرآن هر چند سبب نزول خاص است، اما آیه عمومیت دارد و شامل هر کسی است که به وجهی از وجوه دارای شرائط مورد النزول باشد. علیهذا هر کس در هر کسوه و لباسی در هر عصر و زمانی و در هر موضع و مکانی مشتری و راغب و دوستدار و علاقه‌مند لهوالحدیث «بمعنی عام آن» باشد هرچند به ظاهر مؤمن و مؤمن‌زاده معروف گردد از این جهت «جهت خریداری» منحرف و منحرف‌کننده است، و این نعمت بزرگ وقت عزیز خود را به جهالت و آواز و رقص و پایکوبی که پیشه جاهلیت است، صرف کرده است.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً﴾ (الأنفال: ۳۵).

«(آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم)، نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان!».

و مانند کافران تلاوت آیات قرآن در آنان تأثیر ندارد. چون شیطان ملعون توسط مزامیر خود ایشان را دعوت می‌کند و از قرآن مجید دور نگهدارد. آری غنا از جمله یاهو و بیهوده و پوچی است که اعراض از آن و پرهیز جدی از آن برای هر مسلمانی ضروری است. ای برادر و خواهر مسلمان یکدم بخود آی و ببین به چه کسی؟ به چه دل بسته‌ای؟ با که هم‌نفسی؟

حق تعالی در سوره قصص آیه در تعریف مؤمنین که به تلاوت کلام خدا گوش دل داده‌اند و ایمان آورده‌اند می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلِّمْ عَلَيْكُمْ لَا تَبْغِي الْجَاهِلِينَ﴾ (القصص: ۵۵).

«و هرگاه سخن لغو و بیهوده بشنوند، از آن روی می‌گردانند و می‌گویند: «اعمال ما از آن ماست و اعمال شما از آن خودتان؛ سلام بر شما (سلام وداع)؛ ما خواهان جاهلان نیستیم!».

به هر کس مجازات عملش داده شود. آری مؤمنان از کردار و گفتار بی فائده نادانان دوری جویند، و گویند سلام علیکم بجز خیرخواهی و سلامتی از ما نخواهی دید، و به مقتضای جهل شما رفتار نخواهیم کرد، و گوش به باطل ندهیم و با سلام از یکدیگر جدا شویم، طالب مصاحبه نادانان و نادرستان نیستیم. و این سلام را سلام تودیع و متارکه گویند. نه سلام تحیت و درود و دعاء.

از بد بگریز و با نیکان نشین	یار بد زهری است بی انگبین
صحبت جاهل نمی جوئیم ما	ره نه بر نفس و هوا پوئیم ما

باز خداوند متعال در تعریف عباد الرحمن می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ

لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿۷۲﴾. (الفرقان: ۷۲).

«و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند (و در مجالس باطل شرکت نمی کنند)؛ و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند».

و کلمه زور به قول و فعل حرام تفسیر شده است. پس بندگان خداوند رحمن در مجالس مشتمل بر اقوال یا افعال محرّمه مانند بیهوده گوئی در آیات خدا «تفسیر بدون علم» و مجادله بی قاعده برای اثبات باطل، و غیبت و نیمه و دشنام و قذف و استهزاء و آوازه خوانی منهی عنه، و میخواری و فرش حریر و صورتهای

حیوان و رقص و پایکوبی و کف زدن حاضر نشوند، و شهادت زور هم ندهند. و در کلمهٔ مرّوا اشاره است به اینکه این بندگان خدا اصلاً قصد حضور و سماع لغو ندارند و اگر اتفاقاً به آن عبور کردند خود را کریم و آبرومند نگهدارند، و کریمانه می‌گذرند. مسلماً غنا صدای شیطان است. سوره الاسراء را بخوانید و صدای شیطان را در ساز و آواز و سائر صداهای ناحق مشاهده کنید و با استعاذه و ایمان خود را از شیطان نجات دهید.

﴿وَأَسْتَفْزِرُّ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (الاسراء: ۶۴).

«هر کدام از آنها را می‌توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آنها گسیل دار! و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن! - ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آنها نمی‌دهد-».

وعده شیطانی نبود جز کذب و فریب

کس نبرد از غیر خواری زان نصیب

صوت شیطان را به غنا، و مزامیر و سر و صدای خلاف شرع

تفسیر کرده‌اند.

امام عبدالعزیز بن باز رحمته الله گفته است: صوت و زور به غناء و آلات ملاحی «ابزارهای موسیقی و رامشگری و نوازندگی» تفسیر شده باز صوت به هر صدائی که به باطل دعوت کند و زور به هر نوع منگری «که شرع اسلام آنرا انکار نماید» تفسیر شده است. و قطعاً بین این دو تفسیر خلاف وجود ندارد. پس مدلول هر دو آیه «آیه ۷۲ سوره الفرقان و آیه ۶۴ سوره الاسراء» شامل کلّ این مذکور است. بدون تردید اغانی و ملاحی از قبیح‌ترین زور و پلیدترین آوازهای شیطان رجیم است. چون قسوت «سنگدلی» و ممانعت از ذکر خدا و قرائت قرآن و پیشگیری از جمیع طاعات **إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ** از آنها مترتب می‌شوند، و بدون وقفه از آنها بوجود آیند. به راستی رسول اکرم صلی الله علیه و آله خبر داده است به اینکه در آخرالزمان کسانی پیدا شوند که غنا و معازف «آلات طرب» و ارتکاب فواحش را حلال می‌پندارند. **عَنْ أَبِي عَامِرٍ الْأَشْعَرِيِّ رضی الله عنه: أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: «لَيَكُونَنَّ مِنْ أُمَّتِي أَقْوَامٌ يَسْتَحِلُّونَ الْحِرَّ، وَالْحَرِيرَ، وَالْحَمْرَ، وَالْمَعَازِفَ».** (بخاری: ۵۵۹۰).

ابوعامر اشعری رضی الله عنه می‌گوید: شنیدم که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «در میان امت من افرادی پیدا خواهند شد که زنا، ابریشم، شراب و آلات موسیقی را حلال می‌دانند».

کلمه حر به کسر اول و تشدید و تخفیف راء مهمله بمعنی فرج و در اصل به زنا تفسیر شده است، و معازف جمع معزفه آلات طرب است. این حدیث صریح است در ذم حلال‌کنندگان آلت طرب مثل عود و کمانچه و تنبور و غیره، چون آنها را با حلال‌کنندگان زنا و شراب و ابریشم مقارن نموده است. بلکه این حدیث حجّتی است ظاهر در تحریم استعمال معازف که آلات ملاحی است، مثل طبل و تنبور و کمانچه و غیره، و تحقیقاً به اجماع اهل لغه معازف به آلات ملاحی تفسیر می‌گردد. و این مقوله «تحریم ملاحی و آلات آن» فقط به خاطر ترتب سنگدلی و مرض قلب و سرگرمی و غفلت از نماز و قرآن است، و هنگامی که غناء به آلات ملاحی ضمیمه شد گناه بزرگتر و فساد عظیم‌تر گردد. عبدالله بن مسعود رضی الله عنه گفته است: «الغناء ینبت النفاق فی القلب کما ینبت الماء البقل». «غناء نفاق را در قلب می‌رویاند همچنانکه آب سبزی - یا دانه را می‌رویاند.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به محلی که دخترک کوچک آواز می‌خواند عبور کرد پس گفت: اگر شیطان احدی را ترک می‌کرد دست از این دختر صغیره برمی‌داشت «یعنی شیطان حتی این صغیره را وادار به آوازخوانی نموده است، این کودک غیرمکلف از دسیسه

شیطان نجات نیافته آواز می خواند».

مردی درباره غنا از قاسم بن محمد بن ابی بکر صدیق رضی الله عنه سؤال کرد. قاسم بن محمد در جواب گفت: تو را از آن نهی می کنم و آنرا برای تو مکروه می دانم. دوست ندارم. سائل عرض کرد: آیا حرام است؟ قاسم گفت: برادر زاده ام. اگر خداوند بزرگ جل جلاله حق و باطل را از هم جدا کند غنا بر کدام بخش گذاشته می شود.

فضیل بن عیاض رضی الله عنه گفته است: غناء افسون زنا است «الغناء رُقِیَّةُ الزَّنا». ابن الجوزی رضی الله عنه گفته است: بدان که شنیدن غناء دو چیز در بردارد. اول اینکه قلب از تفکر در عظمت خداوند سبحان و قیام به عبادت او تعالی باز می دارد و غافل می کند. دوم اینکه آنرا به لذت های زودگذر متمایل و علاقه مند می سازد. و این لذات شتابان زیان آور بی فائده خواهان آن است که به تمام معنی از کلیه شهوت های حسی که معظم آنها نکاح «عمل جنسی» برگرفته شود و لذت کامل این عمل فقط در همبسترهای جدید «از جنس لطیف» است و راهی برای همبستران جدید حلال به کثرت «بعد الأربع» وجود ندارد لذا او را به عمل زنا که حق تعالی از نزدیکی به آن، چه رسد به خود آن پلید، نهی بلیغ فرموده است.

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّیْفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ (الإسراء: ۳۲).

«و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است».

تشویق می‌کند.

پس میان غنا و زنا از جهت اینکه غنا لذت روح، و زنا بزرگترین لذت نفسی است تناسب وجود دارد. خدایا بندگان خود را از این دو بلا و سائر بلاهای مهلک حرث و نسل به عنایت بیکران خود محفوظ بفرما. آمین یا ارحم الراحمین.

ابن القیم رحمته الله گفته است: بدانید بدون شک در غناء خواصی وجود دارد که در رنگ نمودن قلب به نفاق و روئیدنش در آن مانند روئیدن مزارع به وسیله آب تأثیر دارد. پس از خواص غنا است که: همانا قلب را غافل و سرگرم نموده و آنرا از فهم قرآن و تدبیر در آن و عمل به مضامین آن باز می‌دارد. و بی‌گمان قرآن و غنا «کلام حق تعالی و ساز و آواز» ابداً با هم در قلب اجتماع نخواهند داشت. چون بین آن دو تضاد شدید وجود دارد. قرآن مجید اکیداً از اتباع هوا و هوس نهی می‌کند، و به عفت و پاکدامنی و دوری از شهوتهای نفسانی و اسباب گمراهی فرمان می‌دهد، و از پیروی گامهای شیطان ممانعت می‌کند.

ولی غنا درست بر ضد تمام اینها است. تبعیت از شیطان را زیبا جلوه می‌دهد، و نفس را به شهوتهای گمراهی تحریک، و

خفته‌های آنرا بیدار، و ساکن آنرا به سوی هر نوع قبیحی بحرکت در می‌آورد، و نفس را به سوی منجلاب قصد فجور با هر، زیبا رخ ملیح و ملیحه سوق می‌دهد. پس غنا و خمر «ساز و آواز و شراب = می: دو هم شیر یک دایه هستند، و آن دو در هیجان تحرک در میدان قبایح دو اسب گرو بستن می‌باشند، «فرسا رهان» غنا همسایه و هم‌شیره و نائب و هم‌پیمان و عاشق و دوست صمیمی شراب است، که شیطان میان آن دو پیمان برادری غیر قابل فسخ و انحلال را بسته، و راه وفاداری را که هیچگاه منسوخ نگردد، بین آن دو محکم کرده است. آری غنا جاسوس قلب و دزد مروت و حشره مضر «سوس = موربانه» عقل است، که به سرعت در اعماق پناهگاههای پوشیده قلوب آشوب و غوغا بوجود آورد، و با سختی و فشار داخل مکامن آن می‌شود، و از اسرار دلها اطلاع می‌یابد، و به محمل تخیل می‌خزد، و هوا و شهوت و گستاخی و بی‌شرمی و سستی و حماقت را در آن تحریک می‌کند. لذا گاهی شخصی را می‌بینی که آثار وقار و بزرگی عقل و زیبایی ایمان و بردباری اسلام و حلاوه قرآن بر جمال و شخصیت او نمایان است. همین شخص محترم بمحض اینکه به غنا گوش داد، و به آن توجه نمود و مائل شد، عقلش ناقص و شرم و حیاء و ادبش کم، و مروت و بهاء و وقار و عظمتش از بین

می‌رود. و شیطان ملعون به او شاد می‌گردد و ایمان او بر ضدّ او بخداوند متعال شکایت می‌کند. و قرآن بر او گران می‌آید. پس غنا قلب را فاسد می‌نماید و هرگاه قلب فاسد شد در نفاق هیجان می‌کند.

«اللهم احفظنا من شرور الشيطان ومكائده ومزاميره ومن شر اتباعه من الجنة والناس».

برادران و خواهران مسلمان. بزرگترین آفات غنا این است که شنونده را به سوی رذیله زنا، همان فاحشه که حق تعالی آنرا با شرک و قتل نفس ردیف قرار داده است. و رسول اکرم ﷺ آنرا اعظم گناهان شمرده است می‌کشاند و دعوت می‌نماید. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ^{۷۰} وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا^{۷۱} يُضْعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا^{۷۲} إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ^{۷۳} وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^{۷۴}﴾. (الفرقان: ۶۸-۷۰).

«و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونس را حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!

عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند! مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند؛ و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است!».

حق تعالی در خلال بیان صفات ارزنده عبادالرحمن که هر مؤمنی که خود را بنده خدا می‌خواند باید قطعاً موصوف به جمیع آنها باشد می‌فرماید:

و آن کسانی که نخوانند از اثر	با خدای خود خدایان دگر
نه کشند آن نفس را کز حق حرام	قتل او شد جز بحق در انتقام
نه کنند ایشان زنا ور کی کند	آنچه شد ذکر از جزا به وی رسد
باشدش در حشر دو چندان عذاب	جاودان در خواری و رنج و عقاب
جز که آرد بازگشت و بگروود	کارهای شایسته و نیکو کند
آنگه را پی خدا سازد بدل	مر بدیهاشان به نیکی در عمل
کاوست آمرزنده و بی‌مهربان	بخشد از رحمت گناه بندگان

در تفسیر این آیات آمده است. که کفر بعد از ایمان و زنا بعد از احسان و قتل بناحق انسان، مزیل رحمت و عصمت نفس است، پس حاکم اسلامی می‌تواند کافر حربی و مرتد و زانی محصن و زانیه محصنه و قاتل بناحق را بعد از ثبوت قطعی

جنایت، به قتل برساند. پس قتل مسلمان و معاهد حرام است. فائده: در آیه (۶۸) فعل مضارع مجزوم به حذف لام الفعل است، چون بعد از مَنْ یفعل و جزای شرط واقع شده و ماضی آن لقی به فتح فاءالفعل و کسر عین الفعل و فتح لام الفعل بر وزن عَلِمَ از باب رابع است. و اُثم بر وزن دَوام مصدر بمعنی اثم: گناه و در معنی آن گفته‌اند: عقاب: کیفر گناه است. بنابر اینکه مضاف محذوف و اُثم مصدر بمعنی فعل حرام «گناه» باشد. از عبدالله بن عمر و عکرمه و مجاهد روایت شده که اُثم نام دره‌ای در جهنم است که برای تعذیب، معین شده است، و مذکور است که اُثم نام یک وادی است در جهنم که زناکاران را در آن عقوبت می‌بینند، یا اینکه چیزی است که از اجسام دوزخیان مانند چرک و خون جاری می‌گردد. یا اینکه اُثم و غیّ به فتح غین معجمه و تشدید یاء نام دو چاه در جهنم هستند که برای تعذیب جمعی گناهکار مقرر شده‌اند. در تفسیر بیضاوی می‌گوید در قرائتی بجای اُثاماً، آیاماً خوانده شده است. و آیام با حرف همزه مفتوحه و یاء و الف و میم آخر بر وزن اُثم بمعنی شدائد است. علامه شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی در تیسیرالکریم الرحمن «تفسیری است مختصر و علمی: جمله: ﴿يَلْقَى أَثَامًا﴾. را به آیه: ﴿يُضَعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ

الْقِيَمَةِ وَخَلَّدَ فِيهِ مُهَانًا ﴿﴾. تفسیر کرده است. در تفسیر قرطبی هم از سیبویه نقل شده که مضاعفه العذاب همان لَقِيَ آثام است «روبرو شدن به عذاب» و کلمه مهاناً بمعنی خوار، سبک، بی مقدار و بی ارزش تفسیر شده است. در آیه (۶۸) شرک و قتل و زنا که اکبر کبائراند به ترتیب دنبال هم ذکر شده‌اند چنانکه در تیسیر الکریم الرحمن بیان شد. به علت اینکه در شرک افساد ادیان، و در قتل افساد ابدان، و در زنا افساد اعراض انسان وجود دارد، این امر ردیف همدیگر نازل شده‌اند. و در صحیحین «بخاری و مسلم» هر دو کتاب صحیح و معتمد اهل سنت و جماعت از حدیث ابی وائل از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که: بحضور رسول الله صلی الله علیه و آله عرض کردم یا رسول الله: کدام گناه نزد خدای تعالی بزرگتر است. فرمود: آنکه برای خدا شریک قرار دهی و حال اینکه فقط اوست که تو را خلق کرده است. عرض کردم پس از آن چیست. فرمود: آنکه فرزند خود را از ترس اینکه با تو طعام بخورد بقتل برسانی. عرض کردم بعد این گناه کبیره چیست؟ فرمود: آنکه زنا کنی با زن همسایه خود. آنگاه خدای تعالی در قرآن مجید تصدیق کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را نازل فرمود: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءآخَرَ﴾. (الفرقان: ۶۸).

که مختصر ترجمه و تفسیر آن را خواندی. آری این کبائر بخصوص زنا بحدی زشت و پلیدند که حق تعالی جلت قدرته نجات و رستگاری را از مرتکب آن بطور کلی نفی کرده است. اینک خدای تبارک و تعالی فرموده است: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۱﴾
 ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۲﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۳
 ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ۴﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۵﴾.
 (المؤمنون: ۱-۵).

«مؤمنان رستگار شدند؛ آنها که در نمازشان خشوع دارند؛ و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند؛ و آنها که زکات را انجام می‌دهند؛ و آنها که دامن خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند».

خلاصه اینکه رستگاری و سعادت مسلمان واقعی به اتصاف به این صفات عالیه است. کسی که فاقد این صفات مذکوره در این ۵ آیه کریمه باشد و مرتکب خلاف آنها گردد قطعاً فلاح و ظفر و نجات ندارد. چنانکه در صریح عبارت همین رساله «اصل» بیان شده که نفی الله مرتکبها الفلاح. صحیح عبارت اصل جهت بیان فاحشه زنا بدین قرار است: «وهي الفاحشة التي نفى الله تعالى الفلاح عن مرتكبيها». آری زنا که خودداری از آن را در ردیف

صفات بارز مؤمنین ناجی ظفرمند اعلام فرموده، رذیله پستی است که حق تعالی در کتاب عزیز خویش «قرآن حکیم» مردم را اکیداً از آن برحذر نموده، بلکه از نزدیکی آن نهی صریح فرموده و آنرا فاحشه «عمل نهایت درج قبیح» و راه بد که موجب قطع نسب و تحریک فتنه و فساد است نام برده است، پروردگار عالم جلّت عظمته فرموده است: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّيْفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ (الإسراء: ۳۲). «و نزدیک زنا نشوید، که کار بسیار زشت، و بد راهی است».

جالب اینکه در نظم قرآن مجید که حتی ترکیب حروف و کلمات و آیات آن حاوی معجزات است نهی از قرب زنا در میان آیه نهی از قتل اولاد و آیه نهی از مطلق قتل نفس ﴿الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ﴾ نازل شده است. دانشمندان مفسر گفته‌اند: نهی از نزدیکی به آن عمل زشت پلید زنا بلیغ‌تر از نهی خود آن است. پس اگر قرب و نزدیکی آن این قدر منهی باشد، عین آن منهی‌تر و شدید القبح‌تر است.

از کلام مفسر معروف بیضاوی عبدالله بن عمر در تفسیر انوار التنزیل مشهور به تفسیر بیضاوی و کلام دیگر مفسران معتمد فهم می‌شود که عزم بر زنا، و اقدام به مقدمات آن همان نزدیکی است که حق تعالی صریحاً از آن نهی فرمود است. پس باید گفت در

قباحت زنا کافی است که جامع کلیه صفات شرّ است. برای نمونه
 ۱- قلتِ دین. ۲- از بین رفتن پرهیزگاری و ورع. ۳- فساد
 مروّت. ۴- کم شدن غیرت.

هیچ زناکاری را نیابی که ورع یا وفا به عهد یا صدق گفتار یا
 محافظه دوست و دوستی یا غیرت کامل بر عائله خود داشته
 باشد، «غیرت بر عائله این است که حافظ عرض و ناموس همسر
 خود باشید، و وجود او را طبق دستور شریعت نگهداری کنید».
 ۵- عذر و پیمان‌شکنی و خیانت. ۶- دروغ. ۷- جنایت «در اصل
 خیانت چاپ شده ولی چون رذیله در ضمن عذر فهم می‌شود
 جنایت را با جیم نوشتیم. ۸- بی‌شرمی «در اصل قلة الحیاء مذکور
 است که باید با رعایت امانت کم شرمی ترجمه گردد، ولیکن
 چون این کلمه در ادبیات فارسی قدیم و جدید کاربرد ندارد لذا
 قلة الحیاء را به بی‌شرمی ترجمه نمودم. ۹- عدم مراقبت «عدم
 توجه به اموری که احتیاج به محافظت دارد». ۱۰- عدم عار و
 ننگ از جرم «عدم الأنفة للجرم». ۱۱- بیرون رفتن غیرت از قلب
 «ذهاب الغيرة من القلب».

خاتمه

در جهان هیچ وسیله از وسائل انتشار فواحش و کبائر و ردائل از غنا سریع تر نیست. چون محتوی کلام بی شرمانه «ماجن» و شعر پائین و پست و لحن و آواز غلط و فتنه گر و فریبنده می باشد. لذا انکار آثار منفی غنا و نتایج ذلت آور قبیحه آن رذیله مکابره است: عناد و معارضه و کناره گیری و زور آزمائی و انکار عمداً و عالماً و غلبه بر خصم با دروغ و بزرگ نمائی را مکابره گویند. و از پیشگاه خداوند عظیم الشان مسئلت می نماییم که همه ما را از غنا و ساز و آوازی که کلید تمام فواحش «کبائر» است. و از تمام گناهان صغیره و کبیره از لهو الحدیث، و لهو العمل و لهو الأفكار به عنایات بی کران، و لطف عمیمش محفوظ فرماید، همانا ولی آن و قادر بر جواب مسئله خواسته شده فقط خدا است. والله أعلم وأحكم و صلی الله علی نبینا محمد وآله وصحبه وسلم. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

آیا می‌دانی مفلس کیست؟

مرد عاقل و خردمندی از اهل اصفهان بود که پدرش او را بسیار دوست می‌داشت و او را بسیار تمجید می‌کرد، دین قوم او مجوسی بود، روزی به خاطر نیازی از آنجا رفت و در مسیرش با گروهی از مسیحیان برخورد کرد که در کنیسه‌ای خدا را پرستش می‌کردند، بر آنها وارد شد و از آنها در مورد دینشان پرسید و به خاطر سازگاری دینشان با فطرت مورد پسند او واقع شد و آن را پذیرفت و با دین جدید فرار کرد و در شام ساکن شد، سپس به شهر موصل مهاجرت کرد، و بعد به شهر عموریه رفت و در تمام آن دوران حق را جويا شد، تا اینکه آخرین سفرش به مدینه الرسول (یثرب) بود تا در نهایت پیرو برترین مخلوقات، و بلکه جزو خاندان او شود: سلمان منا آل البیت.

حتماً فهمیدی منظورم چه کسی است؟ آری او سلمان خیر، و سلمان اسلام، یعنی سلمان فارسی است. اگر ما در این داستان عجیب تأمل کنیم می‌بینیم که سلمان با ترک وطن و خانواده و دین قومش، بعد از اینکه فهمید آنها در اشتباه هستند از تمام مرزهای جغرافیایی و اجتماعی گذشت، و چون خداوند صداقت او را در جستجوی حق دید، هدایتش کرد و در دستیابی به آن موفقش گردانید تا اینکه او را از صحابه پیامبر ﷺ قرار داد.

بنابراین سلمان باید الگویی برای ما باشد که اگر حق را گم کردیم آیا در جستجوی حق به او اقتدا می‌کنیم؟ و از روی انصاف و بی‌طرفی و عدم پیش داوری به مخالف گوش می‌دهیم؟ و هر کس در جستجوی حق با خدا صادق باشد خداوند او را به حق راهنمایی می‌کند و موفقش می‌گرداند. اینک حقایقی را پیش روی تو قرار می‌دهیم تا کیفیت رابطه امامان آل بیت با صحابه برایت آشکار شود و نقطه آغازینی باشد برای اینکه حقیقت را جويا شوی و رابطه صمیمانه بین آل بیت و دیگران در عهد نبوت، سپس عهد خلفا، و سپس عهد تابعین و مابعدشان را بشناسی، و ما تنها به نقل از کتب شیعه اکتفا می‌کنیم، امید است که مفید واقع گردد و حق را بدون ابهام و آنگونه که هست ببینی، بنابراین لازم است در هنگام خواندن بی‌طرف باشی، و ما مرجعی را که از آن نقل کرده‌ایم را ذکر نموده‌ایم. بنابراین برای اطمینان به آن مراجعه کن.

خلاصه کلام اینست که رابطه موجود بین آل بیت و دیگران یک رابطه صمیمانه بود، و این رابطه در موارد بسیاری متجلی می‌شود که آنها را در چهار مورد خلاصه می‌کنیم:

۱- خویشاوندی: از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر بود، و پیامبر صلی الله علیه و آله دو دختر خود را به ازدواج عثمان بن عفان درآورد، و علی با اسماء دختر عمیس که همسر

ابوبکر صدیق و مادر محمد بن ابی بکر بود وصلت کرد که این ازدواج بعد از وفات ابوبکر صورت گرفت و ثمره این ازدواج یحیی بن علی بود؛ بنابراین محمد بن ابی بکر و یحیی بن علی بن ابی طالب برادر مادری هستند، و عمر بن خطاب با ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب ازدواج کرد و از او صاحب دو فرزند به نامهای زید بن عمر و رقیه بنت عمر شد^۱، و امام جعفر با افتخار می‌گوید: ابوبکر مرا دوبار به دنیا آورد^۲، و عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان فاطمه دختر حسین بن علی بن ابی طالب را به ازدواج خود درآورد، و از او صاحب فرزندی به نام محمد شد^۳، و معاویه بن مروان بن حکم اموی با دختر بیوه امام علی وصلت کرد^۴، و نیز زینب دختر حسن «المثنی» عقد شده ولید بن عبدالملک خلیفه وقت بود^۵، و همچنین ولید بن عبدالملک با

۱ مجلسی در بحار الأنوار (ص 621)، کلینی در الکافی قسمت فروع (6/115).

۲ چون نسبش از دو جهت به ابوبکر منتهی می‌شود: اول از جهت مادرش فاطمه دختر قاسم بن ابی بکر. و دوم از جهت مادر بزرگ مادرش اساء دختر عبدالرحمن بن ابی بکر که مادر فاطمه دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است. رجوع کشف الغمه اربلی (2/373).

۳ نگا: الکافی (5/7) و کتاب سلیم بن قیس (ص 362).

۴ نسب قریش مصعب زبیری (ص 45).

۵ نسب قریش مصعب زبیری (52).

نفسه دختر زید بن حسن بن علی ازدواج کرد^۱؛ و امثال این وصلت‌ها در کتب سیره فراوان دیده می‌شود.

۲- مدح و ستایش: امام علی می‌فرماید: من اصحاب محمد را مشاهده کردم و کسی را همچون آنان نیافتم، با حالتی آشفته صبح می‌کردند، و در حالت سجده و قیام و در بین پیشانی و زانوهایشان شب را به استراحت می‌گذراندند، در هنگام ذکر قیامت همچون ذغال افروخته می‌شدند، به خاطر طول سجده‌هایشان بین چشمانشان همچون زانوی بز گود شده بود، هرگاه نام خدا برده می‌شد چشمانشان پر اشک می‌شد آنچنان که پیشانی‌شان خیس می‌شد، و از ترس عقاب و امید به ثواب همچون درخت در روز طوفانی به این سوی و آن سوی کشیده می‌شدند^۲ و نیز در مدح ابوبکر می‌گوید: او پاک جامه و کم عیب رفت، خیرش اصابت کرد و بر بدیش سبقت گرفت، فرمانبرداری از خداوند را ادا کرد و آنچنان که شایسته بود تقوای او را پیشه کرد^۳. آمده است که امام جعفر صادق به زنی که از او در مورد ابوبکر و عمر پرسیده بود: آیا باید

۱ عمدة الطالب في أنساب آل أبي طالب. ابن عنبه (۱۱۱).

۲ نهج البلاغة خطبه شماره (۹۷).

۳ نهج البلاغة (ص ۳۵۰) تحقیق: صبحی الصالح.

ولایت آنها را بپذیرم؟ گفت: ولایتشان را بپذیر، آن زن گفت: فردا که پروردگارم را ملاقات کنم به او می‌گویم که تو مرا به قبول ولایتشان امر کردی؟! گفت: آری بگو.^۱ و روایت شده که مردی از یاران امام باقر وقتی شنید امام باقر ابوبکر را به لقب صدیق توصیف کرد تعجب کرد و گفت: آیا او را چنین توصیف می‌کنی؟ باقر گفت: آری او صدیق بود و هرکسی به او صدیق نگوید خداوند کلام او را در آخرت تصدیق نمی‌کند.^۲

۳- نامگذاری فرزندان: امامان آل بیت فرزندانشان را به نام خلفا نامگذاری می‌کردند؛ امام علی فرزندانش را: ابوبکر و عمر و عثمان نامیده بود، همانطور که علی اربلی آن را ثابت کرده است^۳، و ابوالفرج اصفهانی و اربلی و مجلسی ذکر کرده‌اند که ابوبکر بن علی بن ابی طالب از جمله کسانی بود که در کربلا همراه برادرش حسین علیه السلام کشته شد، همچنین پسر حسین که ابوبکر نام داشت همراه با آنها کشته شد (محمد اصغر کنیه ابوبکر بود)^۴.

۱ روضة الكافی (8/101).

۲ كشف الغمة (2/360).

۳ علی اربلی (2/66) «كشف الغمة فی معرفة الأئمة»

۴ مقاتل الطالبیین «تألیف ابوالفرج اصفهانی (ص: 88، 142، 188) چاپ بیروت. و اربلی در «كشف الغمة» (2/66)، و مجلسی در جلاء العیون (ص: 582).

۴- دفاع فداکارانه: می‌بینیم هنگامی که فتنه جویان سرکش منزل عثمان بن عفان را محاصره کردند امام علی از او دفاع کرد و مردم را از او دور کرد و فرزندانش حسن و حسین و برادرزاده‌اش عبدالله بن جعفر را به دفاع از او فرستاد.^۱

بعد از این بررسی اجمالی شما را متوجه امر مهمی می‌سازیم و آن اینست که احياناً اگر در مورد حقیقت این امور سوال کنی و در جواب به تو گفته شود: این سخن نادرست است، برای اطمینان می‌توانی به کتابها مراجعه کنی، یا اینکه ممکن است گفته شود: این کارها به خاطر تقیه بوده، اما ما به شما می‌گوییم لازم است که خط مشی و روشی برای تشخیص تقیه از حقیقت وجود داشته باشد، در غیر اینصورت انسان در نقل از تمایلاتش پیروی می‌کند و اگر کلامی را نپسندید می‌گوید این تقیه است، و اگر پسندید می‌گوید این تقیه نیست، و ما از شما می‌پرسیم: چرا انسان به تقیه پناه می‌برد؟ مگر به خاطر نیاز و خوف نیست؟ در این صورت چرا امام علی باید بترسد و به تقیه پناه ببرد در حالی که بالاترین منصب سیاسی (امیرالمومنین) را داراست؟ در اینجا نیازی به تقیه نیست، این در حالی است که پیامبر ﷺ فرموده است یکی از سه

۱ شرح نهج البلاغه تألیف: ابن ابی حدید (581/10) چاپ ایران، و تاریخ مسعودی (2/344).

گروهی که خداوند در روز قیامت به آنها نظر نمی‌اندازد و تزکیه‌شان نمی‌کند و عذاب دردناکی دارند: پادشاه دروغ‌گوست. چون او نیازی به دروغ ندارد، و اگر ما تقیه را در خطاب دینی در صورت عدم نیاز به آن جایز بدانیم به طریق اولی باید آن را در معاملات تجاری، سیاسی و اجتماعی جایز بدانیم، تا جایی که به مرحله‌ای می‌رسیم که بعضی از ما به دیگری سخن راست نخواهد گفت.

در پایان این سخن رسول گرامی را یادآور می‌شویم که فرمودند: «أتدرون من المفلس؟ قالوا: المفلس فينا من لا درهم له ولا متاع فقال: إنَّ المفلس من أمتي من يأتي يوم القيامة بصلاة، وصيام، وزكاة، ويأتي قد شتم هذا، وقذف هذا، وأكل مال هذا، وسفك دم هذا، وضرب هذا، فيعطى هذا من حسناته، وهذا من حسناته، فإن فئت حسناته قبل أن يقضى ما عليه، أخذ من خطاياهم فطرح عليه، ثم طرح في النار». (الترمذی، حدیث: ۲۴۱۸، وصححه الألبانی).

یعنی: آیا می‌دانی مفلس کیست؟ گفتند: مفلس نزد ما کسی است که پول و دارایی نداشته باشد. فرمود: به راستی مفلس کسی است که در روز قیامت با نماز و روزه و زکات می‌آید در حالی که به یکی توهین کرده و به یکی تهمت زده و مال دیگری را خورده و خون شخصی را ریخته و دیگری را زده، تمام اینها از

حسناتش گرفته می‌شود؛ اگر حسناتش تمام شود قبل از اینکه خطاهایش قضا شود، از خطاهای آنها گرفته می‌شود و به او منتقل می‌شود و در آتش افکنده می‌شود.

آیا نمی‌ترسی از اینکه در روز قیامت با افلاس روبرو شوی به خاطر کثرت توهین و دشنام به کسانی که مستحق توهین نبوده‌اند؟ و حسناتی که در کسب آنها رنج برده‌ای را از تو بگیرند؟

توصیه ما به شما این است: تلاش کن خودت حق را جویا شوی، و بدان که هیچ کسی جز عمل خودت در روز قیامت به تو نفعی نمی‌رساند، بنابراین از عملت مطمئن شو که آیا صالح است یا خیر؟ گاهی انسان کاری را انجام می‌دهد و گمان می‌کند که عمل صالحی است، سپس در روز قیامت غیر آن ثابت می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَشِيعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾﴾ (الغاشیه: ۲-۴).

«چهره‌هائی در آن روز خاشع و ذلت بارند. آنها که پیوسته عمل کرده و خسته شده‌اند. و (سرانجام این زحمت‌کشان خسته و بیهوده‌گر) در آتش سوزان وارد می‌گردند».

و پیوسته از خداوندی که بر هر چیزی علیم است بخواه که تو را به سوی حقیقت راهنمایی کند، و به آن ختم دهد، و از جمله

برترین دعاهایی که در روایت آمده اینست:

«اللهم أرنا الحق حقاً وارزقنا اتباعه، وأرنا الباطل باطلاً وارزقنا اجتنابه، ولا تجعله ملتبساً علينا فنضل واجعلنا للمتقين إماماً».

«پروردگارا حق را آنگونه که هست به ما بنمایان و پیروی آن را بر ما ارزانی بدار، و باطل را آنگونه که هست بر ما بنمایان و اجتناب از آن را بر ما ارزانی بدار، و آن را بر ما ملتبس مگردان که گمراه شویم و ما را پیشوای متقیان قرار ده».

چرا صحابه را دوست داريم ؟

ترجمه: لماذا نحب الصحابة

تهيه : خالد ابو صالح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله وحده والصلوة والسلام على من لا نبي بعده نبينا

محمد وعلی آله وصحبه أما بعد

همانا که محبت و علاقه به اصحاب رسول الله ﷺ در نزد اهل سنت و جماعت از اصول ایمان قلمداد می‌شود. چرا که این گروه (صحابه) برگزیدگان بشریت به شمار می‌آیند. آنان کسانی هستند که خداوند عز و جل ایشان را برای مصاحبت با رسولش و انتشار دینش انتخاب کرد. همان کسانی که وظیفه سنگین حفظ دین و تبلیغ آن را به نسل‌های آینده به نحو احسن انجام دادند. و گفتنی است که اگر این گروه برگزیده نبود شریعت اسلام نیز مانند دین یهود و مسیحیت دستخوش تحریف می‌شد. حال اگر کسی در صلاحیت و صداقت صحابه ایراد وارد کند در واقع به کتاب و سنتی که به وسیله ایشان به ما رسیده است طعن وارد کرده است. از جانب دیگر، آیات و احادیث زیادی در فضیلت صحابه وارد شده است که دوست داشتن و دفاع از آنها، و دشمنی با کسانی که به ایشان توهین می‌کنند را بر ما واجب می‌کند. بنابراین ما صحابه را دوست داریم برای اینکه:

۱ - خداوند تعالی از ایشان راضی گشته است، چنان که می فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ (الفتح: ۱۸).

«خداوند از مؤمنان - هنگامی که در زیر آن درخت (بیعه الرضوان که در حدیبیه انجام گرفت) با تو بیعت کردند - راضی و خشنود شد؛ خدا آنچه را در درون دلهایشان (از ایمان و صداقت) نهفته بود می دانست؛ از این رو آرامش را بر دلهایشان نازل کرد و پیروزی نزدیکی (یعنی فتح خیبر) بعنوان پاداش نصیب آنها فرمود».

۲ - برای اینکه خداوند تعالی به صفت ایمان از صحابه یاد کرده است، چنانکه فرموده است: ﴿هُوَ الَّذِي أَيْدِكَ بِصُرُوءِ وَالْمُؤْمِنِينَ﴾ (الأنفال: ۶۲).

«خداوند است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد».

۳ - صحابه را دوست داریم زیرا خداوند آنها را تایید کرده و آنها را رستگار خوانده و به ایشان وعده بهشت داده است، در این باره می فرماید: ﴿لَنْ يَكُنَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّتِكُمْ هُمْ الْخَيْرَاتُ وَأُولِيَّتِكُمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۸۸) ﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (التوبة: ۸۸-۸۹).

«ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموال و جانهایشان جهاد کردند؛ و همه نیکیه‌ها برای آنهاست؛ و آنها همان رستگارانند! خداوند برای آنها باغهایی از بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند بود؛ و این است رستگاری (و پیروزی) بزرگ!».

۴ - صحابه را دوست داریم زیرا خداوند درباره آنها فرموده

است: ﴿كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰).

«شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند».

ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر این آیه می‌گوید: منظور کسانی هستند که با محمد صلی الله علیه و آله هجرت کردند.

۵ - صحابه را دوست داریم زیرا خداوند عز و جل نیز آنها را

دوست دارد، آنچنانکه فرموده است: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾

(المائده: ۵۴). «خداوند به زودی قومی را به وجود می‌آورد که آنها را

دوست دارد و آنها نیز خداوند را دوست دارند». حسن بصری

می‌گوید: قسم به خدا که این آیه در باره مردم حروراء^۱ نازل نشده

است بلکه درباره ابوبکر و عمر و یارانسان نازل شده است.

۱ - حروراء نام منطقه‌ای در عراق است که خوارج در آن ساکن بودند.

۶ - صحابه را دوست داریم زیرا که خداوند از آنها با صفت ایمان یاد کرده است، در این باره می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ (الأنفال: ۷۴).

«و آنها که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنان مؤمنان حقیقی‌اند؛ برای آنها، آمرزش (و رحمت خدا) و روزی شایسته‌ای است.»
 آنها را دوست داریم چرا که پیامبر ﷺ محبتشان را نشانه ایمان، و بغضشان را نشانه نفاق دانسته است، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ». (بخاری: ۳۳).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «نشانه منافق، سه چیز است: اول اینکه در صحبت‌های خود، دروغ می‌گوید. دوم اینکه خلاف وعده، عمل می‌کند. سوم اینکه در امانت، خیانت می‌کند.»

نشانه ایمان دوست داشتن انصار و نشانه منافق تنفر از انصار می‌باشد.

۷ - صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله ما را از بدگویی

آنها منع کرده است و فرموده‌اند: «إذا ذكر أصحابي فأمسكوا». (الطبرانی). هرگاه درباره‌ی صحابه من صحبت به میان آمد از بدگویی آنها خودداری کنید.

۸ - صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ﷺ آنها را سبب امنیت امت اسلام دانسته است، در این باره فرموده‌اند: «النجوم أمانة للسماء، فإذا ذهب النجوم أتى السماء ما توعد، وأنا أمانة لأصحابي فإذا ذهب أتى أصحابي ما يوعدون، وأصحابي أمانة لأمتي، فإذا ذهب أصحابي أتى أمتي ما يوعدون». (مسلم).

ستاره‌ها سبب امنیت آسمان هستند پس هر گاه از بین بروند وعده‌ی (ناآرامی) آن فراخواهد رسید، و من سبب امنیت اصحابم هستم، پس هر گاه از دنیا رفتم وعده‌ی ناآرامی در آنها فراخواهد رسید، و اصحابم سبب امنیت امتم هستند، پس هرگاه آنها از دنیا رفتند وعده‌ی ناآرامی در امت من فراخواهد رسید.

۹ - صحابه را دوست داریم برای اینکه پیامبر ﷺ آنها را بهترین مردم معرفی کرده است، چنانکه می‌فرماید: «خير أمتي القرن الذي بعثت فيه، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم». (مسلم). بهترین افراد امت من کسانی هستند که من در بین آنها مبعوث شده‌ام (صحابه)، سپس کسانی که بعد از ایشان می‌آیند (تابعین)، و

سپس کسانی که بعد از ایشان می آیند (تبع تابعین).
 ۱۰ - صحابه را دوست داریم زیرا که پیامبر ﷺ ما را از ناسزا گفتن به آنها باز داشته است، و فرموده است: «لا تسبوا أصحابي، فوالذي نفسي بيده لو أن أحدكم أنفق مثل أحد ذهباً ما بلغ مدَّ أحدهم ولا نصيفه». (مسلم). به اصحاب من ناسزا نگوئید، قسم به آن کسی که جان من در دست اوست (خداوند) اگر هر یک از شما به اندازه‌ی کوه احد طلا بخشش کند، نمی‌تواند به اندازه‌ی نصف کف دست، حسنات آنها نیکی کرده باشد، چه برسد به اندازه یک کف دست.

۱۱ - صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ﷺ کسی را که به آنها ناسزا بگوید لعنت کرده است چنانکه می‌فرماید: «لعن الله من سب أصحابي». (الطبرانی). خداوند لعنت کند کسی که به اصحاب من ناسزا بگوید.

۱۲ - صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ﷺ فرموده‌اند که نصرت و گسترش دین توسط ایشان و یارانشان خواهد بود، و این چنین هم شد. ایشان در این باره فرموده‌اند: «يأتي على الناس زمان، يغزو فئام من الناس، فيقال: فيكم من صاحب رسول الله ﷺ؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم، ثم يأتي على الناس زمان، فيغزو فئام من

الناس، فيقال لهم: فيكم من صاحب أصحاب رسول الله ﷺ؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم، ثم يأتي على الناس زمان، فيغزو فئام من الناس، فيقال لهم: هل فيكم من صاحب من أصحاب أصحاب رسول الله ﷺ؟ فيقولون: نعم، فيفتح لهم». (بخاری و مسلم). یعنی: زمانی فرا می‌رسد که گروهی از مردم جهاد می‌کنند، از آنها پرسیده می‌شود که آیا در بین شما کسی هست که همراهی رسول الله ﷺ کرده باشد، می‌گویند بله، و بدینوسیله پیروز می‌شوند، سپس زمان دیگری فرا می‌رسد و گروهی از مردم جهاد می‌کنند، به آنها گفته می‌شود: آیا در میان شما کسی که صحابه‌ی پیامبر را همراهی کرده باشد، می‌گویند: بله، آنگاه پیروز می‌شوند، سپس زمانی فرا می‌رسد که گروهی از مردم به جهاد می‌پردازند، از آنها سوال می‌شود که آیا در بین شما کسی هست که همراهان صحابه را همراهی کرده باشد، می‌گویند: بله، پس پیروز می‌شوند.

۱۳ - صحابه را دوست داریم چون آنها وزیران پیامبر ﷺ و یاران ایشان بودند، پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «إن الله تبارك وتعالى اختارني، واختار لي أصحاباً، فجعل لي منهم وزراء وأنصاراً وأصهاراً، فمن سبهم فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل منه يوم القيامة صرف ولا عدل». (حاکم و آترا صحیح

دانسته است). یعنی خداوند تبارک و تعالی مرا برگزید، و همچنین برای من یارانی برگزید، و برایم از بین این یاران وزیران و یاوران و خویشانی قرار داد، پس اگر کسی به آنها ناسزا بگوید لعنت خداوند و ملائکه و تمامی مردم بر او باد، و در روز قیامت هیچگونه توبه و فدیهای از او قبول نمی‌شود.

۱۴ - صحابه را دوست داریم زیرا دوست داشتنشان دلیل بر دوست داشتن پیامبر ﷺ می‌باشد، و نفرت از ایشان نیز دلیل بر نفرت از پیامبر ﷺ می‌باشد، رسول الله ﷺ در این باره می‌فرماید: «الله الله في أصحابي، لا تتخذوهم غرضاً بعدي، فمن أحبهم فبحبي أحبهم، ومن أبغضهم فببغضي أبغضهم، ومن آذاهم فقد آذاني، ومن آذاني فقد آذى الله، ومن آذى الله أوشك أن يأخذه».

«شما را بخدا، شما را بخدا، راجع به یاران (خدا را در نظر داشته باشید) آنها را بعد از من هدف-انتقاد- خود قرار ندهید هرکس که آنها را دوست داشته باشد، بخاطر دوستی من با آنها دوستی می‌کند، و هر کس که بر آنها بغض بورزد بخاطر دشمنی با من بر آنها بغض می‌ورزد، و هر کس آنها را اذیت کند، مرا اذیت کرده است، و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است، و کسی که خدا را اذیت کند بزودی او را بسزایش

می‌رساند». (أحمد و ترمذی و او آن را حسن دانسته است).

۱۵ - صحابه را دوست داریم زیرا پیامبر ﷺ نگه داشتن احترام ایشان و منزلتشان را نگهداری مکانت خود دانسته است، آنچنانکه می‌فرماید: «احفظوني في أصحابي، ثم الذين يلونهم، ثم الذين يلونهم». (ابن ماجه، و آلبانی آن را تصحیح کرده است). یعنی منزلت مرا با نگه داشتن حرمت اصحابم و کسانی که تا دو قرن بعد از ایشان می‌آیند حفظ کنید.

۱۶ - صحابه را دوست داریم زیرا آنها از اهل علم و فضیلت و اخلاق و راستگویی هستند، آنچنانکه پیامبر ﷺ در این باره می‌فرماید: «أرأف أمتي بأمتي أبوبكر، وأشدهم في دين الله عمر، وأصدقهم حياء عثمان، وأقضاهم علي، وأفرضهم زيد بن ثابت، وأقرؤهم أبي، وأعلمهم بالحلال والحرام معاذ بن جبل، ألا وإن لكل أمة أميناً، وأمين هذه الأمة أبو عبيدة بن الجراح». (حاکم).

مهربانترین فرد امتم برای امتم ابوبکر است، و محکم‌ترینشان در امر دین عمر است، و باحیاتی‌ترینشان عثمان و بهترینشان در قضاوت علی و داناترینشان در علم میراث زید بن ثابت و آگاه‌ترینشان به قرائت قرآن ابی بن کعب و عالم‌ترینشان در حلال و حرام معاذ بن جبل می‌باشد، و در هر امتی امینی وجود دارد و

امین امت من ابو عبیده بن الجراح است.
 ابن مسعود رضی اللہ عنہ اینگونه اصحاب پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را توصیف می کند:
 وقتی که خداوند به قلب بندگانش نظر افکند قلب محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم
 را بهترین قلب بندگانش یافت، آنگاه بود که او را برای خود
 برگزید و به پیامبری مبعوث کرد، سپس برای بار دیگر به قلب
 بندگانش نظر افکند و قلب اصحاب پیامبر رضی اللہ عنہم بهترین قلبهای
 بندگانش یافت، آنگاه بود که آنها را وزیران پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم قرار داد
 تا در راه دینش جنگ کنند.

و همچنین می فرماید: هر کس که می خواهد از سنت پیروی
 کند به کسانی که فوت کرده اند اقتدا نماید، زیرا نمی دانی آن کسی
 که زنده است دچار فتنه می شود یا نه، و آن کسانی که از دنیا
 رفته اند اصحاب پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم هستند، کسانی که از بین امت اسلام
 از همه در باور دینی شان قوی تر و عالمتر بودند و تکلفشان در
 دین از همه کمتر بود، قومی بودند که خداوند آنها را برای
 همراهی پیامبرش صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و برپا کردن دینش برگزید، قدر و منزلت
 آنها را بدانید و به روش آنها اقتدا کنید چرا که آنها بر هدایت و
 راه راست بودند.

فرموده امام اهل سنت احمد بن حنبل رحمته اللہ علیہ در باره ی صحابه:

و از جمله مسایل واضح و آشکار بیان کردن نیکی‌های تمامی اصحاب رسول الله ﷺ می‌باشد، و همچنین خویشتن داری از بازگو کردن اشتباهات و مخالفت‌هایی که در بین آنها رخ داده است نیز از جمله همین مسایل می‌باشد، بنابراین اگر کسی به اصحاب رسول الله ﷺ یا یکی از آنها ناسزا بگوید، یا به آنها توهین یا طعنه وارد کند، یا به ذکر معایب آنها پردازد و از آنها یا یکی از آنها عیب جویی کند، چنین شخصی مبتدع، رافضی، ناپاک، و مخالف اهل سنت است، و خداوند هیچ‌گونه توبه و فدیة‌ای را از او قبول نمی‌کند، و بر خلاف آن دوست داشتن صحابه سنت است، و دعا کردن در حقشان از قربات می‌باشد، و اقتدا کردن به آنها وسیله نجات، و در پیش گرفتن راه و روش آنها فضیلت به حساب می‌آید. و صحابه پیامبر ﷺ بهترین مردم هستند، شایسته‌ی هیچ کس نیست که از آنها بدگویی کند، یا اینکه به آنها طعنه، عیب و توهین وارد نماید.

فرموده امام آجری رحمته الله در باره‌ی صحابه:

و از جمله چیزهایی که خداوند توفیقش را داد که در کتابم: (شریعه) به رشته تحریر در آورم فضایل رسول الله ﷺ می‌باشد، و بعد از آن به ذکر فضایل صحابه کرامش خواهم پرداخت، آن

کسانی که خداوند آنان را برگزید و برای پیامبرش وزیر، خویشاوند، یاور و خلفای او برای امتش قرار داد، و آنها مهاجرین و انصار هستند، خداوند از آنها در قرآن به زیباترین اوصاف یاد کرده است، و همچنین در قرآن آمده است که خداوند از آنها در تورات نیز به بهترین اوصاف یاد کرده است، و این فضل خداوند است، آن خداوندی که از فضل بسیار بزرگ و عظیمی برخوردار است و آن را به هر کس که بخواهد عطا می‌کند.

مهاجرین: مهاجرین آن کسانی هستند که به خداوند و رسولش ﷺ ایمان آوردند، و با عملشان ایمانشان را ثابت کردند، با پیامبر ﷺ در تمام سختی‌ها ایستادگی کردند، ذلت و گشنگی در راه خدا را بر عزت و سیری در راه غیر خدا ترجیح دادند. در راه رضای خداوندی با خویش و ناخویش در افتادند، با پیامبر ﷺ هجرت کردند، و پدر و مادر و خانواده و قبیله و ثروت و دارایی خود را در این راه رها کردند، و با تنگدستی به مدینه آمدند، تمام اینها به سبب آن محبتی بود که به خداوند تبارک و تعالی و رسول گرامیش داشتند. خداوند و رسولش از تمام کسان و چیزهایی که ذکر کردیم برایشان مهمتر بودند، و این به سبب ایمان راستین، عقل صحیح، نفس پاک، رای درست، صبر شکیبایا، و توفیق خداوند عز و جل

بود، خداوند می‌فرماید: ﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۲۲). (المجادله: ۲۲). «خداوند از آنها خشنود است و آنها نیز از خداوند خشنودند، آنها حزب الله‌اند، بدانید حزب‌الله پیروزان و رستگارانند».

انصار: کسانی هستند که خداوند آنان را برای نصرت و یاری دینش و پیروی از پیامبرش برگزید، از وقتی که پیامبر ﷺ هنوز در مکه بود ایمان آوردند، با او بیعت کردند، و در بیعتشان با او صادق بودند، او را دوست داشتند و به یاریش برخاستند، و از آن نوری که بر او نازل شد پیروی کردند، به سبب محبتی که به پیامبر ﷺ داشتند از او خواستند تا با ایشان به مدینه بیاید، ولی پیامبر به ایشان فرمود که هنوز وقتش نرسیده، سپس آن مهاجرینی که در مکه با پیامبر ﷺ بیعت کرده بودند به شهر خود مدینه بازگشتند و خبر ایمان خود را به پیامبر برای برادران خود بازگو کردند، پس آنها نیز ایمان آوردند و در این راه استوار ماندند.

وقتی که پیامبر ﷺ به سوی ایشان هجرت فرمودند بسیار خوشحال شدند و مقدمشان را گرمی داشتند و با آغوش باز از او استقبال کردند، و او را اکرام و تعظیم نمودند، و دانستند که این هجرت مبارک نعمتی بزرگ از جانب خداوند برای آنها می‌باشد.

سپس بقیه مهاجرین از مکه آمدند، انصار از هجرت آنها نیز بسیار خوشحال شدند، به نحو احسن به آنها نیکی کردند، خانه‌های خود را بین همدیگر تقسیم کردند، آنها را بر زن و بچه‌ی خود ترجیح دادند، بسیار آنها را دوست داشتند، و بعد از اینکه با هم دشمنی و عداوت داشتند به توفیق خداوند قلبهایشان با هم انس گرفت و در راه او با هم برادر شدند.

خداوند در وصف صحابه می‌فرماید: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَصَرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾ (۶۲) ﴿وَأَلْفَ بَيْتٍ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْتَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (۶۳). (الأنفال: ۶۲-۶۳).

«و اگر بخواهند تو را فریب دهند، خدا برای تو کافی است؛ او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان، تقویت کرد و دل‌های آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!».

و در جای دیگر نیز می‌فرماید: ﴿وَأذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا﴾ (آل عمران: ۱۰۳).

«و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد».

پس همه صحابه از مهاجرین و انصار با هم بر محبت خداوند عز و جل و رسول گرامیش ﷺ، و بر همکاری و همدلی برای یاری دین پیامبر ﷺ و اجرا کردن دستورات ایشان در هر حالت خوش و ناخوشی متفق شدند، و از هیچ کس در این راه واهمه‌ای نداشتند.

به همین سبب خداوند از مهاجرین و انصار در قرآن بیش از چند بار با بهترین اوصاف یاد کرده است، و به همه‌ی آنها وعده بهشت برین را داده است، آن بهشتی که در آن جاویدان هستند، و فرموده است که او از صحابه و آنها نیز از خداوند خشنود گشته‌اند: ﴿أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (المجادله: ۲۲). «آنها حزب الله‌اند، بدانید حزب الله پیروزان و رستگارانند».

فرموده امام ذهبی رحمته الله در باره‌ی صحابه:

کسی می‌تواند فضایل صحابه را بداند که زندگی و تعاملشان را در زمان پیامبر ﷺ و بعد از وفات ایشان مورد بررسی قرار دهد، آنانی که با هم در ایمان آوردن، جنگیدن با کفار، نشر دین، برپا

کردن امور دین، بالا بردن شان دستور خداوند و پیامبرش، یاد آموزی فریضه‌ها و سنتهای پیامبر ﷺ به دیگران، در تمام این امور از هم پیشی می‌گرفتند، و اگر صحابه نبودند به هیچ وجه نه اصل و نه فرعی از دین الهی به ما نمی‌رسید، و به هیچ وجه از اخبار و احادیث پیامبر ﷺ با خبر نمی‌شدیم. بنابراین اگر کسی به آنها طعنه بزند، یا به آنها ناسزا بگوید، به کلی از دین اسلام خارج می‌شود، زیرا طعنه زدن به صحابه مبنی بر اعتقاد داشتن به نادرستی آنها می‌باشد، و دلالت بر حقد آنها بر صحابه می‌دهد، و باعث انکار و رد آن اوصافی می‌شود که خداوند در قرآن کریم و رسول الله ﷺ در سنت پاکش از آن یاد کرده‌اند.

و همچنین صحابه بهترین اسباب رسیدن به احادیث پیامبر ﷺ هستند، و اگر کسی به اسباب طعن وارد کند در حقیقت طعن بر اصل (پیامبر ﷺ) وارد کرده است، و توهین به ناقل نصوص شریعت، در حقیقت توهین به خود نصوص می‌باشد، و این مساله برای هر کسی که اهل تدبر باشد، و از نفاق و کفر و الحاد در عقیده‌اش به دور باشد قابل درک است. (الکبائر ص ۲۷۴).

فضیل بن عیاض رحمته الله می‌گوید: محبت صحابه ذخیره‌ای برای آخرت است، خدا رحمت کند کسی را که بر صحابه محمد صلی الله علیه و آله رحمت بفرستد.

و عبدالله بن المبارک رضی الله عنه نیز می‌گوید: اگر در شخصی دو ویژگی وجود داشته باشد امیدوارم که از عذاب روز قیامت نجات یابد، راستگویی، و محبت اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم.
 و ابوبکر بن الطیب نیز اشعاری در وصف بعضی از صحابه سروده است که این مضمون را در بر دارد: من به الگو بودن علی آنچنان معتقد هستم که به نجات ابوبکر از آتش جهنم معتقدم، و از عمر و همراهانش احساس رضایت دارم، و به هیچ وجه راضی نبودم که عثمان در خانه‌اش به قتل برسد، تمام صحابه در نزد من قدوه و بزرگ هستند، و آیا با چنین اعتقادی مورد ملامت قرار می‌گیرم؟! خدایا اگر می‌دانی که من آنها را فقط به خاطر رضا و خشنودی تو دوست دارم پس مرا از آتش جهنم نجات ده.

برای ارتباط با ما می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودية: الرياض - الرمز البريدي: (١١٧٥٧) ص. پ: (١٥٠١٠٣)

www.aqeedeh.com

ES@al-islam.com